

آموزش ۲۰۳۰



بیانیه اینچئون و چارچوب عمل

برای اجرای هدف چهارم توسعه پایدار

تضمین آموزش فراگیر و با کیفیت و
ترویج فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه

آموزش ۲۰۳۰

بیانیه اینچئون و چارچوب عمل

به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و
فراگیر برای همه

مترجم: مهرناز پیروز نیک
ویراستار: فریده پور هادی
ناظر علمی: دکتر محدثه محب حسینی
صفحه‌آرایی فارسی: سامان خسروی

آموزش ۲۰۳۰

بیانیه اینچئون

به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر
با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه

یونسکو با همکاری یونیسف، بانک جهانی، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، آژانس زنان ملل متحد و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، از ۱۹ تا ۲۲ می ۲۰۱۵، مجمع جهانی آموزش را در اینچئون، جمهوری کره، برگزار کرد. بیش از تعداد ۱۶۰۰ شرکت کننده از ۱۶۰ کشور جهان، شامل: ۱۲۰ نفر از وزرا، رؤسا و اعضای هیأت‌های اعزامی، رؤسای نهادهای مرتبط و مسئولان سازمان‌های دولتی و چندملیتی، نمایندگان جامعه مدنی، نمایندگان معلمان، جوانان و همچنین بخش خصوصی، بیانیه آموزش ۲۰۳۰ اینچئون را که برای ۱۵ سال آتی دیدگاهی نو از آموزش ارائه می‌دهد، تصویب کردند.

دیباچه

۱.

ما، وزرا، رؤسا و اعضای هیأت‌های اعزامی، رؤسای نهادهای مرتبط و مسئولان سازمان‌های دولتی و چند ملیتی، نمایندگان جامعه مدنی، نمایندگان معلمان، جوانان و بخش خصوصی در ماه می به دعوت مدیرکل یونسکو در اینچئون، جمهوری کره برای مجمع جهانی آموزش در سال ۲۰۱۵ (WEF ۲۰۱۵)، گرد هم آمده‌ایم. ما از مشارکت دولت و مردم جمهوری کره، یونیسف، بانک جهانی، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه توسعه ملل متحد، آژانس زنان ملل متحد و کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان که در برگزاری این نشست همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌کنیم. ما از یونسکو برای راهبری و برگزاری این رویداد مهم در زمینه آموزش ۲۰۳۰ صمیمانه تشکر می‌کنیم.

۲.

در این مناسبت سرنوشت‌ساز و مهم تاریخی، ما بار دیگر دیدگاه نهضت جهانی آموزش برای همه را که در سال ۱۹۹۰ در جامتین کلید خورد، و در سال ۲۰۰۰ در داکار مورد تأکید مجدد قرار گرفت، تأیید می‌کنیم و می‌دانیم که این تعهد در سالهای اخیر مهمترین تعهد صورت گرفته در زمینه آموزش بوده، و به تحقق دستاوردهای مهم آموزشی انجامیده است. علاوه بر این، ما بار دیگر دیدگاه و اراده سیاسی منعکس شده در پیمان‌نامه‌های متعدد منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را که حق آموزش و ارتباط و پیوند آن با سایر حقوق بشر را تصریح می‌کند، تأیید می‌کنیم. ما از تلاش‌های صورت گرفته سپاسگزاریم، اما با نگرانی بسیار به این امر نیز واقفیم که از تحقق کامل آموزش برای همه، بسیار فاصله داریم.

۳.

ما توافقنامه مسقط را که بر مبنای مشاوره‌های گسترده تهیه، و در نشست جهانی آموزش برای همه در سال ۲۰۱۴ تصویب شد، به خاطر می‌آوریم (و آگاه هستیم که این توافقنامه) اطلاعات لازم را برای تدوین اهداف آموزشی در اختیار کارگروه اینترنتی مربوط به اهداف توسعه پایدار قرار داد. به علاوه، ما نتایج کنفرانس‌های منطقه‌ای وزرا را در مورد آموزش در دوره پس از ۲۰۱۵ به خاطر داریم و یافته‌های مندرج در گزارش پایش جهانی آموزش برای همه مربوط به سال ۲۰۱۵ و همین‌طور گزارش همافزایی منطقه‌ای آموزش برای همه را مد نظر داریم. ما به نقش مهم برنامه جهانی "اول، آموزش" و همچنین به نقش دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی، بین دولتی و منطقه‌ای در جلب تعهد سیاسی برای پیشبرد و تحقق اهداف آموزش آگاهیم.

۴.

ما با توجه به پیشرفت‌های حاصل شده در دستیابی به اهداف برنامه آموزش برای همه از سال ۲۰۰۰ تاکنون و نیز اهداف آموزشی توسعه هزاره و همچنین با عنایت به آنچه را که در این فرایند فراگرفتیم، و پس از بررسی چالش‌های به‌جا مانده و بررسی دستورکار پیشنهادی آموزش ۲۰۳۰ و چارچوب عمل (مرتبط با آن) و اولویت‌ها و راهبردهای تعیین شده برای تحقق این دستورکار در آینده، بیانیه حاضر را تصویب می‌کنیم.

به سمت ۲۰۳۰: رویکردی جدید نسبت به آموزش

۵.

ما نقش مهم آموزش را به عنوان عامل اصلی ایجادکننده توسعه و دستیابی به سایر اهداف پیشنهادی در چارچوب اهداف توسعه پایدار پذیرفته ایم و بر این اساس، دیدگاه ما دگرگون ساختن زندگی افراد به وسیله آموزش خواهد بود. ما با احساس ضرورت، نسبت به دستورکاری بازبینی شده، واحد، کلی، آرمان گرا و ایده آل در زمینه آموزش متعهد می شویم؛ دستورکاری که در چارچوب آن، هیچ فردی از غافله آموزش عقب نمانده باشد. این دیدگاه جدید، به طور کامل در قالب هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار و اهداف ویژه مرتبط با آن نمود یافته است. تأکید هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار بر «تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه» است. این هدف، دگرگون کننده و جهانی است و اهداف ناتمام دستورکار آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره را پیگیری می کند و به دنبال یافتن راه حل برای چالش های ملی و جهانی در حوزه آموزش است. این هدف، بر مبنای دیدگاهی انسان مدار از آموزش و توسعه پایدار، استوار است. دیدگاهی که مبتنی بر اصولی همچون: حقوق و کرامت بشر، عدالت اجتماعی، شمول اجتماعی، حفاظت، تنوع فرهنگی، زبانی و قومی، مسئولیت مشترک و پاسخ گویی است. ما تأکید می کنیم که آموزش، کالایی عمومی از حقوق بنیادین بشر و متضمن به رسمیت شناخته شدن سایر حقوق بشر است. آموزش لازمه صلح، بردباری، تکامل انسانی و توسعه پایدار است. ما آموزش را لازمه تحقق اهدافی چون اشتغال و ریشه کنی فقر می دانیم. ما تلاش های خود را بر تحقق دسترسی به آموزش، برابری، انصاف و فراگیری، کیفیت و نتایج یادگیری در قالب رویکرد یادگیری مادام العمر متمرکز می کنیم.

۶.

با الهام گرفتن از دستاوردهای قابل ملاحظه ای که طی پانزده سال گذشته در دسترسی به آموزش به آن نائل شده ایم، ما تضمین می کنیم دوازده سال آموزش مجانی در مقاطع ابتدایی و متوسطه را که هزینه های آن از محل درآمدهای عمومی تأمین شود، منصفانه و با کیفیت بوده، حداقل نه سال از این دوازده سال اجباری باشد و به نتایج یادگیری مرتبط منجر شود، تأمین کنیم. ما همچنین تأمین حداقل یک سال آموزش با کیفیت مجانی و اجباری را برای مقطع پیش دبستان ترغیب می کنیم و خواهان دسترسی همه کودکان به توسعه، آموزش و مراقبت با کیفیت در اوان کودکی هستیم. به علاوه، ما به تأمین فرصت های آموزش و یادگیری مؤثر برای جمعیت کثیری از کودکان و نوجوانان بازمانده از تحصیل که به اقدام فوری، هدمند و پایدار برای تضمین ورود همه کودکان به مدرسه نیازمند هستند، متعهدیم.

۷.

فراگیری و برابری در مقاطع مختلف آموزش، زیربنای یک دستورکار دگرگون کننده در آموزش است و به این واسطه ما به رویارویی با همه انواع طرد، به حاشیه رانده شدن، نابرابری و عدم تساوی ها در دسترسی و مشارکت در آموزش و همچنین در نتایج یادگیری متعهد می شویم. فقط در صورتی می توان اذعان داشت که اهداف آموزشی تحقق یافته اند که همگان موفق شوند به آن اهداف دست یابند. به همین سبب، ما متعهد می شویم که در سیاست گذاری های آموزشی، تغییرات مؤثر و ضروری ایجاد کنیم و تلاش های خود را بر افراد محروم؛ به ویژه افراد معلول متمرکز می کنیم تا ضمانت نماییم که کسی از این غافله عقب نماند.

۸.

ما به اهمیت **تساوی جنسیتی** در دستیابی به حق آموزش برای همه، واقف هستیم. به همین واسطه، به حمایت از تلاش‌های ما، برنامه‌ریزی و ایجاد فضاهای یادگیری جنسیت‌محور، همچنین به اتخاذ رویکردی واحد در حوزه مسائل جنسیتی در متون درسی و در آموزش معلمان و در ریشه‌کنی خشونت و تبعیض جنسیت‌محور در مدارس متعهد هستیم.

۹.

ما خود را به ترویج آموزش با **کیفیت** و همچنین به بهبود نتایج یادگیری که نیازمند تقویت داده‌ها، فرایندها و ارزیابی نتایج و سازوکارهای اندازه‌گیری پیشرفت است، متعهد می‌دانیم. ما تضمین می‌کنیم که معلمان و آموزش‌یاران، توانمند شوند، به شکل مناسبی استخدام گردند، به خوبی آموزش ببینند، از نظر حرفه‌ای شایستگی لازم را به دست آورند، با انگیزه باشند و در چارچوب نظام‌های مؤثر و به‌خوبی مدیریت شده که از نظر منابع هم غنی است، مورد حمایت قرار گیرند. آموزش با کیفیت، مروج خلاقیت و دانش است و ضامن کسب مهارت‌های بنیادین سواد و حساب در کنار مهارت‌های تحلیلی، حل مسئله و سایر مهارت‌های عالی‌شناختی، مهارت‌های بین فردی و اجتماعی است. به علاوه، آموزش با کیفیت به ارتقای مهارت‌ها، ارزش‌ها و رویکردهای لازم برای توانمندسازی شهروندان در جهت زندگی کردن به شیوه‌های سالم و همه‌جانبه، تصمیم‌گیری آگاهانه و رویارویی با چالش‌های محلی و جهانی از طریق آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی کمک می‌کند. در این راستا، ما قویا از اجرای برنامه عمل جهانی در حوزه آموزش برای توسعه پایدار که در کنفرانس جهانی آموزش برای توسعه پایدار آیچی ناگویا در سال ۲۰۱۴ از آن رونمایی شد، حمایت می‌کنیم. به علاوه، ما بر اهمیت آموزش حقوق بشر برای دستیابی به دستورکار توسعه پایدار در دوره پس از سال ۲۰۱۵ تأکید می‌کنیم.

۱۰.

ما به ترویج **فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر** با کیفیت برای همه، در همه فضاها و مقاطع آموزشی متعهد می‌شویم. لازمه تحقق این هدف، دسترسی منصفانه و بیشتر به آموزش فنی و حرفه‌ای با کیفیت و همچنین دسترسی به آموزش عالی و پژوهش، با توجه خاص به مسئله تضمین کیفیت است. به علاوه، تأمین روش‌های یادگیری انعطاف‌پذیر در کنار به رسمیت‌شناختن، اعتباربخشی و تأیید دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های به‌دست آمده از طریق آموزش رسمی و غیررسمی دارای اهمیت است. به علاوه، ما متعهد می‌شویم که همه جوانان و بزرگسالان؛ به ویژه زنان و دختران، به مهارت کاربردی و مرتبط در سوادآموزی و حساب‌کردن برسند و موفق به کسب مهارت‌های زندگی شوند، و فرصت‌های یادگیری و آموزش در بزرگسالی نیز برای آن‌ها فراهم شود. ما همچنین متعهد هستیم که علم، فناوری و نوآوری را تقویت کنیم. به‌منظور تقویت نظام‌های آموزشی، انتشار دانش، دسترسی به اطلاعات، یادگیری مؤثر و با کیفیت و همچنین برای تأمین خدمات اثرگذارتر، ضرورت دارد که توان فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مهار شوند.

۱۱

ما همچنین در نهایت نگرانی اذعان داریم که امروز جمعیت بی‌شماری از افراد بازمانده از تحصیل جهان، ساکن مناطق جنگ‌زده هستند و بحران‌ها، خشونت و حمله به مؤسسات آموزشی، بلایای طبیعی و بیماری‌های واگیردار همچنان در روند آموزش و توسعه در جهان اخلاص ایجاد می‌کنند. در شرایط یادشده، ما به ایجاد نظام‌های آموزشی فراگیر، پاسخ‌گو و مقاوم برای رفع نیازهای کودکان، جوانان و بزرگسالان و همچنین افرادی که مجبور به ترک محل سکونت خود شده‌اند و مهاجران متعهد می‌شویم. ما ضرورت ارائه آموزش در فضاهای یادگیری ایمن، حمایتگر، مطمئن و به دور از خشونت را برجسته می‌سازیم. ما اتخاذ رویکرد مناسبی برای مقابله با بحران، احیا و بازسازی مناطق بحران‌زده، اتخاذ راه‌حل‌های هماهنگ‌تر ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین ظرفیت‌سازی برای کاهش همه جانبه مخاطرات را به‌عنوان رویکردهایی برای حفظ بقای آموزش در شرایط جنگ، اضطراب و پس از جنگ و همچنین برای احیای سریع آموزش در شرایط پس از جنگ، توصیه می‌کنیم.

اجرای دستورکار مشترک ما

۱۲

ما بار دیگر این مطلب را تأکید می‌کنیم که مسئولیت اصلی اجرای موفقیت‌آمیز دستورکار حاضر، برعهده دولت‌هاست. ما برآنیم که برای ترویج پاسخ‌گویی و شفافیت و همچنین حاکمیت مشارکت‌محور و مشارکت‌های منسجم در همه سطوح و در میان بخش‌های مختلف و همچنین برای تحقق حق مشارکت همه ذی‌نفعان در امر آموزش، چارچوب‌های حقوقی ایجاد کنیم و سیاست‌گذاری نماییم.

۱۳

ما خواهان همکاری و هماهنگی مستحکم جهانی و منطقه‌ای و همچنین پایش اجرای دستورکار آموزش بر مبنای گردآوری و تحلیل داده‌ها و ارائه گزارش در سطح کشوری در چارچوب راهبردها، سازوکارها و نهادهای منطقه‌ای هستیم.

۱۴

ما اذعان داریم که اجرای موفقیت‌آمیز دستورکار آموزش ۲۰۳۰، به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های

مطمئن و تدارکات اجرایی مؤثر و کارآمد نیازمند است. به علاوه، روشن است که آرمان‌های متجلی در هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار در صورت نبود بودجه قابل ملاحظه و هدفمند؛ به‌ویژه در کشورهایی که برای دستیابی به آموزش با کیفیت برای همه و در همه سطوح، راه طولانی در پیش دارند، امکان‌پذیر نیست. بدین دلیل، با در نظر گرفتن شرایط ویژه هر کشور، ما مصمم هستیم که بودجه و هزینه‌کرد در حوزه آموزش کشورها را افزایش دهیم. در این فرایند، کشورها را به رعایت شاخص‌های بین‌المللی و اختصاص حداقل ۴ تا ۶ درصد از تولید ناخالص ملی و یا حداقل ۱۵ تا ۲۰ درصد از کل مخارج ملی به آموزش، ترغیب می‌کنیم.

۱۵

با اذعان به اهمیت همکاری برای توسعه در تکمیل سرمایه‌گذاری‌های دولت‌ها، ما از کشورهای توسعه یافته، اهداکنندگان سنتی و درحال ظهور، کشورهای دارای درآمد متوسط و سازوکارهای تأمین بودجه بین‌المللی می‌خواهیم که بودجه اختصاص‌یافته به آموزش را افزایش دهند و بر مبنای نیاز کشورها، از

ارائه راهنمایی‌های فنی، ظرفیت‌سازی ملی و پشتیبانی مالی بر مبنای رسالت‌های آن‌ها و مزایای متقابل صورت خواهد گرفت. در این راستا، ما در مشاوره با کشورهای عضو، برگزارکنندگان مجمع جهانی آموزش در سال ۲۰۱۵ و سایر شرکا، یونسکو را به تدوین سازوکار مناسبی برای همکاری و هماهنگی جهانی ملزم می‌نماییم. با به رسمیت شناختن برنامه مشارکت جهانی برای آموزش به‌عنوان برنامه‌ای که توسط ذی‌نفعان چندگانه تأمین مالی می‌شود و با هدف حمایت از اجرای دستورکار آموزش بر مبنای نیازها و اولویت‌های کشورها، توصیه می‌کنیم که برنامه یادشده در آینده، جزئی از این سازوکار هماهنگی جهانی شود.

۱۷.

ما همچنین یونسکو را به‌عنوان آژانس تخصصی سازمان ملل متحد در حوزه آموزش، به ادامه مسئولیتی که به موجب رسالت خود بر عهده دارد، به راهبری و انجام هماهنگی‌های لازم برای اجرای دستورکار آموزش ۲۰۳۰ موظف می‌کنیم. در این راستا، باید اقدامات مشروحه زیر توسط یونسکو انجام شود: حمایت از کشورها برای تداوم تعهد سیاسی؛ تسهیل گفت‌وگو برای سیاست‌گذاری، به اشتراک گذاشتن دانش و تدوین استانداردها؛ پایش پیشرفت در جهت دستیابی به اهداف ویژه آموزشی؛ برقراری پیوند میان ذی‌نفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی برای راهبری اجرای دستورکار ۲۰۳۰ برای آموزش؛ و اقدام به‌عنوان رابط ملی آموزش، در چارچوب کلی همکاری‌ها برای تحقق اهداف توسعه پایدار.

اجرای دستورکار آموزش ۲۰۳۰ حمایت کنند. ما اذعان داریم که اجرای همه تعهدات موجود در زمینه کمک‌های رسمی برای توسعه (ODA)* ضرورت دارد. از جمله این تعهدات، تعهد بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برای دستیابی به هدف اختصاص ۷ درصد از تولید ناخالص ملی آن‌ها، به کمک‌های رسمی برای توسعه به کشورهای در حال توسعه است. همسو با تعهدات انجام شده، ما از آن دسته از کشورهای عضو که هنوز تعهد خود را مبنی بر اختصاص ۷ درصد از تولید ناخالص ملی به کمک‌های رسمی برای توسعه به کشورهای در حال توسعه انجام نداده‌اند، می‌خواهیم تا برای اجرای این تعهد، تلاش‌های ملموس مضاعف به‌کار بندند. به علاوه، ما متعهد هستیم که حمایت‌های خود را از کشورهای با پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی افزایش دهیم. ما همچنین به اهمیت آزادسازی همه منابع بالقوه در جهت حمایت از حق آموزش آگاه هستیم. ما به تأثیرگذاری بیشتر اقدامات کمک‌رسانی از طریق هماهنگی‌های بیشتر و همچنین از طریق اولویت‌بندی منابع مالی و کمک‌ها و اختصاص آن‌ها به زیرحوزه‌های مهجور مانده و به کشورهای دارای درآمد پایین توصیه می‌کنیم. ما همین‌طور، به افزایش قابل ملاحظه حمایت از آموزش در شرایط بروز بحران‌های انسانی و طولانی‌مدت، توصیه می‌کنیم. ما از نشست سران اسلو در حوزه آموزش برای توسعه (جولای ۲۰۱۵) حمایت می‌کنیم و خواستار آن هستیم که نشست تأمین منابع مالی برای توسعه که قرار است در آدیس‌آبابا برگزار شود، از هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار حمایت کند.

۱۶.

ما از برگزارکنندگان مجمع جهانی آموزش؛ به‌ویژه از یونسکو و همه شرکای آموزش می‌خواهیم که در اجرای دستورکار آموزش ۲۰۳۰ از کشورها، به صورت منفرد و جمعی حمایت کنند. این حمایت، از طریق

* ODA: Official Development Assistance

۱۸.

شده، ما به‌طور همه‌جانبه خود را به اجرای آن متعهد می‌دانیم. ما همچنین برای تحقق کامل چارچوب عمل آموزش، ۲۰۳۰، به راهنمایی کشورها و ایجاد انگیزه در میان آن‌ها خواهیم پرداخت.

۲۰.

با توجه به آنچه که از نشست‌های جامتین و داکار برایمان به‌جا مانده است، بیانیهٔ اینچئون، به منزلهٔ تعهدی تاریخی از سوی همهٔ ما با ایجاد دیدگاهی نوین به آموزش، زندگی نوع بشر را دگرگون خواهد ساخت. در این راه، اقدامات جسورانه و مبتنی بر نوآوری، ما را در تحقق هدف آرمان‌گرایانهٔ خود تا سال ۲۰۳۰ یاری خواهد کرد.

اینچئون، جمهوری کره ۲۱ می ۲۰۱۵

ما مصمم هستیم که نظام‌های ارزیابی و پایش ملی را با هدف ایجاد شواهد محکم برای سیاست‌گذاری و مدیریت نظام‌های آموزشی و همچنین برای تضمین پاسخ‌گویی تدوین کنیم. ما همچنین از برگزارکنندگان مجمع جهانی آموزش ۲۰۱۵ و شرکای آن‌ها می‌خواهیم که از ظرفیت‌سازی درگردآوری و تحلیل داده‌ها و همچنین ارائهٔ گزارشات کشوری حمایت کنند. کشورها باید به دنبال بهبود کیفیت، و نیز بهبود نحوهٔ تفکیک و زمان‌بندی ارائهٔ گزارش به مؤسسهٔ آمار یونسکو باشند. ما همچنین خواستار آن هستیم که «گزارش پایش جهانی آموزش برای همه» به‌عنوان یک گزارش مستقل از پایش جهانی آموزش (GEMR)، همچنان توسط یونسکو تهیه و چاپ شود. این سند، در نقش سازوکاری برای پایش و ارائهٔ گزارش در مورد هدف پیشنهادی چهارم از اهداف توسعهٔ پایدار (SDG۴) و نیز از آموزش در قالب سایر اهداف توسعهٔ پایدار عمل خواهد کرد. این نظارت مستمر و گزارش‌دهی، در چارچوب سازوکاری کلی برای پایش و بررسی اجرای اهداف پیشنهادی توسعهٔ پایدار عملی خواهد شد.

۱۹.

ما در مورد عناصر اصلی چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰، گفت‌وگو و تصمیم‌گیری کرده‌ایم. با توجه به نتایج نشست سران سازمان ملل متحد برای تصویب دستورکار توسعهٔ پسا ۲۰۱۵ (نیویورک، سپتامبر ۲۰۱۵) و نتایج سومین کنفرانس بین‌المللی تأمین بودجه برای توسعه (آدیس آبابا، جولای ۲۰۱۵)، نسخهٔ نهایی چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ تهیه می‌شود و در نشست بلندپایه‌ای که در حاشیهٔ سی و هشتمین نشست کنفرانس عمومی در نوامبر ۲۰۱۵ برای تصویب این سند برگزار خواهد شد، رونمایی می‌شود. پس از تصویب سند یاد

بیانات رؤسای آژانس‌های برگزارکننده مجمع جهانی آموزش در سال ۲۰۱۵

”بیانیه حاضر، قدم بزرگی به جلو است و بیانگر عزم راسخ ما برای تضمین دسترسی همه کودکان، جوانان و بزرگسالان به کسب دانش و مهارت‌های لازم برای زندگی شرافتمندانه، شکوفایی کامل استعدادهایشان و نیز مشارکت در جوامع محل سکونتشان، در نقش شهروندانی فعال است. این بیانیه، دولت‌ها را به فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای افراد ترغیب می‌کند، تا تک تک افراد به رشد (فکری) ادامه دهند و عاملان مثبتی برای تغییر باشند. این بیانیه، تأکید می‌کند آموزش که از حقوق بنیادین بشر است، کلید دستیابی به صلح جهانی و توسعه پایدار است.“

ایرینا بوکووا
مدیر کل یونسکو

”آموزش، کلید زندگی بهتر برای هر کودک، و بنیان جوامع مقتدر است. اما هنوز هم تعداد زیادی از کودکان از این غافله عقب مانده‌اند. به منظور تحقق همه اهداف توسعه، لازم است که همه کودکان به مدرسه بروند و از آموزش و یادگیری بهره‌مند شوند.“

آنتونی لیک
مدیر اجرایی، یونیسف

”برای پایان دادن به فقر، به ارتقای نیک‌بختی برای همه و تحقق اهداف توسعه پایدار و نیز برای ایجاد تغییرات مثبت، به تأمین مالی فعالیت‌های انجام شده برای دستیابی به توسعه و به‌کارگیری تخصص و توان فنی نیازمند هستیم. ما باید با هم و در کنار یکدیگر، برای تضمین دسترسی همه کودکان به آموزش باکیفیت و فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر تلاش کنیم و در این راستا نمی‌بایست عواملی همچون محل تولد کودکان، جنسیت و یا میزان درآمد خانواده‌های آن‌ها ما را تحت تأثیر قرار دهد.“

جیم یانگ کیم
رئیس گروه بانک جهانی

”می‌بایست در کنار هم از حق تک تک افراد بشر برای برخورداری از آموزش دفاع کنیم و این حق را ترویج کنیم و باید دسترسی همه را به آموزش با کیفیت، تضمین نمائیم و کاری کنیم که در سایه آموزش با کیفیت، ارزش‌هایی مانند: صلح، عدالت، حقوق بشر و برابری جنسیتی نهادینه شوند. ما مفتخریم به اینکه از برگزارکنندگان مجمع جهانی آموزش بودیم و متعهد می‌شویم که تا سال ۲۰۳۰، برنامه عمل جدید آموزش برای همه را اجرا کنیم.“

باباتونده اُسوتی‌مهین رئیس اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد

”در جهان ما، دانش قدرت است و آموزش توانمند می‌کند. آموزش، بخش جدایی‌ناپذیری از معادله توسعه است. آموزش، ارزشی درونی و نهادینه دارد که فراتر از مسائل اقتصادی است. این ارزش درون‌زاد، به توانمندسازی افراد کمک می‌کند تا آنان، خود آینده خویش را رقم بزنند. به همین دلیل است که آموزش بن‌مایه پیشبرد توسعه انسانی است.“

هلن کلارک سرپرست برنامه توسعه ملل متحد

”بیانیه اینچئون، به درستی ما را به اجرای آموزش عاری از تبعیض که اهمیت برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان را برای توسعه پایدار مد نظر دارد، متعهد می‌سازد. این بیانیه، برای ما فرصت مهمی به‌شمار می‌آید که با هم و در کنار یکدیگر به‌شکل بین‌بخشی برای تحقق هدف آموزش برای همه که استقرار جوامع صلح‌جو، عدالت‌محور و برابری‌محور است، کار کنیم. تنها در صورتی می‌توانیم به جهانی مملو از تساوی دست یابیم که آموزش نیز همین مفهوم را در جهان ترویج کند.“

فومزیل اِم‌لامبو ان‌جی‌کوکا رئیس اجرایی آژانس زنان ملل متحد و معاون دبیر کل سازمان ملل متحد

”ما برای تضمین اینکه آموزشی با توجه به نیازهای برخی از آسیب‌پذیرترین قشر کودکان و جوانان در جهان (پناهندگان، کودکانی که در داخل کشورهایشان مجبور شده‌اند محل سکونت خود را ترک کنند، کودکانی که کشوری ندارند و کودکانی که حق آموزش آنان، به واسطه وقوع جنگ و نبود امنیت، پایمال شده است) تدوین شده باشد، مسئولیت مشترکی داریم. این کودکان کلید تحقق آینده‌ای ایمن و پایدار هستند و آموزش آن‌ها مسئله‌ای است که همه ما باید به آن بپردازیم.“

آنتونیو گوترز کمیسونر عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

آموزش ۲۰۳۰ چارچوب عمل

به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر
با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه

پیشگفتار

چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، که هدف چهارم دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد و نقشه راه نهادهای متولی آموزش پایه و متوسطه، آموزش عالی، آموزش بهداشت و سلامت و اشتغال و توسعه مهارت‌ها در راستای پاسخ گوئی به نیازهای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی تا پانزده سال آینده را ترسیم می‌کند، در سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵، به تصویب صد و هشتاد و چهار کشور عضو یونسکو رسید.

این چارچوب عمل، که عنوان آن «به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر» تعیین شده است، به‌گونه‌ای مؤثر به چالش‌های جاری و آتی آموزش در سطوح ملی و جهانی می‌پردازد. همایش‌ها و نشست‌های مربوط به شکل‌گیری این سند، که از سال ۲۰۱۲ توسط یونسکو و سایر نهادهای سازمان ملل متحد آغاز، و در سال ۲۰۱۵ به شکل‌گیری سند منجر شد، عبارت بودند از: نشست جهانی آموزش برای همه در ماه مه ۲۰۱۴ در مسقط عمان که منجر به توافقنامه مسقط شد، مجمع جهانی آموزش برای همه در مه ۲۰۱۵ در کره که در آن بیانیه اینچئون تصویب گردید، نشست جهانی سران ملل متحد در سپتامبر ۲۰۱۵ که در آن دستورکار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ تصویب شد و سرانجام، میزگرد بلندپایه آموزش ۲۰۳۰ که هم زمان با سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۲۰۱۵ در پاریس برگزار، و در آن چارچوب عمل نهائی تصویب شد.

راهبردهای اصلی چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ عبارت‌اند از: تقویت سیاست‌ها، طرح‌ها، نظام‌ها و قانون‌گذاری، تمرکز بر کیفیت و اثربخشی، ترویج یادگیری مادام‌العمر براساس رویکرد فرابخشی و جلب مشارکت همه عاملان و ذی‌نفعان آموزش. این چارچوب، با پذیرش تفاوت‌های ملی و فرهنگی میان کشورها، تفاوت ظرفیت‌ها و سطوح پیشرفتگی و با احترام به اولویت‌ها و سیاست‌های ملی، راهبردهای مؤثری را برای بومی‌سازی طرح‌ها و برنامه‌ها به کشورها ارائه می‌دهد و با بسیج همه کشورها و شرکاء، برای تحقق اهداف توسعه پایدار در حوزه آموزش، تأکید می‌کند.

از جمله ویژگی‌های چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، ارتباط تنگاتنگ آموزش با توسعه انسانی و پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی است. این دیدگاه، فراتر از رویکردی صرفاً کاربردی به آموزش است و آن را ابزاری جامع و حیاتی برای ترویج مردم‌سالاری، حقوق بشر، ارتقای شهروندی جهانی، بردباری و مشارکت مدنی و توسعه پایدار می‌داند. آموزش، گفت‌وگوی بین فرهنگی را تسهیل می‌کند و احترام به تنوع فرهنگی را که برای دستیابی به صلح و عدالت اجتماعی ضرورت دارد، ترویج می‌نماید.

بدین ترتیب، آموزش اساس دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار قرار گرفته است و در تحقق همه اهداف توسعه پایدار مؤثر است. این دستورکار، علاوه بر در نظر گرفتن آموزش به عنوان یک هدف مجزا (هدف چهارم)، اهداف ویژه‌ای را نیز در زمینه آموزش تعریف می‌کند که آن‌ها را در قالب سایر اهداف توسعه پایدار؛ به ویژه اهداف مرتبط با سلامت، رشد و اشتغال، تولید و مصرف پایدار و تغییر اقلیم مطرح می‌نماید. در واقع، آموزش قادر است که پیشرفت به سوی تحقق همه اهداف توسعه پایدار را تسريع و تسهیل کند و لازم است به‌عنوان بخشی از راهبردهای تحقق هر یک از اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ نیز در نظر گرفته شود.

در رویکرد جدید، نظام‌های آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که با نیازهای بازار کار، تغییر اقلیم و تخریب تنوع زیستی، بلایای طبیعی و تهدیدهای مداوم ناشی از چالش‌های جوامع چندفرهنگی، متناسب و مرتبط باشند و زمینه لازم را برای تبدیل یادگیرندگان به شهروندان جهانی خلاق و پاسخ‌گو فراهم کنند. در عین حال باید تا سال ۲۰۳۰، ضمن ریشه‌کنی بی‌سوادی بزرگسالان و انسداد مبنای بی‌سوادی، همه کودکان و نوجوانان واجب‌التعلیم را در آموزش پیش‌دبستانی و ابتدایی ثبت‌نام کنند. همچنین، نظام‌های آموزشی باید تضمین کنند که همه افراد جامعه مهارت‌های اولیه یادگیری مادام‌العمر را کسب کنند و برای زندگی در جوامع یادگیرنده‌ای که به طور مداوم در معرض پیشرفت‌های فناوری است، آماده شوند. چارچوب عمل جهانی آموزش، بر اساس هفت هدف اصلی و سه ابزار اجرایی، شکل گرفته است. علاوه بر این، برای هر یک از اهداف اصلی، گزینه‌های راهبردی را معرفی، و به کشورها کمک می‌کند تا بتوانند مطابق با نیازهای ملی، آن‌ها را در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود ادغام کنند. نکته‌ای که در همه بخش‌های این چارچوب عمل بارز است، تأکید فزاینده بر کیفیت و تناسب آموزش، اثربخشی یادگیری، نظارت و پایش و گسترش دسترسی به آموزش، توسط همه اقشار و گروه‌های اجتماعی در همه سنین است.

بر اساس توصیه یونسکو، اجرای موفق دستورکار آموزش ۲۰۳۰ در سطح ملی، به جلب مشارکت گسترده و نظام‌مند و ایجاد هماهنگی در میان بخش‌های متعدد و طیف گسترده‌ای از عاملان و ذی نفعان بستگی دارد. دولت‌ها موظف‌اند تا اهداف جهانی را در اهداف، سیاست‌ها، طرح‌ها و اقدامات ملی، چرخه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، سازماندهی نظام‌های آموزشی و آماده‌سازی منابع ادغام کنند. اجرای آموزش ۲۰۳۰ در سطح ملی، می‌بایست بر مبنای رویکردی فرابخشی باشد که براساس همکاری مؤثر، تمرکز بر نتایج، گسترش شراکت، شفافیت، مسئولیت مشترک و وحدت عمل همه عاملان شکل گرفته است. با توجه به تنوع ماهیت نهادهای متولی آموزش در کشورها، برخی از اصول عمومی که می‌توانند به هماهنگی مناسب جهت تحقق مؤثر اهداف آموزش ۲۰۳۰ در چارچوب دستورکار ۲۰۳۰ توسعه پایدار ملل متحد کمک کنند، عبارت‌اند از: هدایت دولتی و جلب مشارکت فرابخشی، حفظ ساختارهای موجود و انطباق آن‌ها با آموزش ۲۰۳۰، اجرای اقدامات فراتر از وزارت آموزش و جلب مشارکت وزارت‌ها و سازمان‌های مرتبط با بهداشت، جوانان، کار، امور اجتماعی، مدیریت، برنامه‌ریزی، بودجه و تأمین هماهنگی اجرای آموزش ۲۰۳۰ با سایر اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ ملل متحد.

کمیسیون ملی یونسکو در ایران، از بدو فرآیند مشورتی تدوین چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو، هماهنگی‌های لازم را با نهادهای ملی برای جمع‌بندی نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران در خصوص اهداف و موضوعات مختلف سند به عمل آورد و پس از تصویب چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰ در یونسکو، با همکاری کمیته‌های ملی آموزش و آموزش عالی خود که ترکیب آن شامل: اعضای حقیقی (متخصصان برجسته علمی) و حقوقی (نمایندگان وزرا و رؤسای دانشگاه‌ها) از همه وزارت‌خانه‌ها و نهادهای ذی‌ربط است، طرح عملیاتی کردن سند آموزش ۲۰۳۰ را از طریق تقسیم کار ملی با تمرکز بر وزارت‌خانه‌ها و نهادهای اصلی متولی آموزش: آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ و همچنین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اجرا کرد. بر این اساس، راهنمای فنی تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران را تهیه کرد و در اختیار کار گروه‌های تخصصی قرار داد. سند حاضر که توسط کمیسیون ملی یونسکو در ایران ترجمه شده، اهداف و محورهای اقدام چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، همچنین گزینه‌های راهبردی را که برای تحقق هر یک از اهداف در نظر گرفته شده است و سایر حوزه‌های اولویت‌دار که نیاز به برنامه‌ریزی ویژه دارد، به خوبی تشریح می‌کند. امید است که مسئولان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور، با اتخاذ رویکردی هوشمندانه مطابق با توصیه‌های یونسکو و سایر سازمان‌های بین‌المللی، اقدامات لازم را جهت عملیاتی کردن اهداف اشاره شده در چارچوب عمل جهانی آموزش ۲۰۳۰، به عمل آورند.

در اینجا لازم می‌دانم از همکاری ارزشمند و حمایت مالی و فنی دفتر صندوق کودکان ملل متحد در ایران و دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران برای چاپ و انتشار این سند تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از همکاران خود در کمیسیون ملی یونسکو که در آماده‌سازی این سند جهت چاپ و انتشار مشارکت ارزشمندی داشتند، سرکار خانم پیروزنیک که چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ را به زبان فارسی ترجمه کردند، سرکار خانم پورهادی که ویرایش متن ترجمه شده را انجام دادند و سرکار خانم دکتر محب حسینی، که نظارت و هدایت فنی و علمی را در همه مراحل کار مبذول داشتند، تشکر و قدردانی نمایم. امید است که این اثر بتواند راهنمای موثری برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی و توسعه کشور، به منظور اتخاذ سیاست‌های منسجم و یکپارچه در زمینه آموزش جهت پاسخ گوئی به نیازهای توسعه پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی باشد.

سعدالله نصیری قیداری

دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو

فهرست مطالب

۲۲	اهداف توسعه پایدار-هدف ۴
۲۴	مقدمه
۲۶	I. دیدگاه، منطق و اصول
۳۰	II. هدف اصلی، رویکردهای راهبردی، اهداف ویژه و شاخص ها
۳۰	هدف کلی
۳۱	رویکردهای راهبردی
۳۶	اهداف ویژه و راهبردهای شاخص
۵۱	ابزارهای اجرا
۵۶	شاخص ها

اهداف توسعه پایدار- هدف ۴

اهداف ویژه هدف ۴

تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه

۴.۱: تضمین اینکه همه دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰، دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه را به شکل باکیفیت، عادلانه و بدون پرداخت هیچ گونه شهریه، به طور کامل و با دستیابی به نتایج مؤثر در یادگیری به پایان برسانند.



۴.۲: تضمین دسترسی همه دختران و پسران به آموزش پیش دبستانی، و مراقبت و رشد کیفی در اوان کودکی، به منظور آماده سازی آن‌ها برای آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۳۰



۴.۳: تضمین دسترسی برابر همه زنان و مردان به آموزش عالی و دانشگاهی، و آموزش فنی و حرفه‌ای مقرون به صرفه و با کیفیت تا سال ۲۰۳۰



۴.۴: افزایش چشمگیر تعداد جوانان و بزرگسالان دارای مهارت‌های مرتبط با اشتغال، مشاغل شایسته و کارآفرینی، از جمله مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تا سال ۲۰۳۰



۵. ۴: ریشه‌کنی نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و تضمین دسترسی برابر به همهٔ مقاطع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای برای اقشار آسیب‌پذیر، از جمله معلولان، افراد بومی و کودکانی که در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند و یا خود، آسیب‌پذیر هستند، تا سال ۲۰۳۰



۶. ۴: تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همهٔ جوانان و تعداد قابل توجهی از بزرگسالان، اعم از زن و مرد به سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن دست یابند.



۷. ۴: تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰، همهٔ یادگیرندگان به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعهٔ پایدار، به‌ویژه از طریق: آموزش برای توسعهٔ پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ‌ها در تحقق توسعهٔ پایدار دست یابند.



۴. الف: ایجاد و به‌روزرسانی امکانات آموزشی مناسب برای کودکان، معلولان و زنان و مردان، و تأمین فضاهای یادگیری مؤثر، فراگیر، به‌دور از خشونت و امن برای همه تا سال ۲۰۳۰



۴. ب: افزایش چشمگیر تعداد بورس‌های اعطا شده در جهان به کشورهای در حال توسعه؛ به‌ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و کشورهای آفریقایی، برای ثبت‌نام در مقطع آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته و در سایر کشورهای در حال توسعه، از جمله: در حوزهٔ آموزش فنی و حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشته‌های فنی، علمی و مهندسی تا سال ۲۰۲۰



۴. ج: افزایش قابل توجه معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق: تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰



مقدمه

۱-

از سال ۲۰۰۰ تاکنون؛ یعنی از زمان تعیین شش هدف آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره، اگرچه جهان در زمینه آموزش پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما دسترسی به این اهداف تا مهلت مقرر آن؛ یعنی تا سال ۲۰۱۵ تحقق نیافت؛ از این رو برای به پایان رساندن دستورکار ناتمام آموزش برای همه، به انجام اقدامات تکمیلی نیازمند هستیم. در قالب هدف چهارم سند دگرگون سازی جهان ما: دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار - تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه (که از این پس، از آن تحت عنوان آموزش ۲۰۳۰ یاد می‌شود) و اهداف وابسته به آن، جهان دستورکار بلندپروازانه تری را در حوزه آموزش، برای دوره زمانی ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ ایجاد کرده است. این بار، همگان باید تلاش کنند تا هدف اصلی یادشده و اهداف ویژه مرتبط با آن تحقق یابند.

۲-

سند آموزش ۲۰۳۰ از طریق فرایند مشاوره ای و گسترده، توسط کشورهای عضو و با تسهیل گری یونسکو و سایر شرکا، و در سایه هدایت کمیته راهبری آموزش برای همه^۱ تهیه شد. در تنظیم این سند، از مشاوره‌های موضوعی انجام شده توسط یونسکو و یونیسف در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ در زمینه آموزش پسا ۲۰۱۵، نشست جهانی آموزش برای همه که در ماه می ۲۰۱۴ در مسقط برگزار شد، مشاوره‌های انجام شده با سازمان‌های غیر دولتی، پنج

کنفرانس منطقه‌ای وزرا که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ توسط یونسکو برگزار شد و نیز نشست E-۹* که در سال ۲۰۱۴ در اسلام آباد^۲ برگزار گردید، بهره گرفته شده است. نقطه عطف تهیه این سند، توافق نامه مسقط بود که در ماه می سال ۲۰۱۴ در نشست جهانی آموزش برای همه تصویب شد و زمینه ساز هدف اصلی جهانی آموزش و اهداف ویژه وابسته به آن و همچنین ابزارهای تحقق کلیه این اهداف بود که توسط کارگروه اینترنتی مجمع جهانی سازمان ملل متحد در زمینه توسعه پایدار پیشنهاد شد.

نقطه اوج این فرایند، بیانیه اینچئون بود که در ۲۱ ماه می سال ۲۰۱۵ در مجمع جهانی آموزش اینچئون، جمهوری کره تصویب شد. بیانیه اینچئون، بیانگر تعهد جامعه آموزش به سند آموزش ۲۰۳۰ و دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار است که بر پذیرش نقش مهم آموزش به عنوان مهم‌ترین عامل توسعه، استوار می‌باشد. چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ که راه‌کارهایی را برای اجرای آموزش ۲۰۳۰ ارائه می‌دهد، در مجمع جهانی آموزش در سال ۲۰۱۵ بررسی شد و در بیانیه اینچئون، عناصر اساسی شکل دهنده آن مورد توافق قرار گرفت. این چارچوب عمل، توسط گروه تهیه پیش نویس چارچوب عمل ۲۰۳۰ برای آموزش تصویب شد و در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۵، در جریان نشست بلندیایه در یونسکوی پاریس به تصویب ۱۸۴ کشور عضو یونسکو و جامعه آموزش رسید. چارچوب عمل آموزش، بیانگر آن است که چگونه می‌توان تعهد انجام شده در اینچئون را در سطوح کشوری، ملی^۳، منطقه‌ای و جهانی، جامعه عمل پوشاند. هدف چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰، بسیج همه کشورها و شرکا

برای تحقق اهداف توسعه پایدار در حوزه آموزش و اهداف ویژه مرتبط با آن است و بر این اساس، راهمایی را برای اجرا، هماهنگ سازی، تأمین مالی و پایش آموزش ۲۰۳۰ پیشنهاد می کند تا بدین طریق، متضمن آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه باشد. به علاوه، چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰، با پذیرش تفاوت های ملی میان کشورها، ظرفیت ها و سطوح پیشرفت آن ها و با احترام گذاشتن به اولویت ها و سیاست های ملی کشورها، راهبردهای شاخصی را برای بومی سازی طرح ها و برنامه ها در قالب طرح های ملی به کشورها ارائه می دهد.

۳-

چارچوب عمل، سه بخش دارد. بخش اول سند، بیانگر دیدگاه، منطق و اصول آموزش ۲۰۳۰ است. بخش دوم، بیانگر هدف جهانی آموزش و هفت هدف ویژه وابسته به آن، سه روش اجرا و راهبردهای شاخص آن است. بخش سوم، به منظور ایجاد هماهنگی میان تلاش های جهانی برای آموزش و سازوکارهای بازبینی، پیگیری، پایش و حاکمیت آموزش، ساختاری را ارائه می کند، ضمن اینکه روش هایی را برای تضمین تأمین مالی آموزش ۲۰۳۰ ارائه می دهد و زمینه همکاری های لازم را برای انتشار و معرفی دستورکار در سطوح کشوری، ملی، منطقه ای و جهانی بررسی می کند.

۱ کمیته راهبری EFA که توسط یونسکو ایجاد شده، متشکل از: کشورهای عضو نماینده هر شش منطقه جغرافیایی یونسکو، برنامه E-9 و کشور میزبان مجمع جهانی آموزش ۲۰۱۵ است. اعضای دیگر این کمیته شامل: پنج آژانس ایجاد کننده EFA (یونسکو، یونیسف، برنامه توسعه ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و بانک جهانی)، سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی (OECD)، مشارکت جهانی برای آموزش (GPE)، جامعه مدنی، معلمان و بخش خصوصی است.

* برنامه E-9، مجمعی است که در سال ۱۹۹۳ برای تسریع پیشرفت به سوی تحقق اهداف آموزش برای همه تأسیس شد. این مجمع، متشکل از نه کشور بسیار پر جمعیت جنوب جهان؛ یعنی بنگلادش، برزیل، چین، مصر، هند، اندونزی، مکزیک، نیجریه و پاکستان است.

۲ نتایج کنفرانس های منطقه ای وزرا در زمینه آموزش پسا ۲۰۱۵ و نشست E-9، در قالب بیانیه های بانکوک (۲۰۱۴)، لیما (۲۰۱۴)، اسلام آباد (۲۰۱۴)، کیگالی (۲۰۱۵) شرم الشیخ (۲۰۱۵) و پاریس (۲۰۱۵) منتشر شد.

۳ در نظام های فدرال، مسئولیت های دولتی غالباً به سطوح زیرملی واگذار می شوند. علاوه بر این، در بسیاری از کشورهایی که نظام فدرال ندارند نیز هدایت و تصمیم گیری در امور آموزشی به شکل غیر متمرکز (غیر وابسته به دولت) انجام می شود. در جایی که امکان آن فراهم باشد، برای نشان دادن این مطلب، از ابزارهای مناسب استفاده می شود، اما در از برخی موارد برای اشاره به کشورهایی که نظام حاکمیتی آن ها غیر متمرکز و یا غیر متمرکز باشد، از واژه ملی استفاده می شود.

۱. دیدگاه، منطق و اصول آموزش ۲۰۳۰

می‌شمارد و در مورد آموزش و توسعه، از یک دیدگاه انسانی بهره گرفته است. این دستورکار، بر اصول کرامت و حقوق بشر، عدالت اجتماعی، صلح، شمول اجتماعی و حفاظت، تنوع قومی، فرهنگی و زبانی و نیز مسئولیت مشترک و پاسخ‌گویی استوار است.

۵-

آموزش ۲۰۳۰، بر نهضت آموزش برای همه استوار است و در راستای تداوم آن تهیه شده، ضمن اینکه از آموزه‌های سال ۲۰۰۰ تاکنون نیز بهره گرفته است. آنچه که آموزش ۲۰۳۰ را از آموزش برای همه متفاوت می‌سازد و در مقایسه با آموزش برای همه، نکته جدیدی محسوب می‌شود، تمرکز بر افزایش و گسترش دسترسی، فراگیری، برابری با کیفیت و نتایج یادگیری در همه سطوح در چارچوب رویکرد یادگیری مادام‌العمر است. یکی از آموزه‌های مهم سال‌های گذشته این است که، دستورکار جهانی آموزش باید در بطن چارچوب توسعه بین‌المللی فعالیت کند و ابعاد بشردوستانه آن در رویارویی با چالش‌ها، بر خلاف آنچه که در مورد اهداف آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره رخ داد، نه تنها صرفاً در راستای اهداف بشردوستانه، بلکه می‌بایست بسیار قوی‌تر باشد. با تصویب بیانیه اینچئون، جامعه آموزش، یک هدف بازنگری شده آموزشی را در راستای چارچوب کلی توسعه تهیه کرد. تمرکز دستورکار جدید آموزش، بر شمول اجتماعی و برابری که برای

۴-

آموزش، در رأس دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار قرار دارد و در تحقق همه اهداف توسعه پایدار مؤثر است. با به رسمیت شناختن نقش مهم آموزش، دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، آموزش را به عنوان یک هدف مجزا معرفی می‌کند. علاوه بر این، سند دستورکار آموزش ۲۰۳۰، اهداف ویژه‌ای را نیز در زمینه آموزش در قالب سایر اهداف توسعه پایدار؛ به ویژه اهداف مرتبط با سلامت، رشد و اشتغال، تولید و مصرف پایدار و تغییر اقلیم مطرح می‌کند. در واقع، آموزش قادر است که پیشرفت به سوی تحقق همه اهداف توسعه پایدار را تسریع کند و براین اساس، لازم است تا به عنوان بخشی از راهبردهای تحقق هر یک از این اهداف در نظر گرفته شود. دستورکار بازبینی شده آموزش که در هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار به طور مختصر به آن اشاره شده است، جامع، کل‌گرا، بلندپروازانه، آرمانی و جهانی است و از دیدگاهی الهام گرفته که در آن، به نقش آموزش در دگرگون‌سازی زندگی افراد، اجتماعات و جوامع معتقد است و بر اساس آن، هیچ کس نباید از قافله پیشرفت عقب بماند. دستورکار یادشده، در راستای تکمیل اهداف تحقق نیافته آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره در حوزه آموزش تهیه شده است و به طور مؤثر، به چالش‌های جاری و آتی جهانی و ملی آموزش می‌پردازد. دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، حقوق افراد را محترم

امروز باید آموزش ۲۰۳۰ را در چارچوب وسیع تر توسعه، بررسی کرد. نظام‌های آموزشی می‌بایست مرتبط باشند و بتوانند نیاز بازارهای کار به سرعت در حال تغییر، پیشرفت‌های فناوری، شهری شدن، مهاجرت، ناپایداری سیاسی، تخریب زیست محیطی، مخاطرات و بلایای طبیعی، رقابت برای دستیابی به منابع طبیعی، چالش‌های جمعیت شناختی، بیکاری رو به افزایش جهانی، فقر مداوم، گسترش نابرابری و تهدیدات گسترده برای صلح و امنیت را پاسخ گو باشند. نظام‌های آموزشی می‌بایست تا سال ۲۰۳۰ بیش از صدها میلیون نفر از کودکان و نوجوانان را برای دستیابی به آموزش پایه (در مقاطع پیش‌دبستان، دبستان و راهنمایی) ثبت‌نام کنند، ضمن اینکه می‌بایست امکان دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر در مقاطع متوسطه و عالی را برای همه زنان، مردان، دختران و پسران فراهم نمایند. در عین حال، به منظور تضمین بهداشت، یادگیری و روند پیشرفت دانش آموزان در بلند مدت؛ آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی نیز ضرورت دارد. به علاوه، لازم است تا نظام‌های آموزشی تضمین کنند که همه کودکان، جوانان و بزرگسالان می‌آموزند و مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند و در سوادآموزی به مرحله خبرگی می‌رسند. برای کودکان، جوانان و بزرگسالان ضرورت دارد که در طول زندگی، مهارت‌ها و توانمندی‌های انعطاف پذیر لازم را برای زیستن و کارکردن در محیطی ایمن تر، پایدارتر، به هم وابسته‌تر، دانش‌بنیان‌تر و فناوری‌تر بیاموزند. سند آموزش ۲۰۳۰، در برگیرنده این امر خواهد بود که همه افراد به بنیانی مستحکم از دانش، تفکر خلاقانه و مهارت‌های کار

تک تک افراد، فرصت یکسانی را در نظر می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد تا کسی از این قافله عقب بماند، خود، آموزه جدیدی است که تحقق آن نیازمند افزایش تلاش‌ها؛ به‌ویژه برای دسترسی اقشار درحاشیه مانده و آسیب‌پذیر به آموزش می‌باشد. همه افراد، بدون توجه به جنسیت، سن، نژاد، رنگ پوست، قومیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیره، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی یا محل تولد، داشتن یا نداشتن معلولیت، افراد مهاجر، افراد بومی، کودکان و جوانان؛ به ویژه آنان که در شرایط آسیب‌پذیر و یا شرایط دیگری^۴ قرار دارند، باید به آموزش فراگیر، برابر و فرصت‌های یکسان برای یادگیری مادام‌العمر دسترسی داشته باشند. تمرکز بر کیفیت آموزش، یادگیری و مهارت‌ها، خود نکته مهم دیگری از جمله: خطر پرداختن بیش از حد به موضوع دسترسی به آموزش، بدون توجه کافی به موضوع یادگیری دانش آموزان و کسب مهارت‌های لازم توسط آنان در زمان حضورشان در مدرسه را برجسته می‌سازد. این واقعیت که اهداف آموزش برای همه محقق نشده است نیز درس دیگری از جمله: «در پیش گرفتن روال همیشگی، باعث آموزش با کیفیت برای همه نمی‌شود» را به ما می‌دهد. در صورتی که روند پیشرفت به شکل جاری ادامه پیدا کند، بسیاری از کشورهای بسیار عقب مانده باز هم نخواهند توانست تا سال ۲۰۳۰ به اهداف جدید آموزشی دست یابند. این امر، بر اهمیت بسیار زیاد تغییر عملکردهای جاری و تمرکز تلاش‌ها و منابع با سرعتی بی سابقه تأکید دارد. از ویژگی‌های جدید دیگر سند آموزش ۲۰۳۰، جهانی بودن و تعلق داشتن آن به همه جهان، اعم از کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه است.

^۴ از این پس، اصطلاح «گروه‌های به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر» به همه گروه‌های معرفی شده در این فهرست اشاره خواهد داشت. لازم است ذکر شود که فهرست نامبرده که ترکیبی از پاراگراف‌های ۱۹ و ۲۵ سند «دگرگون‌سازی جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» است فهرست کاملی نیست و کشورها و مناطق مختلف دنیا می‌توانند انواع دیگری از آسیب‌ها، به حاشیه رانده شدن‌ها، طردشدگی‌ها و تبعیض‌های جایگاه محور را معرفی کنند و در مورد آن شرح دهند.

گروهی (مهارت‌های مشارکتی) دست یابند و حس کنجکاوی، شهامت و استقامت در آنان تقویت شود.

۷-

توجه مجدد به هدفمندی و تناسب آموزش با توسعه انسانی و پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی از جمله ویژگی‌های تعیین کننده دستورکار آموزش ۲۰۳۰ است. این موضوع، در بطن دیدگاه جامع این دستورکار قرار دارد که خود زمینه ساز الگوی تازه ای از توسعه است. دیدگاه یادشده، فراتر از یک رویکرد صرفاً کاربردی به آموزش است و ابعاد چندگانه وجود بشر را نیز در نظر دارد. بنابراین دیدگاه، آموزش به عنوان ابزاری جامع و حیاتی برای ترویج مردم سالاری و حقوق بشر شناخته شده است و به ارتقای شهروندی جهانی، بردباری و مشارکت مدنی و توسعه پایدار کمک می کند. آموزش، گفت‌وگوی بین فرهنگی را تسهیل می سازد و احترام به تنوع فرهنگی، مذهبی و زبانی را که همگی برای دستیابی به شمول و عدالت اجتماعی ضرورت دارند، ترویج می کند.

۸-

این سند، برای کشورها و جوامعی که به تحقق آموزش برای همه پایبند هستند، بسیار مفید است. شواهد روزافزونی مبنی بر توان غیر قابل قیاس آموزش برای بهبود زندگی؛ به ویژه زندگی زنان و دختران وجود دارد. آموزش، در ریشه کنی فقر نقش کلیدی دارد. آموزش، به کسب شغل شرافتمندانه و افزایش درآمد و بهره‌وری، دو عاملی که زمینه ساز توسعه اقتصادی هستند، کمک می کند. آموزش، قدرتمندترین ابزار دستیابی به برابری میان زنان و مردان، توانمندسازی زنان و دختران برای مشارکت کامل سیاسی و اجتماعی و نیز توانمندسازی آنان از منظر اقتصادی است. به علاوه، آموزش برای بهبود سلامت افراد و نیز تضمین انتقال مزایای حاصله از آن به نسل‌های آینده، جزو قدرتمندترین روش‌ها محسوب می شود. آموزش، زندگی میلیون‌ها مادر و کودک را نجات می دهد، از ابتلا به

بیماری پیشگیری می کند و از عناصر اساسی کاهش دهنده سوء تغذیه است. علاوه بر این، آموزش مشارکت و شمول اجتماعی معلولان را افزایش می دهد، ضمن اینکه برای کودکان، جوانان و بزرگسالانی که زندگی آن‌ها به واسطه جنگ و بحران تباه شده است، نقش حمایتی دارد و برای بازسازی زندگی و جوامع آنان، ابزارهایی را در اختیارشان قرار می دهد.

۹-

تحقق آموزش برای همه، نیازمند ایجاد فرصت‌های بیشتر در همه جا، به خصوص در کشورها و مناطق درگیر جنگ است. با توجه به اینکه، بزرگ ترین شکاف‌های آموزشی در شرایط جنگ و در کشورها و مناطق درگیر با شرایط اضطراری، رؤیت می شود؛ بنابراین لازم است نظام‌های آموزشی که از مقاومت بیشتری برخوردارند و در شرایط جنگ، اغتشاش اجتماعی و بلایای طبیعی پایدارترند، طراحی شوند. لازم است تا پایداری آموزش در شرایط اضطرار، جنگ و در شرایط پس از جنگ تضمین شود. به علاوه، آموزش با کیفیت تر، در پیشگیری از درگیری‌ها، بحران‌ها و کاهش آن‌ها، و نیز در ترویج صلح مؤثر است.

اصول به کار رفته در تهیه این سند، برگرفته از اسناد و توافق نامه‌های بین‌المللی است که از آن جمله می‌توان به: ماده ۲۶ بیانیه جهانی حقوق بشر، پیمان نامه مبارزه با تبعیض در آموزش، پیمان نامه حقوق کودک، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پیمان نامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق معلولان، پیمان نامه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، پیمان نامه مربوط به وضعیت پناهندگان، و قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حق آموزش در شرایط اضطراری اشاره کرد.

اصول یاد شده به شرح زیر هستند:

- **آموزش، از حقوق بنیادین بشر و حق توانمند کننده است.** برای تحقق این حق، کشورها باید دسترسی جهانی و برابر به یادگیری و آموزش با کیفیت، فراگیر و منصفانه را به صورت رایگان و اجباری امکان‌پذیر کنند، به گونه ای که هیچ کس از دسترسی به آن عقب نماند. هدف آموزش باید تکامل کامل شخصیت انسان، ترویج تفاهم متقابل، بردباری، دوستی و صلح باشد.

- **آموزش، کالایی عمومی تلقی می‌شود که** مسئولیت آن بر عهده دولت است. آموزش یک فعالیت مشترک اجتماعی است که به فرایندی همه شمول در زمینه سیاست‌گذاری‌های عمومی و اجرا نیازمند است. جامعه مدنی، آموزگاران، بخش خصوصی، جوامع، خانواده‌ها، جوانان و کودکان همگی در به رسمیت شناختن حق افراد در زمینه بهره‌مندی از آموزش با کیفیت نقش مهمی دارند. نقش دولت‌ها در تدوین و قانون‌مندی‌سازی هنجارها و معیارها حیاتی است.

- **برابری بین زنان و مردان (تساوی جنسیتی)** با حق آموزش برای همه، ارتباطی ناگسستنی دارد. برای دستیابی به برابری میان زنان و مردان، نیاز است که رویکردی حق محور اتخاذ شود، که این امر نه تنها دسترسی دختران و پسران و زنان و مردان را به آموزش و تکمیل دوره‌های آموزشی تضمین می‌کند، بلکه ضامن توانمندسازی برابر آنان از طریق آموزش و در جریان آموزش نیز هست.

هدف اصلی، رویکردهای راهبردی، اهداف ویژه و شاخص‌ها

هدف کلی

تضمین آموزش با کیفیت، فراگیر و برابر و ترویج فرصت‌های یادگیری
مادام‌العمر برای همه

۱۱-

هدف کلی ۴ در زمینه آموزش، از سند ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، متعهد است که آموزش با کیفیت و فراگیر را در همه سطوح تأمین کند و بازگو کننده ویژگی جدید و کلیدی سند آموزش ۲۰۳۰، و بن مایه این سند است.

۱۲-

تضمین دسترسی همه کودکان و جوانان به حداقل دوازده سال آموزش با کیفیت رایگان در مقاطع ابتدایی و متوسطه و تضمین تکمیل این دوره‌ها توسط کودکان و جوانان و ضمانت تأمین بودجه آن‌ها از محل بودجه‌های عمومی، و اجباری بودن حداقل نه سال از این دوازده سال. تضمین دسترسی کودکان و جوانان بازمانده از تحصیل، به آموزش با کیفیت به روش‌های متعدد. تضمین تأمین فرصت‌های آموزشی به گونه‌ای که همه جوانان و بزرگسالان بتوانند به مهارت خواندن، نوشتن و حساب کردن به شکل کاربردی دست یابند و بدین وسیله مشارکت آن‌ها در اجتماع به عنوان شهروندانی فعال تضمین شود. علاوه بر این‌ها، لازم است تا امکان فراهم آوردن فرصت برگزاری دوره‌ای یک

ساله برای آموزش پیش از دبستان نیز تأمین و ترویج شود.

۱۳-

تضمین برابری و فراگیری در آموزش از طریق: آموزش و مقابله با همه انواع درحاشیه ماندن افراد، نابرابری، آسیب‌پذیری و عدم تساوی در دسترسی به آموزش و زمینه سازی برای مشارکت، ابقا و تکمیل دوره‌های آموزشی و همچنین تضمین برابری و فراگیری در دسترسی به نتایج یادگیری. تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دگرگون کننده برای پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف یادگیرندگان متفاوت، و نیز مقابله با اشکال چندگانه تبعیض و موقعیت‌های مختلف، از جمله شرایط اضطراری که مانع از تحقق حق آموزش

می‌شوند. از آنجا که برابری میان زنان و مردان (تساوی جنسیتی) از ویژگی‌های کلیدی دیگر آموزش ۲۰۳۰ است، بنابراین دستورکار حاضر، به تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت، اقشار آسیب‌پذیر و تضمین همه شمول بودن آموزش به‌گونه‌ای که کسی از این قافله عقب نماند، توجه خاصی مبذول داشته است. هیچ یک از اهداف این سند را نباید تحقق یافته دانست، مگر اینکه برای همه محقق شده باشد.

۱۴-

بخش مهمی از حق آموزش، تضمین این مهم است که کیفیت آموزش به اندازه‌ای باشد که از منظر یادگیری، در همه سطوح و در هر مکانی بازدهی مناسب، منصفانه و مؤثر داشته باشد. از حداقل ضروریات آموزش با کیفیت آن است که یادگیرندگان به‌گونه‌ای بنیادین به مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن و مهارت‌هایی مهم تر از آن‌ها نیز دست پیدا کنند. لازمه این امر، کاربرد روش‌های مناسب آموزش و یادگیری و نیز محتوای درسی است که پاسخ‌گوی نیازهای یادگیرندگان باشد و توسط آموزگاران آموزش دیده، کاردان، تربیت شده، با انگیزه و معلمانی که به شکل مناسبی پاداش زحماتشان را دریافت می‌کنند، تدریس شود. در این راستا، باید از رویکردهای مناسب آموزشی استفاده شود که پشتوانه آن‌ها فناوری‌های مناسب اطلاعات و ارتباطات است، ضمن اینکه باید برای ایجاد محیط‌های یادگیری امن، سالم، جنسیت محور و همه شمول که از لحاظ تجهیزات و منابع نیز در سطحی رضایت بخش باشند و باعث تسهیل یادگیری شوند، اقدام شود.

۱۵-

حق آموزش از زمان تولد آغاز می‌شود و در تمام طول زندگی ادامه دارد؛ به این واسطه، مفهوم **یادگیری مادام‌العمر**^۵ از مفاهیم زیربنایی آموزش ۲۰۳۰ است. به منظور تکمیل دوران رسمی‌مدرسه، لازم است که فرصت‌های یادگیری گسترده، انعطاف‌پذیر و غیررسمی از طریق روش‌های مختلف و با اختصاص منابع کافی و ایجاد سازوکارهای مناسب و از طریق تشویق افراد به یادگیری آزاد، از جمله با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات ایجاد شود.

رویکردهای راهبردی

۱۶-

به منظور تحقق هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار در زمینه آموزش و سایر اهداف ویژه مرتبط با آموزش که در ذیل اهداف اصلی توسعه پایدار مطرح شده‌اند، ضروری است که تلاش‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی برای دسترسی به اهداف مشروحه زیر به عمل آید:

- تحقق همکاری‌های مؤثر و فراگیر
- بهبود سیاست‌های آموزشی و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر
- تضمین استقرار نظام‌های آموزشی برابر، فراگیر و با کیفیت برای همه
- تضمین پایش، پیگیری و بازبینی همه اهداف.

۵ اصل، یادگیری مادام‌العمر مفهومی است که در ادغام یادگیری و زندگی افراد ریشه دارد و فعالیت‌های یادگیری را برای افراد در همه سنین (کودکان، جوانان، بزرگسالان، افراد مسن، دختران و پسران، زنان و مردان) و در همه لحظات زندگی (در خانواده، مدرسه، جامعه، محل کار و غیره...) و به روش‌های گوناگون (رسمی، غیررسمی و آزاد)، که مجموعاً در کنار هم پاسخ‌گوی نیازها و تقاضاهای گسترده موجود برای یادگیری هستند، شامل می‌شود. آن دسته از نظام‌های آموزشی که یادگیری مادام‌العمر را ترویج می‌کنند، رویکردی کلی‌نگر را که به همه حوزه‌ها و همه سطوح آموزشی مربوط می‌شود، اتخاذ می‌کنند تا به این واسطه ضمانتی برای بهره‌مندی همه افراد از فرصت‌های آموزشی باشد.

می‌بایست در زمینه بازبینی فعالیت‌های ذی نفعان چندگانه* نظام‌های آموزشی خود به طور مشارکتی اقدام کنند.

۱۸-

در اجرای دستورکار جدید، تمرکز باید بر کارآمدی، تأثیرگذاری و انصاف و برابری در نظام آموزشی باشد. نظام‌های آموزشی باید برای جذب و دسترسی به افراد طرد شده و یا افرادی که در معرض خطر در حاشیه ماندن قرار دارند، تلاش کنند. به علاوه، برای تضمین آموزش با کیفیت و فراهم آوردن شرایط لازم برای بازدهی مؤثر آموزشی، دولت‌ها موظف اند که نظام‌های آموزشی را از طریق استقرار و بهینه‌سازی حاکمیت مؤثر و فراگیر و همچنین استقرار سازوکارهای مناسب پاسخ گو، تقویت کنند. از اقدامات دیگری که لازم است دولت‌ها انجام دهند: تضمین کیفیت، استقرار نظام‌های اطلاعاتی برای مدیریت آموزش، تدوین فرایندهای مؤثر و شفاف مالی و استقرار سازوکارهای مرتبط، فراهم آوردن تمهیدات مدیریتی مناسب و تضمین وجود اطلاعات قابل دسترس، موثق و به روز برای تقویت نظام‌های آموزشی، نشر دانش، فراهم آوردن امکان دسترسی به اطلاعات، ترویج یادگیری مؤثر و با کیفیت و ارائه کارآمدتر خدمات است، که در این راستا می‌بایست از فناوری‌های اطلاعات، ارتباط و نوآوری استفاده کرد. تقویت نظام‌های آموزشی همچنین می‌بایست از همکاری‌های جنوب - جنوب و همکاری‌های مثلثی بهره ببرد، ضمن اینکه به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد اقدامات بهینه کشورها نیز در این رابطه مؤثر است. برای استفاده از اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در این حوزه، لازم است که این اطلاعات با شرایط ملی کشورها و شرایط منطقه‌ای سازگار شوند.

برای تحقق اهداف سند بلندپروازانه آموزش ۲۰۳۰ و همچنین به منظور پایش پیشرفت در تحقق آن، در ادامه مطلب مجموعه ای از رویکردهای راهبردی، توصیه شده است. با توجه به آنچه که از برنامه آموزش برای همه و اهداف توسعه هزاره فرا گرفته‌ایم، کشورهای عضو می‌بایست برای اتخاذ رویکردهای مقرون به صرفه، مبتنی بر شواهد و نوآورانه، سرمایه‌گذاری و تشریک مساعی کنند. رویکردهایی که بر این اساس اتخاذ می‌شوند، باید بتوانند همه افراد را برای دسترسی به آموزش با کیفیت، مشارکت در آن و فراگیری آن توانمند سازند و در این فرایند، بیش از همه بر افرادی تمرکز می‌شود که دسترسی آن‌ها به آموزش باکیفیت از سایرین دشوارتر است. علاوه بر رویکردهای راهبردی، در ذیل هر هدف ویژه، راهبردهای شاخص مرتبط با هر یک از آن‌ها نیز معین شده است. لازم است ذکر شود که راهبردهای یاد شده، بسیار کلی هستند و دولت‌ها موظف اند که آن‌ها را با توجه به اولویت‌ها، شرایط و بافت ملی خود در آموزشی ادغام کنند.

تقویت سیاست‌ها، برنامه‌ها،

قانون‌گذاری‌ها و نظام‌ها

۱۷-

تعدادی سند معیارگذار بین‌المللی وجود دارد که این اسناد پشتوانه و حافظ حق افراد در مورد آموزش‌اند و از نظر حقوقی لازم الاجرا هستند. اسناد یاد شده عبارتند از: پیمان نامه‌ها، میثاق‌ها، توافق نامه‌ها و پروتکل‌ها و همچنین اسناد بین‌المللی مانند توصیه‌نامه‌ها و بیانیه‌ها که ابعاد سیاسی و اخلاقی بسیار قوی دارند و به ایجاد چارچوب هنجاری بین‌المللی مستحکمی برای تحقق حق آموزش، به دور از هرگونه تبعیض و یا طرد منجر شده‌اند. به منظور تنظیم سنجه‌هایی برای ارزیابی اجرای تعهدات و تضمین استقرار چارچوب‌های سیاست‌گذاری مستحکم سیاسی و قانونی که زیربنا و زمینه ساز تحقق آموزش با کیفیت هستند، دولت‌ها

تأکید بر برابری، فراگیری و تساوی میان زنان و مردان در آموزش (تساوی جنسیتی)

۱۹-

برای مقابله با موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که سبب محرومیت میلیون‌ها کودک، جوان و بزرگسال از تحصیل و آموزش با کیفیت شده، لازم است که طرح‌ها و سیاست‌های بین بخشی در راستای دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار تهیه، و یا در صورت وجود، بازبینی و بهینه‌سازی شوند. در سطح ملی، لازم است که ابزارهای سنجش مرتبط و همچنین امکاناتی برای پیشرفت فراهم شود. برای این منظور، باید تا حد امکان محتوا، رویکردها و ساختارهای آموزشی و راهبردهای تأمین مالی تغییر کند، به گونه‌ای که به وضعیت کودکان طرد شده، جوانان و بزرگسالان بهتر رسیدگی شود. راهبردها و سیاست‌های مبتنی بر شواهد، برای برطرف کردن مسئله طرد می‌توانند مواردی همچون حذف موانع مربوط به هزینه‌ها از جمله: تدوین ویژه برای انتقال پول، تنظیم غذایی و خدمات بهداشتی برای مدارس، تأمین مواد آموزشی و یادگیری و خدمات حمل و نقل در مدارس، تهیه برنامه‌هایی که امکان بازگشت به مدرسه را برای کودکان بازمانده از تحصیل فراهم می‌کند (این‌ها را با عنوان «شانس دوم» یا «ورود مجدد به مدرسه» می‌شناسند)، تأمین امکاناتی برای آموزش فراگیر، آموزش معلمان در حوزه آموزش فراگیر و تنظیم سیاست‌های آموزشی در راستای رفع مسئله طردشدگی را ترویج کنند. به منظور اندازه‌گیری دامنه به حاشیه رانده شدن در آموزش و برای تعیین اهدافی به منظور کاهش نابرابری در آموزش و پیشرفت در تحقق این اهداف، همه کشورهای موظف هستند که در مورد گردآوری، تحلیل و استفاده از اطلاعات و داده‌های ناپیوسته، بر مبنای وجه مشخصه ویژه هر گروه جمعیتی خاص، اقدام، و نیز تضمین کنند که شاخص‌های تعیین شده برای سنجش پیشرفت در

جهت حرکت به سوی کاهش نابرابری، شاخص‌های کاربردی هستند.

۲۰-

برای تضمین برابری میان زنان و مردان در آموزش (تساوی جنسیتی)، نظام‌های آموزشی می‌بایست صرفاً برای حذف تعصب مبتنی بر جنسیت و تبعیض ناشی از سوگیری‌های فرهنگی و اجتماعی و وضعیت اقتصادی تلاش کنند. دولت‌های عضو و شرکای یونسکو موظف هستند که در زمینه تدوین سیاست‌هایی که حقوق زنان و مردان در آن به درستی رعایت شده باشد (سیاست‌های جنسیت محور) و فضاهای یادگیری و برنامه‌ریزی مرتبط با این سیاست‌ها اقدام کنند. همچنین لازم است که در مسائل مربوط به جنسیت در حوزه آموزش معلمان و فرایندهای پایش متون درسی، رویکرد یکپارچه‌ای در پیش گیرند و تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت و خشونت در مؤسسات آموزشی را حذف کنند، تا ضمانتی برای تأثیر برابر آموزش و یادگیری بر دختران، پسران، زنان و مردان و حذف کلیشه‌های مبتنی بر جنسیت و کمک به ترویج و پیشبرد برابری میان زنان و مردان (تساوی جنسیتی) باشد. برای تضمین امنیت شخصی زنان و دختران در مؤسسات آموزشی و در مسیر رفت و برگشت به مدرسه و دانشگاه لازم است تا مؤسسات آموزشی تمهیدات ویژه‌ای را به خصوص در شرایط جنگ و بحران اتخاذ کنند.

۲۱-

با توجه به مشکلات ویژه‌ای که معلولان برای دسترسی به آموزش با کیفیت، با آن مواجه هستند و نبود اطلاعات کافی برای پشتیبانی از این گونه افراد و برقراری ارتباط با آنان، ضروری است در خصوص مسئله دسترسی کودکان، جوانان و بزرگسالان معلول به آموزش و یادگیری با کیفیت و بازده این آموزش، توجه خاصی مبذول شود.

تمرکز بر کیفیت و یادگیری

۲۲-

افزایش دسترسی به آموزش باید با انجام اقداماتی برای بهبود کیفیت و برقراری ارتباط میان آموزش و یادگیری همراه باشد. لازم است که مؤسسات و برنامه‌های آموزشی به طور مناسب و شایسته به فضاهای دوستانه و امن، تعداد کافی معلمان بهره‌مند از رویکردهای آموزشی باکیفیت، مشارکت محور، تعاملی و یادگیرنده محور در آموزش، کتاب‌ها و سایر مواد و منابع یادگیری مجهز شوند. همچنین لازم است منابع باز آموزشی و فناوری‌هایی که تبعیض آمیز نیستند، به یادگیری کمک می‌کنند و استفاده از آن‌ها برای یادگیرنده آسان است و نیز در راستای اولویت‌ها و شرایط محل جغرافیایی تدریس قرار دارند و برای همه یادگیرندگان؛ اعم از کودکان، جوانان و بزرگسالان مقرون به صرفه و قابل دسترس هستند، تأمین مالی شوند. به منظور تضمین توانمندسازی معلمان، استخدام مناسب و پرداخت حقوق مناسب به آن‌ها، آموزش مناسب، ارتقای سطح مهارت‌های حرفه ای و ایجاد انگیزه در آنان، توزیع و پراکندگی مناسب و مؤثر آنان در سراسر نظام آموزشی و در چارچوب نظام‌های آموزشی مجهز، کارآمد و با مدیریت صحیح، لازم است که مقررات و سیاست‌های ویژه‌ای برای معلمان وضع شود. نظام و اقدامات موجود برای ارزیابی یادگیری با کیفیت که ارزیابی داده‌ها، فضاها، فرایندها و نتایج آموزشی را شامل می‌شوند باید بهینه‌سازی شوند، و در صورت نبود چنین نظام‌هایی، لازم است که ایجاد شوند. برای نتایج مرتبط یادگیری در حوزه‌های شناختی و غیرشناختی لازم است تعریف مناسبی ارائه شود و نتایج یادگیری به عنوان بخش مهمی از فرایند آموزش و یادگیری، به شکل مداوم ارزیابی شوند. آموزش با کیفیت عبارت است از: ارتقای مهارت‌ها، ارزش‌ها، رویکردها و دانشی که شهروندان را برای یک زندگی سالم که استحقاق آن را دارند،

توانمند می‌سازد و به آنان کمک می‌کند تا بتوانند تصمیمات آگاهانه ای اتخاذ کنند و با چالش‌های محلی و جهانی روبه رو شوند. علاوه بر این، تمرکز بر کیفیت و نوآوری، نیازمند تقویت آموزش علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات* نیز هست.

ترویج یادگیری مادام‌العمر

۲۳-

فرصت‌های یادگیری و ادامه یادگیری باید برای همه گروه‌های سنی، از جمله بزرگسالان فراهم شود. یادگیری مادام‌العمر، از بدو تولد آغاز می‌شود و در همه مکان‌ها و سطوح آموزشی و برای همه قابل اجراست. این نوع از یادگیری می‌بایست به کمک سیاست‌ها و راهبردهای نهادی، برنامه‌هایی که به خوبی تأمین منابع شده‌اند و در سایه همکاری‌های مستحکم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در نظام‌های آموزشی ادغام شود. لازمه این کار، ایجاد روش‌های یادگیری چندگانه و انعطاف پذیر و در نظر گرفتن سازوکارهایی برای ورود نوآموزان و یا ورود مجدد دانش پذیران به نظام آموزشی در همه رده‌های سنی و در همه سطوح آموزشی است. از ضروریات دیگر این کار، تقویت پیوندهای میان ساختارهای رسمی و غیر رسمی آموزش، شناسایی، تعیین اعتبار و به رسمیت شناختن دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های کسب شده در چارچوب یادگیری غیررسمی و آزاد است. علاوه بر آنچه که شرح داده شد، یادگیری مادام‌العمر با توجه ویژه به مسئله تضمین کیفیت، موجب دسترسی عادلانه و بیشتر به آموزش فنی و حرفه‌ای با کیفیت و نیز آموزش عالی و پژوهش می‌شود.

به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای یادگیرندگان بزرگسال و میلیون‌ها کودک، جوان و بزرگسالی که بی‌سواد مانده‌اند، باید اقدامات ویژه‌ای انجام شود و هزینه‌های بیشتری به امر آموزش اختصاص یابد. به علاوه، همهٔ جوانان و بزرگسالان؛ به ویژه زنان و دختران می‌بایست فرصت‌هایی در اختیارشان قرار گیرد که در سایهٔ آن بتوانند به مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن در سطح عالی دست یابند. در این فرایند، ضرورت دارد که از رویکردهای بین بخشی در حوزه‌های آموزش، علم و فناوری، خانواده، اشتغال، صنعت و توسعهٔ اقتصادی، مهاجرت و ادغام اجتماعی، شهروندی، رفاه اجتماعی و سیاست‌های مربوط به تأمین هزینه‌های عمومی آموزش استفاده شود.

رویارویی با نیازهای آموزشی در هنگام بروز شرایط اضطراری

بلایای طبیعی، بیماری‌های واگیردار، جنگ‌ها و جابه‌جایی‌های ناشی از این وقایع در درون و یا در میان کشورها، سبب بروز آسیب‌های روانی عمیق در میان نسل‌ها، به دور ماندن آنان از تحصیل و آمادگی نداشتن برای مشارکت در بازسازی اجتماعی و اقتصادی کشورهاشان می‌شود. بحران، از موانع اصلی دسترسی به آموزش است که در دههٔ اخیر باعث سکون و یا پس رفت در تحقق اهداف آموزش برای همه، شده است. آموزش در شرایط اضطرار نقش حمایتی دارد؛ زیرا برای نجات جان افراد بحران زده، دانش، مهارت‌های لازم و حمایت‌های روان شناختی را به آنان ارائه می‌کند. علاوه بر این، آموزش با آموختن مهارت‌های لازم برای پیشگیری از بلایا، جنگ و بیماری؛ کودکان، جوانان و بزرگسالان را برای تحقق آینده‌ای پایدار تجهیز می‌کند.

به منظور پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان، جوانان و بزرگسالان در شرایط بحران؛ به‌ویژه برای افرادی که مجبور به جابه‌جایی‌های داخلی و یا پناهندگی شده‌اند، ضرورت دارد که کشورها برای ایجاد و استقرار نظام‌های آموزشی: فراگیر، پاسخ‌گو و مقاوم، اقداماتی را انجام دهند. اصول پیشگیری، آمادگی و پاسخ‌گویی و راه‌کارهای بین‌المللی مانند تشکیل شبکهٔ بین‌آژانسی برای آموزش در شرایط اضطرار و حداقل معیارها*، می‌بایست راهنمای برنامه‌ریزی و پاسخ‌گویی در این حوزه باشد. سیاست‌های اتخاذشده و برنامه‌ریزی‌های به‌عمل آمده در بخش آموزش باید به نحوی تنظیم شوند که قادر باشند مخاطرات را پیش‌بینی کنند، ضمن اینکه در شرایط بحران باید بتوانند نیازهای آموزشی کودکان و بزرگسالان را پاسخ‌گو باشند. آن‌ها باید بتوانند امنیت، استقامت و انسجام اجتماعی را با هدف کاهش مخاطرات جنگ و بلایای طبیعی ترویج کنند. ظرفیت دولت‌ها و جامعهٔ مدنی برای کاهش مخاطرات ناشی از بلایای طبیعی، آموزش صلح، سازگاری با تغییر اقلیم و آمادگی برای رویارویی با شرایط اضطراری و رفع آن، می‌بایست در همهٔ سطوح تقویت شود تا بتواند تضمینی برای کاهش خطر و بقای آموزش در هر شرایط و در همهٔ مراحل، از مرحلهٔ مواجهه با شرایط اضطراری گرفته تا مرحلهٔ رفع خطر یا شرایط اضطرار باشد. آمادگی برای مواجهه با شرایط اضطراری و رفع آن‌ها و ایجاد نظام‌های آموزشی ایمن‌تر و عادلانه‌تر، به استقرار نظام‌های ملی و اتخاذ راه‌حل‌های جهانی، منطقه‌ای و ملی که به خوبی هماهنگ شده باشند، نیازمند است.

۲۷-

ذی نفعان باید همه تلاش خود را انجام دهند تا محافظت از مؤسسات آموزشی را به عنوان یک محل آرام و به دور از خشونت تضمین کنند، ضمن اینکه حفاظت از مدارس نیز به عنوان یک فضای آزاد و عاری از هرگونه خشونت علیه دختران و پسران (خشونت‌های مبتنی بر جنسیت) الزامی است. برای حفاظت از زنان در مناطق جنگی لازم است که اقدامات ویژه‌ای انجام شود. مدارس و مؤسسات آموزشی و مسیرهای رفت و برگشت آن‌ها باید از هرگونه حمله، کار اجباری، آدم ربایی و خشونت جنسی پاکسازی شود. برای پایان یافتن مصونیت افراد و گروه‌های نظامی که به مؤسسات آموزشی حمله می‌کنند، ضرورت دارد که اقدامات لازم انجام شود.

اهداف ویژه و راهبردهای شاخص

۲۸-

مالکیت کشوری و تفاهمی‌مشترک، در بین افراد یک ملت به وجود آید. برای هر یک از اهداف ویژه، می‌توان سنجه‌های میان مرحله ای خاص آن هدف را طراحی کرد. این سنجه‌ها را می‌توان به عنوان ابزاری کمی برای بازبینی میزان پیشرفت جهان در تحقق اهداف بلند مدت تر استفاده کرد. سنجه‌های میان مرحله ای، از ملزومات تحقق پاسخگویی در آموزش، که از ویژگی‌های مهم اهداف بلند مدت تر است، محسوب می‌شوند.

اهداف ویژه آموزش ۲۰۳۰، خاص و قابل اندازه‌گیری هستند و به طور مستقیم در تحقق هدف کلی آموزش ۲۰۳۰ نقش دارند. این اهداف، ایجاد کننده همتی جهانی اند که این عزم و اراده کشورها را در جهت تلاش برای دستیابی به پیشرفت سریع تشویق می‌کند. این اهداف، در همه کشورها دست یافتنی و قابل اجرا هستند؛ زیرا در تهیه اهداف یاد شده، به واقعیت‌های حاکم بر فضای ملی کشورها، میزان ظرفیت و سطوح توسعه آن‌ها توجه شده است، ضمن اینکه در این زمینه اولویت‌ها و سیاست‌های ملی کشورها نیز مد نظر بوده اند. اقدامات کشوری که از طریق مشارکت ذی‌نفعان چندگانه حمایت شوند و هزینه‌های آن‌ها به خوبی تأمین گردد، به تغییر مطلوب منجر خواهد شد. از دولت‌ها انتظار می‌رود که اهداف ویژه جهانی آموزش را بر مبنای اولویت‌های آموزشی، برنامه‌ها و راهبردهای ملی توسعه، شیوه سازمان یافتن نظام‌های آموزشی و ظرفیت‌های سازمانی خود و نیز بر مبنای منابع موجود، بومی‌سازی کنند. لازمه تحقق این امر، طراحی روش‌های ارزیابی یا سنجه‌های میان مرحله ای مناسب (به عنوان مثال، برای سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵) در چارچوب فرایندی فراگیر، شفاف و کاملاً پاسخ گو است. این ابزارها و شیوه‌های سنجش باید به گونه‌ای باشند که همه شرکا را درگیر کنند تا بدین طریق، حس

هدف ۱-۴:

تضمین اینکه همه دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰ دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه را به شکل باکیفیت، عادلانه و بدون پرداخت هیچ گونه شهریه، به طور کامل و با دستیابی به نتایج مؤثر در یادگیری به پایان برسانند.

۲۹-

با وجود پیشرفت‌های چشم‌گیری که از سال ۲۰۰۰ انجام شده است، طبق برآورد در سال ۲۰۱۳، تعداد ۵۹ میلیون کودک در سن دوره ابتدایی و ۶۵ میلیون نوجوان در سن دوره راهنمایی که بیشتر این تعداد را دختران تشکیل می‌دادند، از مدرسه دور مانده‌اند. به علاوه، بسیاری از کودکانی که در مدرسه هستند نیز مهارت و دانش پایه را کسب نمی‌کنند. دست کم، ۲۵۰

میلیون نفر از کودکان دوره ابتدایی که بیش از ۵۰ درصد از آنان چهارسال دوره ابتدایی را گذرانده اند، به معیارهای حداقل در زمینه خواندن، نوشتن و حساب کردن هم دست نیافته‌اند.

۳۰-

در نظر گرفتن و اختصاص یک دوره دوازده ساله، برای آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان که هزینه‌های آن از محل بودجه‌های عمومی تأمین شده باشد. این دوره باید فراگیر، برابر برای هر دو جنس به لحاظ دسترسی، و با کیفیت بوده، و حداقل نه سال^۶ از این دوازده سال، اجباری باشد و به یادگیری مؤثر و مرتبط بینجامد. بهره‌مندی از این دوره، باید به دور از هرگونه تبعیض و برای همه تضمین شود. آموزش رایگان؛ به معنی حذف موانع هزینه‌ای برای آموزش ابتدایی و متوسطه است. تأمین آموزش معنی‌دار^{*} برای جمعیت زیادی از کودکان و نوجوانان دور مانده از تحصیل، به انجام اقدام فوری و هدفمند نیازمند است.

۳۱-

به دنبال تکمیل دوره کامل آموزش ابتدایی و متوسطه، همه کودکان باید توانسته باشند به اصول و مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن دست یابند و بازده یادگیری آنان قابل سنجش، و در راستای متون درسی، معیارهای رسمی، از جمله: دانش موضوعی و مهارت‌های شناختی و غیرشناختی^۷ باشد که کودکان را برای شکوفایی کامل استعدادهایشان توانمند می‌سازد.

۳۲-

بازده‌های یادگیری مرتبط و مؤثر، تنها در سایه ارائه داده‌های کیفی و از طریق به کارگیری فرایندهای کیفی تدریس قابل حصول هستند. کاربرد فرایندهای باکیفیت در تدریس، همه یادگیرندگان را برای کسب دانش، مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیازشان توانمند می‌سازد. موضوع برابری و انصاف در آموزش هم به همین اندازه اهمیت دارد؛ بدین ترتیب که برای مقابله با توزیع نابرابر نتایج و فرصت‌های یادگیری در منطقه، خانوارها، گروه‌های قومی یا اجتماعی-اقتصادی، و از همه مهم تر در مدارس مختلف و در کلاس‌های درس لازم است سیاست‌های ویژه‌ای وضع شود. مقابله با موضوع نابرابری و تضمین همه شمول بودن نتایج آموزش با کیفیت، نیازمند این است که افراد در فضای آموزش و یادگیری، به درکی عمیق دست یابند. در فضاهای چندزبانه، هر جا که امکان آن فراهم باشد و اولویت‌های ملی و محلی، ظرفیت‌ها و سیاست‌ها اجازه دهند، آموزش و یادگیری به زبان اول، یا زبانی که کودک در خانه صحبت می‌کند باید در اولویت قرار گیرد. با توجه به وابستگی متقابل امور اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی جهانی، توصیه می‌شود که حداقل یک زبان خارجی نیز در مدارس تدریس شود.

۳۳-

به علاوه، برای سنجش یادگیری از طریق روش‌هایی که بدون در نظر گرفتن شرایط افراد، بهره‌مندی همه

۶ اولین ۹ سال آموزش رسمی، دوره فراگیری در مراحل ۱ و ۲ از سطح آموزشی ISCED است. مرحله ۱ از ISCED، دوره ابتدایی است که غالباً ۶ سال به طول می‌انجامد (البته در کشورهای مختلف این مدت بین ۴ تا ۷ سال متغیر است) و مرحله ۲ از ISCED، دوره راهنمایی تحصیلی را شامل می‌شود که غالباً ۳ سال به طول می‌انجامد (مدت این دوره، در کشورهای مختلف متفاوت است). (UIS. 2012. International Standard Classification of Education: ISCED 2011. www.uis.unesco.org/Education/Documents/iscsed-2011-en.pdf.)

* توضیح مترجم: منظور از آموزش «معنی‌دار» در اینجا آموزشی است که کارآمد باشد. واژه انگلیسی به کار رفته برای آن meaningful education است.

۷ با توجه به وجود اختلاف نظر در مورد اصطلاح «مهارت‌های غیرشناختی» و اینکه اصطلاحات دیگری از جمله «مهارت‌های قرن ۲۱»، «مهارت‌های نرم»، «مهارت‌های متقاطع» و «مهارت‌های قابل انتقال» نیز به جای آن استفاده شده است، در این سند، از اصطلاح «مهارت‌های غیرشناختی» استفاده می‌شود که می‌تواند تفکر نقادانه و نوآورانه، مهارت‌های: میان‌فردی، درون‌فردی و شهروندی جهانی، سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای و غیره را شامل شود.

مشارکت افراد جامعه از جمله: جوانان و والدین در مدیریت مدارس.

• اختصاص منصفانه تر منابع در بین مدارس محروم از مزایای اجتماعی- اقتصادی، و همچنین مدارس بهره‌مند از مزایای یاد شده.

• ترویج آموزش‌های دوزبانه و چندزبانه در جوامع چندزبانه. شروع آموزش در این جوامع باید به زبان اول کودک یا زبانی باشد که وی در منزل به آن زبان صحبت می‌کند.

• فراهم آوردن امکان یادگیری به روش‌های مختلف برای کودکان و نوجوانانی که در مقاطع ابتدایی و راهنمایی از مدرسه دور مانده‌اند؛ بدین ترتیب که به جای آموزشی معمول، از روش‌های معادل یابی مقاطع تحصیلی و یا از برنامه‌هایی که برای انطباق با مقاطع تحصیلی در نظام آموزش رسمی و کاهش شکاف تحصیلی به وجود آمده‌اند، استفاده شود، تا تضمینی برای یادگیری انعطاف پذیر در نظام آموزشی رسمی و غیررسمی، از جمله در شرایط اضطراری باشد. روش‌های یادشده باید از سوی دولت تأیید، و به رسمیت شناخته شده باشند.

• استقرار نظام‌های پرنفوذتر و جامع تر ارزیابی، برای سنجش نتایج یادگیری در مواقع و مقاطع حساس، از جمله در طول و در پایان مقاطع ابتدایی و راهنمایی. ارزیابی‌ها باید به گونه ای باشند که هم مهارت‌های شناختی و هم مهارت‌های غیرشناختی را مورد سنجش قرار دهند که از آن جمله می‌توان به ارزیابی یادگیری مهارت‌های خواندن، نوشتن و حساب کردن به شکل ریشه ای و نیز ارزیابی مهارت‌های غیرشناختی اشاره کرد. در نظر گرفتن سنجش‌های دوره‌ای وابسته به تدریس نیز به عنوان بخش مهمی از فرایند آموزش و یادگیری در همه مقاطع تحصیلی ضرورت دارد.

کودکان و جوانان را از آموزشی مرتبط و باکیفیت؛ به‌ویژه در حوزه‌های حقوق بشر، هنر و شهروندی در بر میگیرد، نیازمند تفاهم متقابل و راهبردهای انعطاف پذیر و موفقیت آمیز هستیم. دستیابی به تفاهم متقابل، از طریق دسترسی بهینه به داده‌های به روز، موثق و نظام مند و همچنین از طریق دسترسی به اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق ارزیابی‌های مداوم و سازنده در کلاس درس و ارزیابی نتایج تحصیلی امکان‌پذیر است. در نهایت، لازمه آموزش باکیفیت، استقرار نظام‌هایی برای مدیریت معلمان، حاکمیت مناسب نظام آموزشی، سازوکارهای پاسخ‌گویی و مدیریت مؤثر و قدرتمند بودجه عمومی است.

-۳۴

راهبردهای شاخص

• وضع قوانین و تدوین سیاست‌هایی که متضمن یک دوره دوازده ساله آموزش رایگان، فراگیر، برابر و با کیفیت در مقاطع ابتدایی و راهنمایی باشد و مخارج آن از محل درآمدهای عمومی تأمین شود. از دوازده سال یادشده می‌بایست نه سال آن برای همه کودکان اجباری باشد و به نتایج یادگیری مرتبط و مناسب بینجامد. به منظور همگامی با معیارهای بین‌المللی، کشورها می‌بایست تعداد سال‌های آموزش اجباری و رایگان را افزایش دهند و در این فرایند باید ظرفیت‌ها و واقعیت‌های متفاوت ملی، سطوح توسعه‌یافتگی، اولویت‌ها و سیاست‌های ملی را مد نظر داشته باشند.

• تدوین معیارها و بازبینی مواد درسی برای تضمین کیفیت و ارتباط آن با محتوا، مهارت‌ها، ظرفیت‌ها، ارزش‌ها، فرهنگ، دانش و جنسیت.

• تقویت کارایی و کارآمدی مؤسسات آموزشی، راهبری و حاکمیت مدارس از طریق افزایش

هدف ۲-۴:

تضمین دسترسی همه دختران و پسران به آموزش پیش دبستانی، و مراقبت و رشد کیفی در اوان کودکی به منظور آماده سازی آن‌ها برای آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۳۰

۳۵-

آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی* که از بدو تولد آغاز می‌شود، بنیان پیشرفت بلند مدت، رفاه و بهداشت کودکان را پیریزی می‌کند. آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی در واقع فراگیری توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم برای یادگیری مادام‌العمر و کسب درآمد و اشتغال را در طول زندگی برای کودکان امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه‌گذاری بر روی کودکان، به ویژه در اقشار محروم، بیشترین و طولانی مدت‌ترین تاثیر را بر توسعه آموزش و نتایج آموزشی خواهد داشت. علاوه بر این، آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی، به تشخیص و شناسایی سریع معلولیت در کودکان و همچنین به تشخیص و شناسایی کودکان در معرض معلولیت کمک می‌کند و بدین طریق والدین کودک، مراقبان سلامت و آموزگاران را قادر می‌سازند تا برای پاسخ‌گویی به نیازهای کودکان معلول، بهتر برنامه‌ریزی کنند و به موقع و در سطحی گسترده اقدام نمایند و در نتیجه، تأخیر در رشد کودکان را به حداقل رسانند، نتایج یادگیری را ارتقا دهند، جامعه‌پذیری معلولان را افزایش دهند و از طرد و به حاشیه رانده شدن آنان جلوگیری کنند. از سال ۲۰۰۰ تاکنون، میزان ثبت نام در دوره پیش دبستانی تقریباً به میزان دوسوم افزایش داشته و پیش بینی شده است که نرخ ناخالص ثبت‌نام‌ها از ۳۵ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۵۸ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یابد. با وجود پیشرفت حاصله، کودکان در بسیاری از نقاط جهان از مراقبت و آموزشی که اجازه شکوفایی استعدادهایشان را بدهد، محروم مانده‌اند.

۳۶-

آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی، مواردی همچون: بهداشت و تغذیه رضایت بخش، آگاه سازی افراد خانواده، جامعه و ارتقای آگاهی‌ها در فضای مدرسه، حفاظت در مقابل خشونت و توجه به توسعه شناختی، زبانی، اجتماعی، احساسی و فیزیکی را شامل می‌شود. مهم‌ترین پیشرفت مغزی در کودکان، در چند سال ابتدایی زندگی آن‌ها رخ می‌دهد. در همان زمان است که کودکان به مفهوم‌سازی عمیق از خود و دنیای پیرامون خویش می‌پردازند و پایه‌های سلامت و تبدیل شدن به انسان‌هایی با وجدان، توانمند و فعال از نظر اجتماعی را پیریزی می‌کنند. آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی، بنیان یادگیری مادام‌العمر و ضامن رفاه کودکان و آماده سازی تدریجی آن‌ها برای ورود به مقطع ابتدایی است. ورود به مقطع ابتدایی، انتقال مهمی به شمار می‌آید که اغلب اوقات با انتظارات زیاد از کودکان در مورد دانسته‌ها و توانمندی‌های آنان همراه است. «آمادگی برای ورود به مقطع ابتدایی» به معنی توسعه در حوزه‌های مختلف، از جمله: بهداشت و تغذیه مناسب، فراگیری زبان متناسب با سن و توسعه احساسی، اجتماعی و شناختی کودک است. لازمه تحقق این هدف، دسترسی مناسب همه کودکان به آموزش‌ها و مراقبت‌های دارای کیفیت همه جانبه در اوان کودکی است. از این رو، اختصاص حداقل یک سال به آموزش پیش دبستانی باکیفیت، رایگان و اجباری که توسط آموزگاران مجرب تدریس شود، توصیه می‌شود و لازم است که این امر با توجه ویژه به واقعیت‌های ملی متفاوت حاکم بر کشورها، ظرفیت‌ها و میزان متفاوت توسعه‌یافتگی آن‌ها، منابعی که در اختیار دارند و زیربناهای متفاوت آموزشی مربوطه انجام پذیرد. به علاوه، ضرورت دارد که توسعه و یادگیری کودکان از همان ابتدای کودکی، در سطوح فردی و سازمانی پایش شود. به همین ترتیب، آمادگی مدارس برای پذیرش کودکان و فراهم کردن فرصت‌های مناسب برای یادگیری و آموزش آن‌ها، به گونه‌ای که بیشترین فایده را برای پیشرفت کودکان به همراه داشته باشد، حائز اهمیت است.

-۳۷

راهبردهای شاخص:

- وضع و اجرای سیاست‌های فراگیر و منسجمی که اختصاص حداقل یک سال آموزش باکیفیت، اجباری و رایگان را با توجه ویژه به فراهم آوردن امکان دسترسی فقیرترین و محروم‌ترین قشر از کودکان به این آموزش‌ها از طریق: ارائه خدمات در حوزه آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی ممکن می‌سازد. لازمه تحقق این هدف، ارزیابی سیاست‌ها و آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی، با هدف بهبود کیفیت آن‌هاست.

-۳۸

با عنایت به اینکه فرصت‌های دسترسی به مقاطع بالاتر آموزش؛ به ویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته، محدود و ناکافی است و این امر به ایجاد شکاف علمی در میان جوامع می‌انجامد و بر توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع اثر منفی خواهد داشت، بنابراین، از میان برداشتن موانع توسعه مهارت‌ها و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ضرورت دارد. آموزش مهارت‌ها و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید از مقطع متوسطه آغاز شود و در مقاطع بالاتر، از جمله در مقطع آموزش دانشگاهی نیز ادامه یابد. ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای جوانان و بزرگسالان از ضروریات است.

-۳۹

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، در مقاطع مختلف آموزشی ارائه می‌شوند. در سال ۲۰۱۳، سهم آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از کل ثبت نام‌ها در مقطع آموزش متوسطه، حدود ۲۳ درصد بود. تعدادی از کشورها برای گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به مقطع آموزش عالی، اقداماتی را انجام داده اند (ISCED Level 5)

- وضع و اجرای راهبردها و سیاست‌های بین بخشی در زمینه آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی و حمایت از آن‌ها، از طریق: همکاری میان وزارتخانه‌های مسئول امور مربوط به: تغذیه، بهداشت، امور اجتماعی و حفاظت از کودکان، بهداشت آب، دادگستری و آموزش، و تأمین منابع کافی برای اجرای این راهبردها.

- سیاست‌گذاری و تدوین راهبردها و برنامه‌های اقدام شفاف، برای حرفه ای سازی کارکنان حوزه آموزش و مراقبت‌های اوان کودکی از طریق: ارتقا و پایش مداوم جایگاه، شرایط کاری و توسعه حرفه ای آنان.

- طراحی و اجرای برنامه‌ها، خدمات و زیربنای کیفی جامع، قابل دسترس و منسجم برای اوان کودکی، در حوزه‌های بهداشت، تغذیه، نیازهای آموزشی و حمایتی؛ به ویژه برای کودکان معلول و حمایت از خانواده‌ها به عنوان اولین مراقبان کودکان

۴۰-

دانشجویان و استادان و نیز جریان رو به افزایش خروج دانشجویان از کشورهای مبدأ به سایر کشورها برای ارتقای اعتبار علمی است. در نتیجه، امروز از یک سو تأیید، به رسمیت شناختن و تضمین کیفیت مدارک دانشگاهی؛ به ویژه در کشورهایی که نظام اجرایی ضعیفی دارند، بیش از هر زمان دیگری اذهان را به خود مشغول کرده است و از سوی دیگر، تحرک و جابه جایی در آموزش عالی، یک سرمایه و فرصت به شمار می آید و باید برای ارتقای سطح توانمندی های دانشجویان و رقابت جهانی تقویت شود.

۴۳-

یک نظام آموزش عالی دارای زیر بنای درست و قانون مند که در آن از فناوری، منابع آموزشی باز و آموزش از راه دور استفاده شده باشد، می تواند به افزایش دسترسی، برابری، کیفیت و ارتباط آموزش با نیازهای روز دست یابد و نیز قادر خواهد بود شکاف بین آنچه را که در مؤسسات آموزش عالی، اعم از دانشگاه ها تدریس می شود، و آنچه را که مورد تقاضای اقتصادها و جوامع است، کم کند. دسترسی به آموزش عالی باید در راستای توافقی های بین المللی موجود، به مرور به سمت رایگان شدن حرکت کند.

۴۴-

آموزش های فنی و حرفه ای*، آموزش عالی و دانشگاهی، یادگیری و آموزش بزرگسالان، اجزای مهم یادگیری مادام العمر هستند. ترویج یادگیری مادام العمر، نیازمند رویکردی بخشی است که شامل فرصت های یادگیری

همه اشکال آموزش عالی^۸ به سرعت گسترش یافته اند؛ به طوری که میزان کل ثبت نام ها در این مقطع از ۱۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به ۱۹۹ میلیون نفر در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. با این وجود، هنوز هم تفاوت های زیادی در دسترسی به آموزش عالی؛ به ویژه آموزش های دانشگاهی وجود دارد که این تفاوت ها ناشی از وجود تبعیض های مبتنی بر جنسیت، اجتماعی، منطقه ای، قومی، سن و معلولیت هستند. عدم دسترسی زنان به آموزش عالی، اغلب در کشورهای کم درآمد و عدم دسترسی مردان به آموزش عالی، غالباً در کشورهای پردرآمد به چشم می خورد.

۴۱-

در کنار آموزش مهارت های شغلی، آموزش عالی و دانشگاه ها نیز در ایجاد انگیزه برای تفکر خلاقانه و نقدانه و تولید و نشر دانش برای توسعه اجتماعی، فرهنگی، بوم شناسی و اقتصادی نقش مؤثری ایفا می کنند. آموزش عالی و دانشگاه ها در تربیت رهبران متخصصان و دانشمندان آینده، از نقش حیاتی برخوردارند و به واسطه کارکرد پژوهشی که بر عهده دارند، با ایفای نقشی بنیادین در تولید دانش و حمایت از ایجاد و توسعه ظرفیت های تحلیلی و خلاقانه، امکان یافتن راه حل های مورد نیاز برای رفع مشکلات جهانی و محلی را در همه ابعاد توسعه پایدار فراهم می کنند.

۴۲-

رویکرد دیگر در آموزش عالی، جابه جایی رو به افزایش

^۸ زیربنای آموزش عالی، بر آموزش متوسطه بنا شده است. آموزش عالی، امکان یادگیری در حوزه های تخصصی را فراهم می آورد. هدف از آن، یادگیری در مقاطع تخصصی و پیچیده است. این مقطع از آموزش، در تصور عموم غالباً آموزش دانشگاهی را شامل می شود، در حالی که آموزش عالی، آموزش های پیشرفته در حوزه های فنی و حرفه ای را هم شامل می شود. آموزش عالی، بخشی از (ISCED Levels ۵، ۶، ۷ و ۸) است. مقطع پنجم از ISCED آموزش های کوتاه مدت را در مقطع آموزش عالی شامل می شود. مقطع ششم از ISCED، شامل مدرک لیسانس یا معادل آن است. مقطع هفتم از ISCED، فوق لیسانس یا معادل آن را شامل می شود و مقطع هشتم از ISCED شامل: مدرک دکترا یا معادل آن است. برنامه و محتوای درسی در مقطع آموزش عالی در مقایسه با مقاطع پایین تر از آن، پیچیده تر و پیشرفته تر است.

مرجع: UIS.2012. International Standard Classification of Education: ISCED 2011. www.uis.unesco.org/Education/Documents/isced-2011-en.pdf.

رسمی، غیررسمی و آزاد برای افراد در همه سنین و به ویژه دربرگیرنده فرصت‌های آموزش و یادگیری برای بزرگسالان است. لازم است تا فرصت‌هایی برای بزرگسالان مسن تر، با عنایت ویژه به اقشار آسیب‌پذیر، برای دسترسی عادلانه آنان به دانشگاه ایجاد شود.

۴۵-

راهبردهای شاخص:

- وضع سیاست‌های بین بخشی در خصوص توسعه مهارت‌های حرفه ای، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی (به طور جداگانه)، و همچنین سیاست‌گذاری بین بخشی در میان این سه حوزه آموزشی و تقویت پیوندهای میان علم و سیاست‌گذاری برای همگامی با شرایط در حال تغییر آموزش در جهان و به روز ماندن با توجه به شرایط موجود. زمینه‌سازی برای مشارکت‌های مؤثر؛ به‌ویژه در بین بخش‌های خصوصی و دولتی و مشارکت دادن کارفرمایان و اتحادیه‌ها، در جهت اجرایی نمودن مشارکت میان بخش خصوصی و دولتی.

- زمینه سازی برای تضمین کیفیت، تأیید و به رسمیت شناسی صلاحیت‌ها و مدارک آموزش عالی و تسهیل اعتبارسنجی واحدهای درسی در میان مؤسسات معتبر آموزش عالی.

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ادغام آموزش از راه دور با کیفیت در آموزش عالی با تأمین مناسب مالی و استفاده بجا از فناوری، از جمله اینترنت، افزایش دوره‌های درسی اینترنتی باز و کاربرد روش‌های دیگری که در راستای معیارهای قابل قبول و با کیفیت، در جهت دسترسی بهینه به آموزش کمک می‌کنند.

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای تقویت پژوهش در آموزش عالی و دانشگاهی از طریق: استفاده زود هنگام از آموزش علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات؛ به ویژه توسط زنان و دختران.

- تقویت همکاری‌های بین‌المللی در توسعه آموزش‌های عالی و دانشگاهی بین مرزی و همچنین توسعه پژوهشی بین مرزی، از جمله: در چارچوب پیمان نامه‌های جهانی و منطقه‌ای در زمینه به رسمیت شناختن صلاحیت‌ها و مدارک آموزش عالی، با هدف حمایت از دسترسی بهینه و بیشتر به آموزش، تضمین کیفیت به شیوه ای بهتر و توسعه ظرفیت‌ها.

- ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و دانشگاهی و یادگیری بزرگسالان و همچنین ترویج فرصت‌هایی برای آموزش و تربیت جوانان و بزرگسالان در همه رده‌های سنی و از هر قشر اجتماعی- فرهنگی، با هدف توانمندسازی آن‌ها برای ارتقا و سازگاری مهارت‌های آنان با نیازهای موجود، با عنایت ویژه به مسئله تساوی جنسیتی (برابری میان زنان و مردان) و حذف موانع جنسیتی و نیز با توجه به اقشار آسیب‌پذیر، از جمله معلولان.

- مؤسسات آموزش عالی، از جمله دانشگاه‌ها می‌بایست از سیاست‌گذاری برای در اختیار قرار دادن فرصت‌های عادلانه برای یادگیری با کیفیت به صورت مادام‌العمر حمایت کنند و این اقدامات را ترویج نمایند.

هدف ۴-۴:

افزایش چشمگیر تعداد جوانان و بزرگسالان دارای مهارت‌های مرتبط با اشتغال، مشاغل شایسته و کارآفرینی، از جمله مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تا سال ۲۰۳۰

-۴۶

با وجود تغییر مداوم بازار کار، بیکاری رو به افزایش به ویژه در میان جوانان، سالخورده شدن نیروهای کار در برخی از کشورها، مهاجرت و پیشرفت‌های حاصله در زمینه فناوری، همه کشورها اکنون نیازمند ارتقای توانایی‌ها، مهارت‌ها و دانش مردم برای اشتغال شایسته، کارآفرینی و زندگی هستند. در بسیاری از کشورها، جهت‌گیری آموزش و سیاست‌های آموزشی نیز باید در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای سریع‌آه رو به رشد برای ارتقای مهارت‌های جوانان و بزرگسالان و همچنین یادگیری مهارت‌های جدید توسط آنان باشد. در نتیجه نیازهای یاد شده، ارتقا و متنوع سازی فرصت‌های یادگیری با استفاده از گستره وسیعی از راه‌کارهای آموزشی و تربیتی الزامی است تا به این واسطه همه جوانان و بزرگسالان؛ به ویژه زنان و دختران بتوانند به دانش، مهارت‌ها و توانایی‌های مرتبط برای اشتغال شایسته و زندگی دست یابند.

-۴۷

در عین تضمین کیفیت، لازم است تا دسترسی برابر به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای گسترش یابد. برای برقراری ارتباط بهتر میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با دنیای کار، اعم از کار در بخش‌های رسمی یا غیر رسمی، لازم است که راهبردها و اولویت‌های مناسب تعریف شوند تا به واسطه آنها، هم جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تثبیت شود و هم میان روش‌های مختلف آموزشی پیوند برقرار گردد و انتقال از مدرسه به دنیای کار نیز تسهیل شود. لازم است تا نظام‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های کسب شده از طریق تجربه یا مهارت‌های حاصله از طریق آموزش‌های غیررسمی و آزاد، از جمله: آموخته‌های حاصل از محل کار و یا از طریق اینترنت را به رسمیت بشناسند و ارج نهند.

-۴۸

با تمرکز دقیق بر مهارت‌های ویژه کار* متوجه می‌شویم که توانمندی فارغ التحصیلان برای سازگاری با تقاضای بازار کار، که به سرعت در حال تغییر می‌باشد، کم است؛ بنابراین، در کنار تسلط بر مهارت‌های ویژه کار باید بر یادگیری و ارتقای مهارت‌های مهم شناختی و غیرشناختی قابل انتقال، از جمله: مهارت‌های حل مسئله، تفکر خلاق، خلاقیت، کارگروهی، مهارت‌های ارتباطی و رفع مخاصمات که در بسیاری از حوزه‌های شغلی کاربرد دارند، تأکید شود. علاوه بر این، لازم است تا برای یادگیرندگان، فرصت‌هایی برای به روزرسانی مداوم مهارت‌ها از طریق یادگیری مادام‌العمر نیز فراهم گردد.

-۴۹

ارزیابی آثار و نتایج برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های انجام شده در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و گردآوری داده‌ها در مورد انتقال از دوران یادگیری به جهان کار، و نیز گردآوری اطلاعات در مورد اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها، با توجه خاص به موضوع نابرابری آموزشی ضروری است.

-۵۰

راهبردهای شاخص:

- گردآوری و استفاده از شواهد در مورد مهارت‌های مورد نیاز، به منظور هدایت و جهت دهی به برنامه‌های: توسعه مهارت، کاهش نابرابری آموزشی و پاسخ‌گویی به نیازهای در حال تغییر بازار کار و اجتماع، اقتصاد غیررسمی و توسعه روستایی.
- درگیر کردن شرکای اجتماعی، در طراحی و اجرای آموزشی و پرورشی جامع و مبتنی بر شواهد. تضمین اینکه درسی و آموزشی در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای، دارای کیفیت بالایی باشند و در آنها،

* Work-specific skills

هدف ۵-۴:

ریشه کنی نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و تضمین دسترسی برابر به همهٔ مقاطع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای برای اقشار آسیب‌پذیر، از جمله معلولان، افراد بومی و کودکانی که در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند و یا خود، آسیب‌پذیر هستند، تا سال ۲۰۳۰

مهارت‌های مرتبط با کار و مهارت‌های غیرشناختی قابل انتقال، از جمله: مهارت‌های کارآفرینی، پایه و مهارت در فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات گنجانده شده باشد و رؤسا و نیروهای آموزشی مؤسسات آموزشی فنی و حرفه‌ای، از جمله: آموزگاران و شرکت‌ها، شایستگی لازم برای این کار را دارا بوده، و مورد تأیید باشند.

• ترویج اشکال مختلف آموزش و یادگیری در محل کار و در کلاس درس و در هر جا که امکان آن وجود داشته باشد.

• تضمین به کارگیری نظام‌های شفاف و مؤثر، برای تضمین کیفیت در حوزهٔ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد چارچوب‌هایی برای سنجش توانمندی‌ها.

• ترویج همکاری‌ها در زمینهٔ ارتقای شفافیت در فعالیت‌ها، و به رسمیت شناسی بین کشوری توانایی‌های فنی و حرفه‌ای افراد با هدف ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و فراهم آوردن امکان جابه‌جایی نیروی کار و یادگیرندگان و تضمین همسویی آموزش فنی و حرفه‌ای با تقاضای در حال تغییر بازار کار.

• ترویج روش‌های یادگیری انعطاف‌پذیر، هم در آموزش رسمی و هم در فضای آموزشی غیر رسمی. فراهم آوردن امکان گردآوری و انتقال اعتبار نتایج یادگیری برای یادگیرندگان، مطابق با سطوحی که بدان نائل می‌شوند. به رسمیت شناختن و اعتباربخشی آموخته‌های پیشین، و ایجاد مناسب برای از میان برداشتن شکاف میان یادگیری به روش‌های رسمی، غیررسمی و آزاد و ایجاد خدمات راهنمای مشاغل و ارائهٔ خدمات مشاوره‌ای.

۵۱-

با وجود پیشرفت‌های کلی به دست آمده در افزایش میزان ثبت نام دختران و پسران در مدارس ابتدایی، باز هم موضوع حذف نابرابری آموزشی در همهٔ مقاطع، آن چنان که باید، مورد توجه قرار نگرفته است. به عنوان مثال، بر اساس آمار به دست آمده در سال ۲۰۰۹ احتمال اینکه ۲۰ درصد از کودکان خانوارهای بسیار فقیر ثبت نام شده در کشورهای با درآمد پایین یا متوسط، نتوانند دورهٔ ابتدایی را به پایان برسانند، پنج برابر بیشتر از این میزان برای ۲۰ درصد از کودکان خانوارهای ثروتمند است. علاوه بر این، اینگونه به نظر میرسد که فقر باعث تشدید سایر اشکال طرد شدن، از جمله: افزایش نابرابری جنسیتی در آموزش می‌شود.

۵۲-

توجه به مسئلهٔ فقر باید همچنان به عنوان یک اولویت باقی بماند؛ زیرا فقر هنوز هم تنها مانع بزرگ شمول اجتماعی در همهٔ سطوح و در همهٔ مناطق جهان به شمار می‌آید. سرمایه‌گذاری در آموزش می‌تواند به کاهش نابرابری در کسب درآمد کمک کند و بسیاری از آموزشی، به یافتن روش‌های نوآورانه برای کمک به خانواده‌ها و یادگیرندگان در رفع موانع مالی برای آموزش موفق شده‌اند. لازم است تا برای اتخاذ چنین رویکردهایی سرمایه‌گذاری شود و این رویکردها نیز همواره، در تدوین نظام‌های آموزشی مد نظر قرار گیرند.

-۵۳

به عنوان مثال در برخی از مناطق، میزان ثبت نام پسران در مقطع متوسطه و آموزش عالی، از میزان ثبت نام دختران کمتر است. نابرابری جنسیتی در آموزش، به واقع نمایانگر هنجارهای حاکم جنسیتی جوامع و وجود تبعیض در جوامع است. بر این اساس، سیاست‌گذاری‌هایی که برای رفع این تبعیض‌ها اتخاذ می‌شوند، چنانچه جزئی از یک طرح کلی باشند که با هدف ترویج بهداشت و سلامت، عدالت، حاکمیت خوب و رهایی از کار کودکان برنامه‌ریزی شده است، بهتر عمل می‌کنند. شرایط و دلایل ریشه‌ای به حاشیه رانده شدن، تبعیض و طرد، بسیار گسترده هستند. گروه‌های آسیب‌پذیری که لازم است به آن‌ها توجه ویژه شود و در مورد آن‌ها راهبردهای هدفمند تدوین گردد، عبارت‌اند از: معلولان، افراد بومی، اقلیت‌های قومی و فقرا.

-۵۴

سیاست‌گذاری‌ها باید در راستای دگرگون ساختن نظام‌های آموزشی انجام شوند، تا به واسطه آن بتوان به آموزش فراگیر دست یافت و به شیوه‌ای بهتر نیازهای آموزشی یادگیرندگان را برآورده ساخت، به خصوص با توجه به تنوع یادگیرندگان، که این خود عامل تنوع نیازهای آموزشی است. این اقدام، از جمله اقدامات کلیدی در تحقق حق بهره‌مندی از آموزش باکیفیت است که نه تنها با موضوع دسترسی به آموزش ارتباط دارد، بلکه مشارکت و یادگیری همه دانش آموزان را نیز شامل می‌شود، و در این راستا گروه‌های طرد شده، آسیب‌پذیر و یا گروه‌هایی که در معرض خطر به حاشیه رانده شدن قرار دارند، مورد توجه ویژه هستند.

-۵۵

برای تضمین تساوی جنسیتی در برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی، نیازمند ظرفیت سازی و سرمایه‌گذاری در اجرا، پایش، ارزیابی و پیگیری برنامه‌ها و نظام‌های آموزشی هستیم. به منظور تضمین امنیت شخصی زنان و دختران در مسیر رفت و برگشت آن‌ها از مدرسه و مؤسسات آموزشی به منزل و همچنین برای حذف خشونت جنسیت محور در مدارس، لازم است سیاست‌هایی برای مقابله با همه اشکال خشونت و سوءاستفاده جنسی تنظیم شود.

-۵۶

فرصت‌های آموزشی بسیاری از کودکان، به واسطه جنگ، بیماری‌های واگیردار و بلایای طبیعی از دست می‌رود. در سال ۲۰۱۲، حدود ۲۱ میلیون نفر از کودکان باز مانده از تحصیل؛ یعنی چیزی حدود ۳۶ درصد از این کودکان، در مناطق جنگ‌زده سکونت داشته‌اند که این میزان در سال ۲۰۰۰، صرفاً ۳۰ درصد بود. حفاظت از آموزش در شرایط جنگ، در شرایط اضطراری و در شرایط پس از جنگ و پس از بروز

مسئله نابرابری میان زنان و مردان در آموزش (نابرابری جنسیتی)، اهمیت ویژه‌ای دارد. تنها ۶۹ درصد از کشورها، برنامه‌هایی را برای دستیابی به تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش ابتدایی و ۴۸ درصد از کشورها برای دسترسی به آموزش متوسطه، از نظر ثبت نام برابر دختران و پسران در این مقاطع تا سال ۲۰۱۵ تهیه کرده‌اند. به علاوه، با توجه به مفید بودن تساوی جنسیتی به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری پیشرفت، لازم است تا تلاش بیشتری برای دستیابی به آن انجام شود. تساوی، هدفی بلندپروازانه و به این معنی است که برای بهره‌مندی از آموزش با کیفیت بالا، فرصت برابری در اختیار همه دختران، پسران، زنان و مردان گذاشته شود، بدین ترتیب که همه آن‌ها از دستاوردهای برابر آموزشی برخوردار باشند و در حوزه آموزش، از مزایای برابر بهره‌گیرند. دختران، نوجوان و زنان جوانی که ممکن است در برابر خشونت مبتنی بر جنسیت، ازدواج در سنین کودکی، بارداری زودرس و بار سنگین کارهای منزل قرار بگیرند، و همچنین دختران نوجوان و زنانی که در نواحی فقیر نشین و دورافتاده روستایی ساکن هستند، به توجه ویژه نیاز دارند. شرایطی نیز وجود دارد که پسران دچار محرومیت می‌شوند؛

بلايای طبيعی، و نیز پاسخ‌گویی به نیازهای آموزشی افرادی که در داخل کشورها مجبور شدند تا محل سکونت خود را ترک کنند، و همچنین پناهندگان، مسئله بسیار مهمی است. علاوه بر روش‌های پیشنهادی، برای تضمین ادغام برابری آموزشی، فراگیری و شمول اجتماعی و تساوی جنسیتی در همه اهداف آموزشی، راهبردهای مشروحه زیر پیشنهاد می‌شود:

۵۷-

راهبردهای شاخص:

- تضمین این مهم که سیاست‌گذاری‌های آموزشی و مربوط به بخش آموزش و همچنین بودجه بندی آن‌ها، متضمن رعایت اصول عدم تبعیض و تساوی در آموزش باشند و به تدوین و اجرای راهبردهای فوری هدفمند برای اقشار طرد شده و آسیب‌پذیر کمک کنند. به منظور سنجش پیشرفت در تحقق تساوی آموزشی باید شاخص‌هایی تهیه شوند.

- تضمین اینکه سیاست‌های آموزشی، بخشی و تأمین بودجه، بر مبنای ارزیابی مخاطرات، آمادگی برای مقابله و رفع شرایط اضطراری در آموزش تهیه شوند و دربرگیرنده مفیدی برای تحقق مواردی بدین شرح باشند: رفع نیازهای آموزشی کودکان، جوانان و بزرگسالان جنگ‌زده و یا افرادی که در اثر بلايای طبیعی، ترک وطن کرده و یا از بیماری‌های واگیردار آسیب دیده اند. پناهندگان، و نیز افرادی که مجبور شده‌اند در داخل کشور محل سکونت خود را ترک کنند. حمایت از تدوین راهبردها و ایجاد سازوکارهای منطقه‌ای و بین منطقه‌ای که بتوانند نیازهای آموزشی پناهندگان و همچنین افرادی را که به اجبار محل سکونت خود را در داخل کشور ترک کرده اند، مرتفع سازد.

- شناسایی، پایش و بهبود دسترسی زنان و دختران به آموزش باکیفیت، و همچنین پایش و بهبود

میزان مشارکت آموزشی، ارزیابی نتایج آموزشی و تکمیل دوره‌های آموزشی توسط زنان و دختران. در محیط‌هایی که پسران از آموزش محروم مانده‌اند، الزامی است که مسئولان به سمت تمرکز بر انجام اقدامات هدفمند با تأکید بر پسران سوق داده شوند.

- شناسایی موانعی که کودکان و جوانان آسیب‌پذیر را از دسترسی به آموزشی باکیفیت، دور نگاه می‌دارد و تصمیم‌گیری‌های مؤثر برای رفع موانع مرتبط.

- حمایت از رویکردی جامع برای مقاوم سازی مدارس در مقابل اثرات مخرب بلايای طبیعی، با توجه به شیوه اثرات بلايا یا دامنه اثر آن‌ها. از جمله روش‌های این مقاوم سازی می‌توان به تأمین امکانات ایمن تر برای مدارس، آموزش مدیریت بلايا در مدارس، مقاومت و کاهش مخاطرات اشاره کرد.

- فراهم آوردن امکان آموزش از راه دور، آموزش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، دسترسی به فناوری‌های مناسب و زیربنای ضروری برای تسهیل ایجاد فضای یادگیری در منازل، در مناطق جنگی و مناطق دورافتاده؛ به ویژه برای دختران، زنان، پسران و جوانان آسیب‌پذیر و سایر گروه‌های درحاشیه مانده.

- تضمین بازبینی کتابها و درسی، بودجه و سیاست‌گذاری‌های آموزشی و همچنین آموزش معلمان و نظارت بر فعالیت‌های آنان توسط دولت‌ها؛ به نحوی که موارد یاد شده عاری از هرگونه کلیشه جنسیتی باشند و در ترویج تساوی، عدم تبعیض، حقوق بشر و آموزش بین فرهنگی مؤثر واقع شوند.

- تضمین استفاده از منابع چندگانه داده‌ها و اطلاعات از جمله: بهره‌مندی از نظام‌های اطلاعاتی مدیریت آموزش و مدارس و مطالعات پیمایشی انجام شده در مدارس و خانوارها برای تسهیل پایش پدیده حذف اجتماعی در آموزش. «پایگاه داده‌های جهانی در

مورد نبود تساوی در آموزش یا نابرابری آموزشی»^۹
نمونه ای از چگونگی دسترسی تصمیم گیران
آموزشی به اطلاعاتی از این دست است.

• گردآوری داده‌های کیفی بهتر در مورد کودکان معلول و دارای مشکلات جسمی، و ارزیابی سطح آسیب دیدگی آنان. در این زمینه لازم است شاخص‌های مرتبطی تهیه و در صورت موجود بودن، بهینه‌سازی شوند و باید از داده‌های به دست آمده، به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری استفاده شود.

هدف ۶-۴:

تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همهٔ جوانان و تعداد قابل توجه‌ای از بزرگسالان، اعم از زن و مرد به سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن دست یابند

۵۸-

سوادآموزی،^{۱۰} جزئی از حق آموزش و یک کالای عمومی محسوب می‌شود. سوادآموزی در بطن آموزش پایه قرار دارد و لازمهٔ یادگیری مستقل است. فواید سوادآموزی؛ به ویژه برای زنان به خوبی مشهود و ثبت شده است. سوادآموزی باعث مشارکت بیشتر و بهتر در بازار کار، پیشگیری از ازدواج زودهنگام دختران و بهینه‌سازی تغذیه و بهداشت خانواده و کودک است. موارد یاد شده،

۹ این پایگاه اطلاعاتی، از طریق مراجعه به نشانی www.education-inequalities.org قابل دسترسی است.

۱۰ تعریف سواد عبارتند از: توان شناسایی، درک، تشریح، خلق، برقراری ارتباط و محاسبه با استفاده از مواد چاپی یا نوشتاری در شرایط مختلف. سواد، یک پیوستار یادگیری را شامل می‌شود؛ زیرا افراد را برای دستیابی به اهداف، توسعهٔ دانش و مشارکت کامل در جوامع محلی و در کل جامعه، توانمند می‌سازد.

منبع: یونسکو. ۲۰۰۵. جنبه‌های ارزیابی سوادآموزی: موضوعات و مسائل، برگرفته از نشست تخصصی یونسکو، مورخ ۱۰ الی ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳

<http://unesdoc.unesco.org/images/140125/001401/0014eo.pdf>

۱۱ «سوادآموخته کاربردی» به کسی اطلاق می‌شود که بتواند برای مشارکت موثر در همه فعالیت‌های فردی، گروهی و یا اجتماعی و نیز کسب توانمندی به منظور مداومت در خواندن، نوشتن و حساب کردن، با هدف پیشرفت خود و اجتماع خویش، از سواد استفاده موثر کند. منبع: یونسکو. ۲۰۰۶. گزارش جهانی پایش آموزش ۲۰۰۶ - سوادآموزی برای زندگی، ص. ۱۵۴

<http://www.unesco.org/education/GMR2006/full/chapt6.eng.pdf>

باعث کاهش فقر و پدید آمدن فرصت‌های مضاعف در زندگی افراد می‌شود. حساب کردن، یک مهارت است و از آن جهت که کار کردن با اعداد، حساب، اندازه‌گیری، تعیین نسبت‌ها و مقادیر عددی از ملزومات زندگی هستند و در هر جا به آن نیازمندیم؛ بنابراین، ارتقای سوادآموزی و توان حساب کردن برای جوانان و بزرگسالان، همچنان چالش بزرگی است. در سال ۲۰۱۳، در سراسر جهان تعداد ۷۵۷ میلیون بزرگسال ۱۵ سال به بالا که دو سوم آنان زن بودند، توان خواندن و نوشتن نداشتند. پایین بودن سطح سواد، یک مشکل جهانی است که بیش از هر جا، در کشورهای کم درآمد و یا دارای درآمد متوسط قابل مشاهده است. بزرگسالانی که مهارت‌های سواد و حساب کردن آن‌ها به حد کافی بالا نیست، با مشکلات و محرومیت‌های عدیده‌ای رو به رو هستند. این افراد غالباً بیکارند و آن دسته هم که به کار اشتغال دارند، حقوق‌های بسیار پایینی دریافت می‌کنند. برای این افراد، مشارکت اجتماعی و بهره‌مندی از فرصت‌هایی که جامعه در اختیارشان می‌گذارد، بسیار دشوار است. به علاوه، آن‌ها اغلب از نظر سلامت نیز مشکل دارند.

۵۹-

تا سال ۲۰۳۰، همهٔ جوانان و بزرگسالان در سراسر جهان باید به کسب مهارت‌های مرتبط و به رسمیت شناخته شدهٔ معتبر در حوزه‌های سوادآموزی و حساب^{۱۱} نائل شده باشند، به گونه‌ای که مهارت آنان در این

حوزه‌ها، برابر با مهارت‌های کسب شده از طریق تکمیل مقطع آموزش پایه باشد. اصول، راهبردها و اقدامات انجام شده برای نیل به این هدف، به درک جدیدی از سوادآموزی وابسته هستند، سوادآموزی، نه صرفاً به عنوان مفهومی دو بُعدی شامل «سوادآموخته» در مقابل «بی سواد»، بلکه به عنوان پیوستاری است که سطوح مختلف مهارتی را نیز شامل می‌شود. سطوح مورد نیاز سواد و نحوه کاربرد مهارت‌های خواندن و نوشتن به وسیله افراد، به شرایط ویژه* بستگی دارد. در امر یادگیری و سوادآموزی، توجه ویژه به نقش زبان اول یادگیرندگان، ضروری است. برنامه‌ها و روش‌های سوادآموزی باید در راستای نیازها و شرایط یادگیرندگان باشد. به این منظور، می‌توان سوادآموزی دوزبانه و بین فرهنگی را در چارچوب یادگیری مادام‌العمر تهیه کرد. با علم به این مطلب که مهارت حساب کردن در سوادآموزی، نیازمند تقویت هرچه بیشتر است، بنا بر این می‌بایست برنامه‌هایی برای یادگیری این مهارت، در برنامه‌های سوادآموزی گنجانده شود. فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات؛ به ویژه فناوری‌های قابل نصب در گوشی‌های تلفن همراه، در تسریع پیشرفت به سوی تحقق این هدف نقش بسیار مهمی دارند.

۶۰-

راهبردهای شاخص:

- ایجاد رویکردی بخشی و یا بین بخشی برای سیاست گذاری و برنامه‌ریزی برای سوادآموزی و همچنین به منظور تأمین بودجه از طریق تقویت همکاری و هماهنگی میان وزارت خانه‌های مرتبط از جمله: وزارت خانه های آموزش، بهداشت، رفاه اجتماعی، کار، صنعت و کشاورزی و نیز تقویت همکاری و هماهنگی میان جامعه مدنی، بخش خصوصی و شرکای دوجانبه و چند جانبه، با حمایت عملی از تمرکززدایی.

- تضمین کیفیت بالای برنامه‌های سوادآموزی و حساب‌آموزی، بر مبنای سازوکارهای ارزیابی ملی و تضمین اینکه این برنامه‌ها در راستای نیازهای یادگیرندگان و با توجه به دانش و آموخته‌های پیشین آن‌ها تهیه و تنظیم شده باشند. لازمه تحقق این مهم، توجه ویژه به فرهنگ، زبان، روابط اجتماعی و سیاسی و فعالیت های اقتصادی، با توجه خاصی به زنان و دختران و گروه‌های آسیب‌پذیر است. ضمناً ضرورت دارد تا برنامه‌های یادشده با برنامه‌های مهارت‌آموزی و ارتقای مهارت‌ها برای معیشت و اشتغال شایسته، به عنوان دو عنصر مهم یادگیری مادام‌العمر ادغام شوند.

- افزایش تدریجی برنامه‌های مؤثر سوادآموزی و آموزش مهارت‌ها برای بزرگسالان و مشارکت دادن جامعه مدنی در این حرکت، با توجه به تجارب غنی و اقدامات مؤثری که در این ارتباط انجام داده اند.

- ترویج کاربرد فناوری های اطلاعات و ارتباطات؛ به ویژه فناوری موبایل در برنامه‌های سوادآموزی و حساب‌آموزی.

- ایجاد ابزارها و چارچوبی برای ارزیابی میزان مهارت، با توجه به نتایج یادگیری سوادآموزان. لازمه این کار، ارائه تعریف درستی از مفهوم مهارت در حوزه‌های مختلف است که از آن جمله می‌توان به مهارت‌های کاری و مهارت در زندگی روزمره اشاره کرد.

- ایجاد نظامی برای گردآوری، تحلیل و به اشتراک گذاشتن داده های مرتبط و به هنگام در مورد سطوح سوادآموزی و نیازهای سوادآموزی؛ یعنی خواندن، نوشتن و حساب کردن بر حسب جنسیت و سایر شاخص های به حاشیه رانده شدن.

هدف ۷-۴:

تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰، همهٔ یادگیرندگان به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعهٔ پایدار؛ به ویژه از طریق: آموزش برای توسعهٔ پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگی‌ها در تحقق توسعهٔ پایدار دست یابند.

۶۱-

در دنیایی جهانی شده که با چالش‌های حل نشده در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی رو به رو است، آموزشی که به استقرار جوامع پایدار و صلح آمیز بینجامد، ضرورت دارد. با این وجود، نظام‌های آموزشی این رویکردهای دگرگون کننده را کمتر اتخاذ می کنند. بر این اساس، تخصیص جایگاهی مهم در سند آموزش ۲۰۳۰، به تقویت مشارکت آموزش در تحقق حقوق بشر، صلح و شهروندی مسئولانه، از سطوح محلی گرفته تا سطوح بالاتر جهانی، برقراری تساوی جنسیتی، توسعهٔ پایدار و بهداشت اهمیت حیاتی دارد.

۶۲-

محتوای چنین آموزشی باید مرتبط باشد و همهٔ جنبه‌های یادگیری، اعم از جنبه‌های شناختی و غیرشناختی آموزش را پوشش دهد. کسب دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و رویکردهای لازم توسط شهروندان برای زندگی به گونه‌ای پربار و موفق، اتخاذ تصمیمات آگاهانه و ایفای نقش‌های فعال در سطوح ملی و جهانی در رویارویی با چالش‌های جهانی و تلاش برای رفع این چالش‌ها، از طریق آموزش برای توسعهٔ پایدار^{۱۲} و آموزش شهروندی جهانی^{۱۳} امکان پذیر است. آموزش برای توسعهٔ پایدار و آموزش شهروندی جهانی، نه تنها بر آموزش بین فرهنگی و آموزش برای تفاهم بین‌المللی تأکید دارند، بلکه آموزش صلح و حقوق بشر را نیز شامل می شوند. در حالی که در سال‌های اخیر، شاهد پیشرفت‌های چشم‌گیری در آموزش در حوزه‌های یادشده بوده‌ایم، صرفاً پنجاه درصد از کشورهای عضو یونسکو، به ادغام آموزش برای توسعهٔ پایدار در سیاست‌گذاری‌های مرتبط خود اذعان داشته‌اند.

^{۱۲} آموزش برای توسعهٔ پایدار به یادگیرندگان توان اتخاذ تصمیمات آگاهانه و انجام اقدامات مسئولانه را میدهد تا در سایهٔ آن، ضمن احترام به تنوع فرهنگی، به انسجام زیست محیطی، اقتصاد کامیاب و جامعه‌ای عدالت‌محور برای نسل‌های حال و آینده دست پیدا کنند. آموزش برای توسعهٔ پایدار، از یک منظر آموزش مادام‌العمر و بخش مهمی از آموزش با کیفیت است. ESD، آموزشی همه‌جانبه و دگرگون کننده است که به محتوا و بازدهٔ آموزشی، روش تدریس و فضای آموزشی می‌پردازد. هدف آموزش برای توسعهٔ پایدار، در سایهٔ دگرگون‌سازی اجتماع تحقق می‌یابد.

منبع: یونسکو. ۲۰۱۴. نقشهٔ راه اجرای برنامهٔ اقدام جهانی آموزش برای توسعهٔ پایدار
<http://unesdoc.unesco.org/images/230514/002305/0023e.pdf>

^{۱۳} آموزش شهروندی جهانی (GCED)، با هدف تجهیز یادگیرندگان به توانمندی‌های مهمی برنامه‌ریزی شده است: که عبارتند از: الف) دانش عمیقی از مسائل و ارزش‌های جهانی مانند عدالت، برابری، کرامت و احترام (ب) مهارت‌های شناختی برای تفکر انتقادی، نظام‌مند و خلاقانه از جمله: اتخاذ رویکردی چندوجهی برای شناسایی ابعاد، جنبه‌ها و زوایای مختلف مسائل (ج) مهارت‌های اجتماعی مانند: هم‌دردی و حل مباحثات و مهارت‌های ارتباطی و توان تعامل و شبکه‌سازی با افراد دارای پیشینه‌ها، اصالت‌ها، فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف (د) ظرفیت‌های رفتاری برای اقدام جمعی و مسئولانه و تلاش برای منافع جمعی

منبع: یونسکو. ۲۰۱۳. سند نهایی مشاورهٔ فنی در حوزهٔ آموزش شهروندی جهانی: آموزش شهروندی جهانی - دیدگاهی نوظهور
<http://unesdoc.unesco.org/images/224115/002241/0022E.pdf>

۶۳-

راهبردهای شاخص:

- تضمین توجه آموزش به نقش کلیدی فرهنگ در تحقق "پایداری" و نیز ارائه آموزش بر اساس توجه به فرهنگ و شرایط ملی کشورها و ارتقای آگاهی در زمینه میراث، تجلیات و تنوع فرهنگی، در عین رعایت اصل احترام به حقوق بشر.
- حمایت از ایجاد نظام‌های ارزیابی قوی برای آموزش توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی، به منظور ارزیابی نتایج شناختی و اجتماعی- احساسی یادگیری با استفاده از ابزارهای موجود و ابزارهایی که در طول زمان، درستی آن‌ها اثبات شده است. در جریان این ارزیابی‌ها، ضروریات ایجاد ابزارهای جدید ارزیابی شناسایی می‌شوند و فعالیت‌های گسترده‌تری از کشورها نیز با توجه به فعالیت‌های مؤسسه آمار یونسکو (UIS) و سایر همکاران آن بررسی می‌شوند.
- ترویج رویکرد بین رشته‌ای و در صورت لزوم، رویکرد ذی نفعان چندگانه برای تضمین آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی در همه سطوح و در همه اشکال آموزش، از جمله: در قالب آموزش حقوق بشر با هدف ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت.
- ایجاد فرصت‌های یادگیری در سراسر عمر برای افراد، اعم از زن و مرد در هر گروه سنی به منظور کسب دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های لازم برای ساختن جوامعی سالم، صلح‌جو و پایدار
- ایجاد و نشر اقدامات بهینه در زمینه آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی در درون و میان کشورها، به منظور اجرای بهینه برنامه‌های آموزشی و تقویت همکاری‌ها و تفاهم بین‌المللی.
- ترویج برنامه‌های مشارکتی برای یادگیرندگان و آموزگاران، در رابطه با آموزش برای توسعه پایدار و آموزش شهروندی جهانی به منظور تضمین مشارکت آنان در اجتماعات و جوامع.

^{۱۴} در ادامه دهه سازمان ملل متحد برای آموزش توسعه پایدار، این مطلب توسط کنفرانس عمومی یونسکو (قطعنامه شماره ۱۲) مصوب سی و هفتمین نشست کنفرانس عمومی (37 C/Resolution 12) و توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد (A/RES/69/211) تصویب شده است.

ابزارهای اجرا

هدف ۴- الف:

ایجاد و به روزرسانی امکانات آموزشی مناسب برای کودکان، معلولان و زنان و مردان، و تأمین فضاهای یادگیری مؤثر، فراگیر، به دور از خشونت و امن

۶۴-

این هدف، بر ضرورت وجود زیربناهای مناسب فیزیکی و فضاهای امن و فراگیر، که یادگیری برای همه را بدون توجه به پیشینه افراد و یا وضعیت جسمانی آنان از نظر معلولیت امکان پذیر می سازند، تأکید دارد^{۱۵}. وجود فضاهای یادگیری با کیفیت، برای حمایت از همه یادگیرندگان، معلمان و کارکنان آموزشی ضروری است. کلیه فضاهای یادگیری باید برای همه قابل دسترس باشند. فضاهای یادگیری باید به منابع کافی و زیربناهای مناسب مجهز باشند، تا در سایه این امکانات بتوان کلاس های درس در اندازه مناسب و معقول و نیز امکانات بهداشتی در محیط مدرسه را ایجاد کرد. با وجود اینکه در ۱۲۶ کشور در حال توسعه، میانگین مدرسی که به امکانات بهداشتی مناسب مجهز هستند، از ۵۹ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۶۸ درصد در سال ۲۰۱۲ رسیده است، در ۵۲ کشور از کشورهای دارای پایین ترین سطح توسعه یافتگی و همچنین در کشورهای کم درآمد، تنها یک مدرسه از هر دو مدرسه این شرایط را داراست.

۶۵-

تضمین احساس امنیت زنان و دختران در فضاهای یادگیری، برای ادامه تحصیل آنان ضروری است. با آغاز دوران بلوغ، دخترها آسیب پذیرتر می شوند و بیشتر در معرض خشونت، سوءاستفاده، آزار و ارباب جنسی قرار می گیرند. خشونت جنسیت محور در مدارس، مهم ترین مانع برای آموزش دختران است. بسیاری از کودکان در مدارس به طور مداوم در معرض خشونت قرار دارند؛ بدین ترتیب که همه ساله در درون و نیز در اطراف مدارس، حدود ۲۴۶ میلیون دختر و پسر، مورد سوءاستفاده و آزار جنسی قرار می گیرند. در دو سوم کشورهایی که در مقطع تحصیلی راهنمایی با مشکل نابرابری جنسیتی میان دختران و پسران مواجه هستند، دختران بیش از پسران آسیب می بینند. نبود سرویس های بهداشتی مستقل برای دختران و پسران، عدم دسترسی به امکانات لازم بهداشتی برای دختران در دوران عادت ماهیانه و مشکلات بهداشتی ناشی از آن در این دوران، می تواند به آموزش دختران لطمه وارد کند و میزان غیبت های آنان را افزایش دهد و در نتیجه، به کاهش عملکرد آموزشی آنان بینجامد.

^{۱۵} لازم است ذکر شود که مفاهیم مربوط به محیط های یادگیری امن و فراگیر، بر مبنای استانداردهای حداقل INEE و فهرست ظهم سنجی مدارس کودک محور یونیسف تهیه شده اند.

راهبردهای شاخص

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، به عنوان ابزارهای مهم در یادگیری مادام‌العمر.

هدف ۴- ب:

افزایش چشمگیر تعداد بورس‌های اعطا شده در جهان به کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و کشورهای آفریقایی، برای ثبت‌نام در مقطع آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته و در سایر کشورهای در حال توسعه، از جمله: در حوزه آموزش فنی‌وحرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشته‌های فنی، علمی و مهندسی تا سال ۲۰۲۰

• تدوین و اجرای سیاست‌های جامع، چندوجهی و منسجم جنسیت محوری که نیازهای معلولان را هم مد نظر قرار می‌دهند و ترویج هنجارها و نظام‌هایی برای تضمین امنیت مدارس و به دور ماندن آن‌ها از خشونت

• سیاست‌گذاری و تدوین راهبردهایی برای حفاظت از یادگیرندگان، معلمان و کارکنان آموزشی در برابر خشونت، در چارچوب ایجاد مدارس عاری از خشونت و اتخاذ رویکردهای مناسب در مناطقی که درگیر جنگ مسلحانه اند. تعهد به حقوق بین‌المللی بشردوستانه و اجرای آن به منزلهٔ ابزاری برای حفاظت از مدارس به عنوان مکان‌های متعلق به جامعهٔ مدنی و ترویج پاسخ‌گویی در قبال خشونت، در راستای اجرای آموزش ۲۰۳۰.

• تضمین اینکه همهٔ مؤسسات آموزشی و مدارس ایمن بوده، و دارای آب و برق باشند. در ضمن، سرویس‌های بهداشتی سالم و مستقل برای دختران و پسران به طور کافی در این نهادهای آموزشی وجود داشته باشد. کلاس‌های درس ایمن و کافی بوده و مؤسسات آموزشی و مدارس، به مواد آموزشی و فناوری‌های مناسب مجهز باشند.

• تضمین اختصاص منابع به شکل منصفانه در میان مدارس محروم از نظر اجتماعی- اقتصادی و مدارس غیر محروم و همچنین در میان مراکز یادگیری.

• افزایش دسترسی به فضاهای یادگیری غیررسمی و فضاهای یادگیری برای آموزش بزرگسالان و فراهم‌آوردن امکانات لازم برای دسترسی به

بورس‌های دانشگاهی، نقش مهمی در فراهم آوردن امکان ادامه تحصیل برای جوانان و بزرگسالانی دارند که در شرایط برخوردار نشدن از بورس، قادر به ادامه تحصیل نیستند. به علاوه، ارائه بورس در بین‌المللی سازی آموزش عالی و نظام‌های پژوهشی؛ به‌ویژه در کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی نیز مؤثر است. بورس‌ها، در ارتقای دسترسی به دانش جهانی و ظرفیت سازی برای انتقال دانش و فناوری، تطبیق آن با اولویت‌های ملی و بومی‌سازی دانش و فناوری وارداتی مؤثرند. در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱، به‌طور میانگین هزینه ای معادل ۳٫۲ میلیارد دلار آمریکا به عنوان کمک هزینه سالیانه اعطای بورس و تأمین هزینه‌های مرتبط دانشجویی اختصاص یافت، که این مبلغ معادل یک چهارم کل کمک هزینه‌های اختصاص یافته به آموزش بود. این چنین هزینه کردها می‌تواند در تقویت مهارت‌های نیروی کار در کشورهای کم درآمد مؤثر باشد؛ گرچه بیشترین سود آن عاید کشورهای دارای درآمد بالاتر از سطح متوسط می‌شود. به عنوان مثال، مبلغ کل کمک هزینه‌های سالیانه دریافتی برای بورس و تأمین هزینه‌های مرتبط دانشجویی فقط توسط پنج کشور دارای درآمد متوسط در سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱، معادل کل مبلغ کمک هزینه‌های مستقیم ارسالی برای آموزش پایه به ۳۶ کشور کم درآمد بوده است. در جایی که کشورهای توسعه یافته به دانشجویانی از کشورهای در حال توسعه بورس می‌دهند، باید از این هزینه‌ها برای ارتقای ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه استفاده شود. در حالی که ارائه کمک هزینه‌های تحصیلی برای بورس، در امر کمک‌های آموزشی، روشی شناخته شده و قابل قبول است، اما باز هم کشورهای اهدا کننده تشویق می‌شوند که کمک‌های دیگری را برای امر آموزش ارائه دهند.

بر اساس تأکید سند آموزش ۲۰۳۰ بر تساوی، فراگیری آموزش و کیفیت، لازم است تا بیشتر بورس‌های ارائه شده، به جوانان محروم تعلق گیرد. اغلب اوقات، بورس‌ها به رشته‌های خاص، از جمله: علم، فناوری، مهندسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش معلمان و فنی‌وحرفه‌ای اختصاص می‌یابند. به منظور فراهم آمدن امکان ادامه تحصیل زنان و دختران در حوزه‌های علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات لازم است که توجه ویژه‌ای به عمل آید.

راهبردهای شاخص:

- تضمین اینکه سازوکارها، برنامه‌ها و سیاست‌های وضع شده در حوزه برنامه بورس‌های بین‌المللی، در راستای اولویت‌ها، برنامه‌ها و شرایط ملی کشورها باشند و بر تقویت منابع انسانی در حوزه‌هایی که بیش از همه در آن‌ها احساس نیاز می‌شود، متمرکز شوند.
- جهت دهی همه فرصت‌های ارائه بورس به سمت زنان و مردان جوان محروم. تضمین اینکه امکان ارائه بورس برای جوانان محروم، به روشنی ترویج شود تا بدین وسیله امکان تصمیم‌گیری‌های آگاهانه برای جوانان فراهم شود و حقوق و جایگاه قانونی آنان حفظ گردد.
- تعریف و تدوین مشترک میان دانشگاه‌های کشورهای مبدأ و مقصد، به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه در دانشجویان برای بازگشت آن‌ها به کشورهای مبدأ خود، همچنین ایجاد سازوکارهایی برای ممانعت از فرار مغزها و ترویج جذب افراد نخبه.
- ایجاد ارائه بورس در کشور مبدأ دانشجویان، با هدف افزایش تعداد و انواع افراد ذی نفع در کشور مبدأ و همچنین در بازار کار محلی.

هدف ۴-ج:

افزایش قابل توجه معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق: تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰

۷۰-

معلمان، کلید دستیابی به همه اهداف دستورکار آموزش ۲۰۳۰ هستند؛ بدین دلیل، تحقق این هدف از اهمیت زیادی برخوردار است. دستیابی به این هدف، به انجام اقدامی فوری و سریع نیاز دارد؛ زیرا شکاف تساوی در آموزش به واسطه نبود و توزیع نابرابر معلمان حرفه‌ای، به ویژه در مناطق محروم شدت یافته است. از آنجا که معلمان از پایه‌های اساسی تحقق و تضمین آموزش باکیفیت به شمار می‌آیند، لازم است تا برای توانمند سازی، استخدام نیروهای کافی، تأمین حقوق مناسب و مکفی، ارتقای مهارت‌های آن‌ها و نیز حمایت از آنان در قالب نظام‌های آموزشی مؤثر، کارآمد و مجهز تلاش شود.

۷۱-

تا سال ۲۰۳۰، برای تحقق آموزش ابتدایی در جهان به تعداد ۳٫۲ میلیون معلم و در مقطع راهنمایی نیز به ۵٫۱ میلیون آموزگار نیاز خواهیم داشت. به علاوه، لازم است تا برای معلمان که بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ به هر دلیل این حرفه را ترک می‌کنند، جایگزین پیدا شود. به علاوه، در یک سوم کشورهایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس است، کمتر از ۷۵ درصد از معلمان دوره ابتدایی مطابق با معیارهای ملی، آموزش دیده‌اند. تصمیماتی که در گذشته مبنی بر پایین آوردن سطح معیارها به دلیل وجود کمبودها اتخاذ شدند، اکنون باعث افزایش کلاس‌های درسی شده است که توسط معلمان غیرحرفه‌ای و ناکارآمد اداره می‌شوند. نبود یا

ناکافی بودن توسعه مداوم حرفه‌ای معلمان، حمایت ناکافی یا حمایت نکردن از معلمان و وضع نکردن معیارهای ملی برای حرفه معلمی و یا وجود نداشتن استانداردهای ملی کافی در این حوزه، از عوامل مهم کلیدی در پایین بودن کیفیت دستاوردهای یادگیری هستند. نظام‌های موفق آموزشی که ضامن تساوی و کیفیت در آموزش هستند، با تمرکز بر یک پیوستار توسعه حرفه‌ای برای معلمان، به این موفقیت دست یافته‌اند. پیوستار یاد شده، متضمن یادگیری و ارتقای حرفه‌ای معلمان در طول دوران خدمت آن‌هاست.

۷۲-

معلمان نیز مانند افراد دیگر جامعه، از حقوق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی برخوردارند که از آن جمله میتوان به حق اشتغال شرافتمندانه و دریافت پاداش مکفی اشاره کرد. دولت‌ها باید به حرفه معلمی بها دهند و آن را به عنوان شغلی جذاب و طراز اول معرفی کنند و امکان آموزش مداوم و توسعه معلمان نیز در قالب این شغل از طریق: ارتقای جایگاه حرفه‌ای و وضعیت و شرایط شغلی معلمان و پشتیبانی از آنان فراهم شود؛ ضمناً دولت‌ها می‌بایست سازوکارهای گفت و گو با سازمان‌های مرتبط با معلمان را نیز ارتقا بخشند.

۷۳-

در نهایت، معلمان در ارتقای نتایج یادگیری دانش آموزان نقش مهمی دارند، که این نقش در سایه حمایت‌های مدیران مدارس، مسئولان دولتی و جوامع تحقق می‌یابد. شواهد زیاد و محکمی مبنی بر علاقه معلمان به ایجاد تغییر، یادگیری و توسعه و پیشرفت طی دوران اشتغال آنان وجود دارد. در عین حال، آن‌ها برای انجام همکاری با سایر معلمان و مدیران مدارس و نیز استفاده از فرصت‌های موجود برای توسعه حرفه‌ای خود، به زمان و فضای مناسب نیاز دارند.

راهبردهای شاخص:

- تدوین راهبردهای جنسیت محور برای جذب و جلب با انگیزه ترین افراد علاقه‌مند به حرفه معلمی و تضمین انتقال معلمان به مناطقی که به وجودشان نیاز بیشتری طلب می‌شود. لازمه این کار، سیاست‌گذاری و وضع قوانینی است که حرفه معلمی را برای نیروهای انسانی موجود و آینده جذاب می‌کند. این کار، از طریق بهبود شرایط کاری، تضمین بهره‌مندی معلمان از بیمه‌های اجتماعی و تضمین اینکه حقوق معلمان و افراد شاغل در حرفه‌های مرتبط با آموزش، لا اقل با حقوق‌های پرداختی در سایر حرفه‌های مرتبط با معلمی که نیازمند توانمندی‌های یکسان یا مشابه هستند، قابل قیاس باشد.
- بازبینی، واکاوی و بهینه‌سازی کیفیت آموزش معلمان (آموزش‌های پیش از خدمت و ضمن خدمت) و فراهم آوردن فرصت بهره‌مندی از آموزش‌های باکیفیت پیش از خدمت برای همه معلمان، و کمک به توسعه مداوم مهارت‌های حرفه‌ای آنان و تقویت فعالیت‌های حمایتی از معلمان.
- ایجاد چارچوبی برای ارزیابی توانمندی‌های معلمان، استادان تربیت معلم و ناظران و افرادی که مسئول بازرسی فعالیت‌های معلمان هستند.
- سیاست‌گذاری‌های جامع، عادلانه و جنسیت محور برای مدیریت معلمان و اجرای آن سیاست‌ها در حوزه‌های مختلف مرتبط با استخدام، آموزش، توزیع معلمان، میزان حقوق دریافتی، توسعه حرفه‌ای و ارتقای شرایط کاری آنان؛ ضمن بهینه‌سازی جایگاه معلمان و آموزش‌یاران و ارتقای کیفیت آموزش.
- آموزش مهارت‌های کافی فنی به معلمان، به منظور توانمندساختن آنان در کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی. آموزش سواد اطلاعاتی به آنان و مهارت‌های نقد و واکاوی منابع مورد استفاده برای تدریس و نیز نحوه برآوردن نیازهای کودکان استثنایی و رویارویی با چالش‌های ناشی از داشتن شاگردان استثنایی در کلاس درس.
- ایجاد و اجرای نظام‌های مؤثر برای دریافت و دسترسی به اطلاعات، به منظور حمایت از روش‌های مناسب تدریس و نیز توسعه حرفه‌ای معلمان و حصول اطمینان از تأثیرگذاری مثبت آموزش بر فعالیت معلمان.
- تقویت مدیران مدارس برای بهبود آموزش و یادگیری.
- ایجاد یا تقویت سازوکارهایی برای گفت وگوهای سازماندهی شده اجتماعی با معلمان و سازمان‌های نماینده معلمان، به منظور تضمین مشارکت کامل آنان در توسعه، اجرا، پایش و ارزیابی سیاست‌های آموزشی.

شاخص‌ها

-۷۵-

شاخص‌ها در چهار سطح، به شرح زیر پیشنهاد می‌شوند:

• **جهانی:** مجموعه کوچکی از شاخص‌های قابل قیاس جهانی در حوزه اهداف توسعه پایدار، از جمله هدف چهارم از این سری از اهداف که به موضوع آموزش می‌پردازد. این شاخص‌ها، از طریق فرایندی مشورتی که هدایت آن بر عهده کمیسیون آمار سازمان ملل متحد است، به منظور پایش پیشرفت در تحقق اهداف ویژه مرتبط با آن تهیه شده‌اند.

• **موضوعی:** مجموعه ای گسترده‌تر از شاخص‌های قابل قیاس جهانی، که توسط جامعه جهانی آموزش، پیشنهاد شده‌اند تا به کمک آن‌ها بتوانند روند پیشرفت در دستیابی به اهداف ویژه آموزش را به‌گونه‌ای جامع‌تر در کشورها ارزیابی کنند. این شاخص‌ها، در برگزیده شاخص‌های جهانی نیز هستند.

• **منطقه‌ای:** شاخص‌های تکمیلی که می‌توانند با هدف بررسی شرایط ویژه منطقه‌ای و اولویت‌های سیاسی در مورد مفاهیمی که از بُعد منطقه‌ای قیاس پذیری جهانی کمتری دارند، به کار روند.

• **ملی:** شاخص‌های انتخابی یا تهیه شده کشورها، در راستای شرایط و اولویت‌های ملی و همسو با نظام آموزشی، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنان.

-۷۶-

در ضمیمه شماره دو این سند، شاخص‌هایی آورده شده است، که توسط گروه مشاوره فنی، در پی یک سری مشاوره‌های گسترده عمومی تهیه شده‌اند. شاخص‌های یادشده، بر مبنای پنج معیار تهیه شده‌اند که عبارتند از: ارتباط موضوعی، همسویی با مفاهیم اهداف ویژه، امکان استفاده از آن‌ها برای گردآوری داده‌ها به شکل دائمی در سراسر کشورها (اما لزوماً نه به صورت سالیانه)، سهولت درک آن‌ها برای مخاطبان جهانی و در نهایت قابلیت تفسیر یا انعطاف پذیری آن‌ها. در بسیاری از کشورها، در ارتباط با برخی از اهداف ویژه، شاخص‌های قاطع و به‌عبارتی تغییرناپذیر تهیه شده و موجود است، اما برخی از اهداف ویژه هم هستند که برای تدوین شاخص‌های مرتبط با آن‌ها لازم است تلاش خاصی انجام شود. در برخی از کشورها نیز تدوین شاخص برای اهداف یادشده، نیازمند ظرفیت سازی برای گردآوری و استفاده از داده‌ها و اطلاعات آموزشی است. برای رفع شکاف میان سنجش میزان برابری و فراگیری آموزشی (که نیازمند تفکیک اطلاعات بر مبنای جمعیت و گروه‌های محروم است) و همچنین برای سنجش کیفیت و نتایج یادگیری، در سطوح ملی و جهانی به انجام تلاش‌های بیشتری نیاز است. این شاخص‌ها را می‌توان بر اساس ارتباط آن‌ها با شرایط، ظرفیت‌ها و میزان دسترسی کشورها به اطلاعات مورد نیاز شناسایی کرد.

روش‌های اجرا

۷۷-

اجرای آموزش ۲۰۳۰، نیازمند ایجاد سازوکارهای ملی، منطقه‌ای و جهانی در حوزه‌های راهبری، پاسخ‌گویی، هماهنگ‌سازی، پیگیری و بازبینی، گزارش‌دهی و ارزیابی است. علاوه بر ایجاد سازوکارهای یادشده، اجرای آموزش ۲۰۳۰، نیازمند تدوین راهبردهای توانمندساز از جمله: **راهبردهای مبتنی بر گسترش و تقویت مشارکت‌ها و تأمین منابع مالی است. هدف اصلی سازوکار اجرایی آموزش ۲۰۳۰، حمایت از اقدامات انجام شده و یا در دست انجام در سطح کشوری است.** این سازوکارها، به‌منظور تأثیرگذاری بیشتر، باید جامع و فراگیر، مشارکت محور و شفاف باشند و در ایجاد آن‌ها، تا حد امکان از سازوکارهای موجود بهره‌برداری خواهد شد.

راهبری، پاسخ‌گویی و مشارکت

۷۸-

بن مایه آموزش ۲۰۳۰، در درون کشورها قرار دارد. **دولت‌ها**، نقش مهمی در تحقق حق آموزش دارند؛ ضمن اینکه به عنوان متولیان مدیریت کارآمد، مؤثر و منصفانه آموزش عمومی و نیز تأمین‌کننده‌های مالی این نوع از آموزش، نقش مهمی بر عهده آن‌هاست. دولت‌ها باید بر فرایند آموزش، نظارت راهبردی داشته باشند و در حفظ و تقویت این نظارت بکوشند. آن‌ها می‌بایست در فرایند بومی‌سازی و اجرای اهداف اصلی و ویژه آموزش ۲۰۳۰، بر مبنای تجارب و اولویت‌های ملی دخیل باشند و با ذی‌نفعان و سایر همکاران اصلی در این روند، همکاری‌های شفاف و جامع داشته باشند. دولت در قانون‌مندسازی معیارها، ارتقای کیفیت و کاهش نابرابری میان مناطق مختلف جغرافیایی، جوامع و مدارس نقش کلیدی دارد. هر جا که امکان آن وجود داشته باشد، دولت‌ها می‌بایست برنامه‌ریزی آموزشی را در راهبردهای ملی مربوط به کاهش فقر، توسعه پایدار

۷۹-

و یافتن راه حل‌های بشردوستانه برای حل مشکلات ادغام کنند. در عین حال، لازم است تا دولت‌ها از همسو بودن سیاست‌گذاری‌های انجام شده با تعهدات قانونی خود برای رعایت حق آموزش، حفظ و تحقق این حق اطمینان حاصل نمایند.

انتظار می‌رود که فرایندهای تصمیم‌گیری، طی پانزده سال باقی‌مانده تا سال ۲۰۳۰ مردمی‌تر شوند؛ این بدان معنی است که خواسته‌ها و اولویت‌های شهروندان در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اجرای سیاست‌های وضع شده در همه سطوح مورد توجه قرار گیرد و انعکاس یابد. مشارکت‌های قوی و چندجانبه‌ای که باعث می‌شود همه فعالان مهم در حوزه آموزش به هم نزدیک‌تر شوند، - افرادی که مشارکت‌ها و اقدامات بالقوه آنان را در ادامه توضیح خواهیم داد - می‌تواند در برنامه‌ریزی، اجرا و پایش سیاست‌ها و آموزشی مرتبط

باید مسئولیت انتقال نتایج و شواهد یادشده، رهگیری پیشرفت حاصله، ارائه خدمات حمایتی مبتنی بر شواهد، نظارت مستمر بر هزینه‌های آموزشی و تضمین شفافیت در تأمین بودجه و راهبری آموزشی را بر عهده گیرند.

۸۱-

معلمان و آموزش‌یاران و سازمان‌های مرتبط با آنها، به خودی خود، از شرکای مهم در آموزش به حساب می‌آیند و می‌بایست در همه مراحل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و پایش آموزشی دخالت داده شوند. معلمان و نیروهای پشتیبانی آموزشی می‌توانند:

- از حرفه و تعهد خود برای تضمین یادگیری دانش آموزان استفاده کنند.
- واقعیت‌های کلاس درس را در تصمیم‌گیری‌ها برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های آموزشی، مطرح کنند و بدین ترتیب، شکاف میان سیاست‌گذاری و آنچه را که عملاً در فضاهای آموزشی اتفاق می‌افتد، از میان بردارند و به عنوان فعالان حوزه آموزش، از تجارب و دیدگاه‌های خود، در تدوین راهبردها و سیاست‌های آموزشی استفاده کنند.
- برای ترویج شمول و فراگیری آموزش، ترویج کیفیت و برابری در آموزش و بهبود روش‌های تدریس، مواد و متون آموزشی، اقدام کنند.

با آموزش ۲۰۳۰ مؤثر باشد. همکاری‌ها در همه سطوح باید بر مبنای اصول گفت‌وگوهای راهبردی مشارکت محور و جامع، پاسخ‌گویی متقابل، شفافیت و هم افزایی انجام شوند. مشارکت و همکاری باید با حضور خانواده‌ها و جوامع صورت‌پذیرد تا بتواند وسیله‌ای برای ارتقای شفافیت و تضمین راهبری و حاکمیت خوب از سوی مسئولان اجرایی در حوزه آموزش باشد. اعطای مسئولیت‌های بیشتر به مدارس می‌تواند به ارتقای سطح کارایی و ارائه هر چه بهتر خدمات آموزشی، کمک کند.

۸۰-

سازمان‌های جامعه مدنی:* عبارتند از: نهادهای نماینده مردم، ائتلاف‌ها و شبکه‌های گسترده که نقش‌های مهمی بر عهده دارند. لازم است تا این سازمان‌ها در همه مراحل، از برنامه‌ریزی گرفته تا پایش و ارزیابی، در همه امور مرتبط با آموزش دخالت داده شوند و مشارکت آن‌ها باید نهادینه و تضمین شود. از جمله فعالیت‌هایی را که نهادهای جامعه مدنی می‌توانند انجام دهند، به شرح زیر است

- ترویج مشارکت اجتماعی و افزایش آگاهی‌های عمومی و کمک به انعکاس دیدگاه‌ها و نیازهای شهروندان (به ویژه شهروندانی که مورد تبعیض قرار گرفته‌اند)، در سیاست‌گذاری‌های آموزشی مرتبط.
- توسعه و اتخاذ رویکردهای نوآورانه و تکمیلی، که به ترویج حق آموزش؛ به ویژه برای گروه‌هایی که بیش از سایرین از آموزش محروم مانده‌اند، کمک می‌کند.
- مستندسازی و به اشتراک گذاشتن نتایج و شواهد به دست آمده از اقدامات عملی، ارزیابی‌های به عمل آمده از شهروندان و فعالیت‌های پژوهشی برای استفاده در گفت‌وگوهای ساختاری مربوط به سیاست‌گذاری‌های آموزشی. در این روند، دولت‌ها

بخش خصوصی، سازمان‌های بشردوستانه و

نهادها، با استفاده از تجارب، رویکردهای نوآورانه، تخصص شغلی و منابع مالی خود می‌توانند در تقویت آموزش عمومی، نقش مهمی ایفا کنند. آن‌ها می‌توانند از طریق ترویج مشارکت ذی نفعان چندگانه، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های شفاف که با اولویت‌های ملی و محلی همسو هستند، و همچنین در سایه احترام به آموزش به عنوان حقی از حقوق بشر و نیز با پیشگیری از ترویج نابرابری در آموزش، به رشد آموزش و توسعه کمک کنند. علاوه بر آنچه که بیان شد، بخش خصوصی، سازمان‌های بشردوستانه و نهادها می‌توانند اقدامات مشروحه زیر را انجام دهند:

- بسیج منابع مالی مکمل یا اضافه برای آموزش عمومی، از طریق: پرداخت سهم قابل‌ملاحظه‌ای از مالیات‌های آموزشی و همچنین متمرکز کردن منابع مالی مکمل بر حوزه‌های اولویت دار در آموزش.
- کمک به برنامه ریزان آموزشی و نیز برنامه ریزان دوره‌های مهارت آموزی، برای درک بهتر روندها و نیازهای مهارتی بازار کار و در نتیجه، تسهیل فرایند انتقال از مدرسه به بازار کار و همچنین اتخاذ رویکردهای نوآورانه برای رویارویی با چالش‌های آموزش.
- افزایش فرصت‌های بهره‌مندی از آموزش فراگیر از طریق: ارائه خدمات مکمل و تلاش بیشتر برای دسترسی به اقشاری که بیش از سایرین از لحاظ دسترسی به آموزش در حاشیه مانده‌اند، در چارچوب معیارها و هنجارهای ملی مقرر شده از سوی دولت‌ها.

۸۳-

جامعه پژوهشی، به طور کلی می تواند در توسعه آموزشی و به طور خاص در گفت و گوها و تصمیم گیری های آموزشی، با عنایت به موارد مشروحه زیر نقش مهمی ایفا کند:

- پژوهشی مرتبط با سیاست گذاری های آموزشی تهیه کند. این پژوهش ها می توانند از نوع پژوهش های عملی باشند، که دسترسی به اهداف ویژه آموزشی را تسهیل می کنند و دستیابی به دانش در زمینه آموزش را برای سیاست گذاران امکان پذیر می سازند.

- با اجرای پژوهش های کمی و کیفی در زمینه آموزش، به توسعه ظرفیت های ملی و محلی به گونه ای پایدار اقدام کند.

- به تعیین خط مشی برای پیشرفت آموزشی، پیشنهاد روش ها و راه حل های مختلف برای رویارویی با چالش های آموزشی و نیز به شناسایی اقدامات بهینه، نوآورانه، قابل ارزیابی و قابل انتقال کمک کند.

۸۴-

جوانان، دانش آموزان و سازمان های مرتبط با آنان، به واسطه تخصص ویژه و منحصر به فردی که دارند، از شرکای مهم در تحقق اهداف آموزش هستند؛ ضمن اینکه از گروه های هدف* اصلی آموزش ۲۰۳۰ نیز به شمار می آیند. بنابراین، لازم است که این گروه در جایگاهی قرار گیرند که بتوانند نیازهای خود را برای یادگیری بهینه، به عنوان یادگیرندگانی فعال و مسئولیت پذیر، ابراز و اعلام کنند. در نتیجه، به منظور تضمین حضور و مشارکت فعال این گروه، لازم است که در همه امور مربوط به آموزش تلاش شود. آن ها قادرند:

- دولت ها و سایر شرکا را به تهیه آموزشی برای جوانان، تشویق کنند. این آموزشی، بر مبنای مشاوره هایی که با خود جوانان؛ به ویژه با جوانان آسیب پذیر و در حاشیه مانده انجام می شود، تهیه می شوند و هدف این کار، پاسخ گویی بهتر به نیازها و آمال و آرزوهای جوانان است.

- به تدوین سیاست هایی کمک کنند که ایجاد نظام های آموزشی مرتبط و پاسخ گو را امکان پذیر می سازد و ترویج می کند، ضمن اینکه انتقالی نرم و آسان را از فضای آموزش و پرورش به مشاغل شایسته، و نیز به سوی زندگی بزرگسالی ممکن می سازد.

- در گفت و گوهای بین نسلی مشارکت کنند و به این واسطه به رسمیت شناسی حق کودکان، نوجوانان و جوانان و به خصوص دختران و زنان جوان را به عنوان گفت و شنودگران*^۲ و دارندگان حق مشروع مشارکت و مداخله در سیاست گذاری و اقدامات آموزشی، در همه سطوح امکان پذیر سازند.

* Target groups

*^۲ Interlocutors

تحقق آموزش ۲۰۳۰، در سایه تلاشی جمعی امکان‌پذیر است. در این فرایند، لازم است که چارچوب‌های حقوقی ایجاد شوند و یا در صورت وجود، توسعه یابند. در جهت ترویج پاسخ‌گویی و شفافیت در کنار حاکمیت مشارکتی و ترویج همکاری‌های هماهنگ در همه سطوح و در میان بخش‌های مختلف لازم است سیاست‌هایی وضع شوند و یا در صورت موجود بودن، بهینه‌سازی شوند و از حق مشارکت همه ذی‌نفعان در مسائل مربوط به آموزش نیز حمایت شود. ضروری است که همه شرکای آموزشی به دیدگاه مشترک و بن مایه سند چارچوب عمل آموزش ۲۰۳۰ متعهد شوند و نسبت به آن مسئولیت‌پذیری داشته، و پاسخ‌گو باشند؛ بدین ترتیب که می‌بایست سازمان‌های چندملیتی در قبال کشورهای عضو خود، وزارت‌های آموزش و سایر وزارت‌خانه‌های مرتبط در برابر شهروندان، اهداکنندگان در قبال دولت‌های ملی و شهروندان، و معلمان و مدارس نیز در برابر جامعه آموزشی و در سطحی گسترده‌تر، در قبال شهروندان پاسخ‌گو باشند.

هماهنگی مؤثر

با وجود اینکه، اجرای هدف مربوط به آموزش توسعه پایدار و اهداف ویژه آموزشی مطروحه در ذیل سایر اهداف توسعه پایدار در سطح کشوری، در سایه هدایت و راهبری وزارت‌های آموزش ممکن است، اما اجرای کامل آن نیازمند اتخاذ یک «رویکرد کلی دولتی» به آموزش است. در سایه نقش آموزش در ایجاد جوامع دانش بنیان و در ریشه کنی نابرابری و نیز با توجه به تأکید مجدد بر یادگیری مادام‌العمر در دستورکار جدید آموزش، برای تحقق توسعه آموزشی و ادغام آموزش در چارچوب‌های گسترده‌تر توسعه اجتماعی-اقتصادی هنوز هم نیازمند راهبری، هماهنگی و هم‌افزایی قویتر در درون دولت‌ها هستیم. در صورتی به تغییر دست خواهیم یافت، که اقدامات صورت‌گرفته در قالب فعالیت‌های کشوری انجام شوند. با وجود این، دولت‌ها به تنهایی قادر نخواهند بود که اهداف بلندپروازانه آموزشی را تحقق بخشند. از این رو، دولت‌ها نیازمند حمایت همه ذی‌نفعان، از جمله فعالان غیردولتی هستند. دولت‌ها باید نسبت به ایجاد سازوکارهای

مناسب، و یا تقویت سازوکارهای موجود اقدام کنند. این سازوکارها، با این هدف تشکیل و تقویت می‌شوند که اصلی‌ترین منبع و مرجع اطلاعاتی برای فرایند منطقه‌ای و جهانی پایش آموزش-فرایندی که با حمایت سازمان ملل متحد انجام خواهد شد - باشند. علاوه بر سازوکارهای یادشده، دولت‌ها می‌بایست دستورالعمل‌هایی را برای زمینه‌سازی، پایش راندن و هماهنگ ساختن گفت‌وگو برای توسعه در سطوح مختلف و در میان بخش‌های مختلف تهیه کنند؛ که این امر در سایه دخیل کردن همه ذی‌نفعان در فرایند برنامه‌ریزی، اجرا و پایش راهبردها و سیاست‌گذاری‌های آموزشی امکان‌پذیر می‌شود. به علاوه، برای تضمین راهبری مناسب اقدامات، دولت‌ها باید هرگونه کمک خارجی دریافتی از نهادهای مرتبط و سایر آژانس‌های چندملیتی و دوجانبه را در فعالیت‌های خود ادغام و هماهنگ کنند.

در عین حال، تلاش‌های جمعی منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای نیز برای تلفیق و اجرای موفقیت آمیز آموزش ۲۰۳۰ در سطوح ملی و منطقه‌ای حیاتی هستند. به منظور هماهنگی و اجرای دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، همکاری‌های منطقه‌ای

بین‌المللی کار) و سازمان‌های بین دولتی و منطقه‌ای و اجتماعات منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای، در جهت یافتن راه حل‌های منسجم برای رویارویی با چالش‌های مشترک آموزشی مؤثر است. یونسکو از طریق دفاتر منطقه‌ای خود و در همکاری با تهیه‌کنندگان سند آموزش ۲۰۳۰، به اشتراک گذاشتن دانش، اقدامات بهینه و سیاست‌گذاری‌های مؤثر در مناطق مختلف را ترویج خواهد کرد. سامانه بین منطقه‌ای آموزش حقوق بشر نیز در این اقدام، با یونسکو همکاری می‌کند.

۸۹-

همانگی مؤثر و فراگیر منطقه‌ای، در سایه گردآوری و پایش داده‌ها، از جمله: بازبینی و بررسی داده‌های آموزشی توسط متخصصانی از کشورهای مختلف، یادگیری متقابل و به اشتراک گذاری اقدامات بهینه، گفت‌وگو و مشارکت با همه شرکای مربوطه، و نیز از طریق برگزاری نشست‌های رسمی و بلندپایه، تدوین راهبردهایی برای گفت‌وگوهای منطقه‌ای، اتخاذ رویکردهای حمایتی و بسیج منابع، ظرفیت سازی و اجرای پروژه‌های مشترک تحقق می‌یابد.

۹۰-

درحالی‌که دولت‌ها، مسئول مستقیم اجرای موفقیت آمیز، پیگیری و بازبینی دستورکار اهداف توسعه پایدار هستند، ایجاد همانگی برای اجرای «دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» در سطح جهان، مسئولیت ویژه سازمان ملل متحد است، که این کار را تحت نظارت دقیق و با راهنمایی کشورهای عضو خود انجام می‌دهد. سازمان ملل متحد که «تجهیزات و امکانات لازم را برای

و زیرمنطقه‌ای در سطحی وسیع تر از همکاری‌ها و سازوکارهای منطقه‌ای انجام خواهند شد. همکاری‌های یادشده، بر پایه مشارکت‌ها، چارچوب‌ها و سازوکارهای مؤثر و کارآمد موجود و نیز چارچوب‌ها و سازوکارهای جدید ایجاد شده برای تضمین پایش، هماهنگی و ترویج همکاری‌های قوی منطقه‌ای برای اجرای آموزش ۲۰۳۰ شکل می‌گیرند. این فرایند، در جایی که لازم باشد، ممکن است به ایجاد ابزارهای سنجش منطقه‌ای منجر شود. چارچوب‌ها و راهبردهای موجود و برنامه‌ریزی شده منطقه‌ای عبارتند از: دستورکار ۲۰۶۳ اتحادیه آفریقا*؛ آفریقایی که می‌خواهیم و راهبرد آموزش قاره ای برای آفریقا برای سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۵؛ راهبرد آموزشی سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی اتحادیه عربی*؛ راهبرد ۲۰۲۰ اروپای اتحادیه اروپا*؛ چارچوب تهیه شده توسط شورای اروپا با مضمون قابلیت‌های گفت‌وگوی بین فرهنگی و فرهنگ مبتنی بر مردم سالاری*؛ پروژه آموزشی منطقه‌ای برای آموزش در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب*، و سند چشم انداز ۲۰۲۵ انجمن اجتماعات ملل جنوب شرق آسیا*؛ نقش‌ها و فعالیت‌های ویژه سازوکارهای منطقه‌ای در سال ۲۰۱۶، بر مبنای نتایج کنفرانس‌های منطقه‌ای وزرا در زمینه آموزش پس-۲۰۱۵ قابل تعیین هستند.

۸۸-

همکاری میان تهیه‌کنندگان سند آموزش ۲۰۳۰، (یونسکو، برنامه عمران ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد، کمیساریای عالی ملل متحد در زمینه پناهندگان، صندوق کودکان ملل متحد «یونیسف»، نهاد زنان سازمان ملل متحد، بانک جهانی و سازمان

- * The African Union's Agenda 2063: The Africa We Want and the Continental Education Strategy for Africa 2025-2016
- * The Arab League Educational, Cultural and Scientific Organization education strategy
- * The European Union's Europe 2020 Strategy
- * The Council of Europe's framework on competences for democratic culture and intercultural dialogue
- * The Regional Education Project for Education in Latin America and the Caribbean
- * The Association of Southeast Asian Nations Community Vision 2025

انجام مسئولیت» خود، برای ترویج دستورکار جدید توسعه داراست، باید بتواند همکاری و مشارکت را در میان آژانس‌های مختلف خود ترویج کند، تا بدین طریق قادر باشد برای انجام فعالیت‌های هنجاری، معیار گذاری و اقدامات عملی، پیوند منسجمی را برقرار نماید.

۹۱-

سازمان‌های همکار در تهیه سند آموزش ۲۰۳۰؛ به ویژه یونسکو و سایر شرکا، از جمله GPE* که در نقش یک سامانه تأمین مالی ذی نفعان چندگانه عمل می‌کند، در اجرای سند آموزش ۲۰۳۰، به شکل انفرادی یا جمعی از کشورها حمایت می‌کنند. حمایت سازمان‌های یادشده در چارچوب رسالت‌های آنان و مزایای تطبیقی و در قالب ارائه مشاوره‌های فنی، توسعه ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای و حمایت مالی و همچنین حمایت برای پایش فعالیت‌های انجام شده در راستای تحقق آموزش ۲۰۳۰ ارائه خواهد شد. این اقدامات حمایتی، در واقع مکمل فعالیت‌های انجام شده توسط کشورها در اجرای آموزش ۲۰۳۰ هستند.

۹۲-

یونسکو، به عنوان نهاد تخصصی سازمان ملل متحد در حوزه آموزش، نقشی را که به واسطه رسالتش برای راهبری و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های انجام شده جهانی برای تحقق آموزش ۲۰۳۰ به آن محول شده است، ادامه می‌دهد. اقدامات یونسکو از طریق روش‌های زیر انجام می‌شود:

- نقش حمایتی برای حفظ تعهد سیاسی (به منظور اجرای آموزش ۲۰۳۰).

- توسعه ظرفیت‌ها.

- تسهیل گفت‌وگو برای سیاست‌گذاری، به اشتراک گذاری دانش و معیار سازی و ارائه مشاوره در زمینه سیاست‌گذاری.

- ترویج همکاری‌های جنوب - جنوب و همکاری‌های مثلثی*۲

- پایش میزان تحقق اهداف آموزش؛ به ویژه از طریق: فعالیت‌های مرکز آمار یونسکو*۳ و گزارش پایش جهانی آموزش*۴

- هدایت ذی نفعان ملی، منطقه‌ای و جهانی برای کمک به اجرای دستورکار آموزش ۲۰۳۰.

- ایفای نقش رابط جهانی آموزش، برای ایجاد هماهنگی در اجرای چارچوب کلی سند ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار

- تمام بخش‌های یونسکو، از جمله: دفاتر منطقه‌ای، نهادها، شبکه‌ها و سامانه‌های مرتبط با آن، برای اجرای سند آموزش ۲۰۳۰ تلاش خواهند کرد.

۹۳-

سازوکار جهانی هماهنگی در زمینه آموزش ۲۰۳۰ که در چارچوب گسترده‌تر دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ نیز فعال است، متشکل از ساختارها و فرایندهای مرتبط شامل: کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰، نشست‌های جهانی آموزش*۵؛ نشست‌های منطقه‌ای و مشاوره‌های جمعی سازمان‌های غیر دولتی در زمینه آموزش برای همه*۶

* توضیح مترجم: با توجه به اینکه این علامت اختصاری در متن انگلیسی هم دقیقاً به همین شکل به کار رفته و نام کامل آن در متن نوشته نشده است، لذا به پیروی از متن انگلیسی، به همان شکل قید شده است. البته از آنجا که متن در مورد آموزش است، به نظر می‌رسد GPE مخفف Global Partnership for Education باشد.

*۲ Triangular cooperation

*۳ UNESCO Institute for Statistics (UIS)

*۴ Global Education Monitoring report (GEM)

*۵ Global Education Meetings (GEMs)

*۶ Collective Consultation of NGOs on Education for All (CCNGO)

است. سازوکار هماهنگی یادشده، در جریان نشست‌های جهانی آموزش بازبینی و در صورت نیاز، اصلاح خواهد شد.

۹۴-

به منظور تضمین هماهنگی‌های قوی بین‌المللی، یونسکو یک کمیته راهبری ذی نفعان چندگانه برای آموزش ۲۰۳۰ با عنوان اختصاری (کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰)* ایجاد می‌کند، که این کمیته در چارچوب دستورکار گسترده‌تر ۲۰۳۰ نیز فعالیت خواهد کرد. کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰، از کشورهای عضو و شرکای آن‌ها در اجرا و تحقق آموزش ۲۰۳۰ حمایت می‌کند. در این راستا، کمیته یادشده علاوه بر سایر فعالیت‌ها، کشورهای عضو را از طریق راهنمایی‌های راهبردی، بررسی میزان پیشرفت‌های حاصله در تحقق اهداف آموزش بر مبنای گزارش پایش جهانی آموزش، ارائه توصیه به جامعه جهانی آموزش در ارتباط با اولویت‌های اصلی و اقدامات تسهیل‌کننده تحقق دستورکار جدید، پایش نحوه تأمین بودجه و حمایت از روش‌های مناسب تأمین هزینه‌های آموزشی و همچنین از طریق هماهنگ سازی فعالیت‌های مشابه و موازی، یاری و حمایت می‌کند. کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰، حداقل یک بار در سال برگزار خواهد شد. اعضای این کمیته به شرح زیر هستند:

- کشورهای عضو یونسکو، اکثریت اعضای کمیته را شامل می‌شوند. به ازای هر یک از مناطق ششگانه جغرافیایی یونسکو^{۲*}، سه کشور عضو و یک کشور هم به نمایندگی از نه کشور واقع در اتحادیه اروپا، به شکل گردشی در کمیته عضویت می‌یابند.

- یونسکو، یونیسف و بانک جهانی نیز هر کدام به طور دائم در این کمیته عضویت دارند و یک نماینده هم از میان سازمان‌های دیگر همکار (برنامه عمران ملل متحد، کمیساریای عالی ملل متحد در زمینه پناهندگان، صندوق جمعیت ملل متحد، نهاد زنان سازمان ملل متحد) هر کدام به شکل گردشی به عضویت کمیته در می‌آیند.
- یک نماینده از برنامه مشارکت جهانی برای آموزش (GPE)
- دو نماینده از سازمان‌های غیردولتی، به شکل گردشی
- یک نماینده از سازمان‌های وابسته به معلمان
- یک نماینده از سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^{۳*} به واسطه جایگاه این سازمان به عنوان یکی از سازمان‌های همکار در اجرای آموزش ۲۰۳۰ و نیز نقش آن در تنظیم برنامه کمک‌های جهانی، در قالب کمک‌های رسمی برای توسعه^{۴*}
- یک نماینده از سازمان‌های منطقه‌ای واقع در هر یک از مناطق ششگانه یونسکو. تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام سازمان از هر منطقه به عضویت کمیته در می‌آید، بر عهده هر یک از مناطق یادشده است. این عضویت به شکل گردشی انجام می‌شود. نماینده منطقه آمریکای لاتین و کارائیب، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی کشورهای ایبرو - آمریکن^{۵*} خواهد بود.

* Education 2030 SC

* ۲ توضیح مترجم: تقسیم‌بندی مناطق جغرافیایی: آفریقا، کشورهای عربی، آسیا و اقیانوسیه، اروپا و آمریکای شمالی، و آمریکای لاتین و منطقه کارائیب

* ۳ OECD

* ۴ Official Development Assistance (ODA)

* ۵ The Organization of Ibero-American States for Education, Science and Culture

-۹۶

یونسکو بر مبنای تجارب گذشته و با توجه به آرمان‌های پرشرح و تفصیل دستورکار جدید، با سازمان‌های غیردولتی تخصصی و جامعه مدنی و همچنین با نهاد مشاوره‌های جمعی سازمان‌های غیر دولتی در زمینه آموزش برای همه*، که بخش مهمی از سازوکار هماهنگی جهانی هستند، به تسهیل گفت‌وگو، انعکاس نتایج و تولید فکر و ترویج مشارکت ادامه می‌دهد.

پایش، پیگیری و بازبینی به منظور سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شواهد

-۹۷

برای تحقق آموزش ۲۰۳۰، اقدامات پیگیری و بازبینی مبتنی بر پایش و گزارش‌دهی مستمر و سیاست‌ها، نظام‌ها و ابزارهای دقیق ارزیابی ضرورت دارند. پایش کیفیت در آموزش، به اتخاذ رویکردی چندبُعدی در زمینه طراحی نظام آموزشی، همچنین داده‌ها، محتوا، فرایندها و نتایج آموزشی نیازمند است. از آنجا که مسئولیت اصلی این پایش بر عهده دولت‌هاست، بنابراین کشورها باید در زمینه ایجاد سازوکارهای مؤثر برای پایش و پاسخ‌گویی اقدام کنند. این سازوکارها، باید با اولویت‌های ملی کشورها همسو و سازگار باشند و می‌بایست در مشاوره با جامعه مدنی ایجاد شوند. به علاوه، طراحی آن‌ها باید به گونه‌ای باشد که در مورد نوع و چگونگی سنجش معیارهای کیفی و نتایج یادگیری مورد نیاز در طول عمر هر فرد - از

اعضاء، به وسیله حوزه‌های انتخاباتی خاص خود تعیین می‌شوند و هر یک، نماینده حوزه انتخاباتی خود هستند و باید در قبال آن پاسخ‌گو باشند. انتخابات گردشی، هر دو سال یک بار انجام می‌شود. علاوه بر اعضای یادشده، یک گروه گردشی از اعضای وابسته نیز ایجاد خواهد شد، تا تعادل منطقه‌ای در کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰ حفظ شود. گروه گردشی یادشده متشکل از: نمایندگانی از بخش خصوصی، نهادها و سازمان‌های دانش آموزی و دانشجویی خواهد بود. اعضای وابسته، به دعوت کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰ در نشست‌های کمیته به عنوان ناظر شرکت خواهند کرد. کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰ همچنین می‌تواند به منظور ارائه نظرات فنی و یا استفاده بهینه از ایده‌های اعضای کمیته، در خصوص تشکیل کارگروه‌های ویژه موضوعی با دوره فعالیت محدود، اقدام کند. محل استقرار دبیرخانه کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰، در مقر یونسکو خواهد بود.

-۹۵

نشست‌های دوره‌ای جهانی در زمینه آموزش، در راستای برنامه نشست مجمع عالی رتبه سیاست‌گذاری در زمینه توسعه پایدار، توسط یونسکو و در مشاوره با کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰، به منظور بررسی پیشرفت‌های حاصله در اجرای دستورکار آموزش ۲۰۳۰ و نیز به اشتراک گذاری نتایج به دست آمده با سازوکارهای بررسی و پیگیری جهانی اهداف توسعه پایدار، برگزار میشوند. همه کشورهای عضو و سایر ذی نفعانی که عضو سازوکار هماهنگی هستند، در نشست‌های جهانی آموزش شرکت می‌کنند. به علاوه، در حاشیه کنفرانس عمومی یونسکو نیز یک نشست عالی رتبه برگزار خواهد شد. نشست‌هایی نیز در سطح منطقه‌ای برای پیگیری نشست فوق‌الذکر برگزار می‌شوند که برنامه و زمان بندی آن‌ها در جریان یک سری مشاوره‌های منطقه‌ای با کشورهای عضو و سایر ذی نفعان، تعیین خواهد شد.

دانش است. بر اساس توصیه دبیر کل سازمان ملل متحد، برای ایجاد هماهنگی میان گزارشات ارائه شده در زمینه اهداف توسعه پایدار با گزارشات ارائه شده به نهادهای مختلف حقوق بشری در زمینه آموزش، باید تلاش‌های بیشتری به عمل آید. این گزارشات رسمی ملی، که غالباً بیانگر مشارکتهای جامعه مدنی نیز هستند، دیدگاه‌های مهمی را در ارتباط با وضعیت حق افراد در بهره‌مندی از آموزش در کشورهای مختلف بیان می‌کنند.

۱۰۰-

با آگاهی از اهمیت ایجاد هماهنگی میان فرایندهای پایش و گزارش‌دهی، مؤسسه آمار یونسکو همچنان به عنوان منبع رسمی گردآوری و ارائه داده‌ها و اطلاعات تطبیقی بین کشوری در زمینه آموزش باقی می‌ماند. این مؤسسه، بر مبنای پژوهش‌های پیمایشی سالیانه خود در زمینه آموزش، و نیز سایر منابع اطلاعاتی که متضمن فعالیت‌های تطبیقی بین‌المللی در میان بیش از ۲۰۰ کشور و قلمرو جهانی هستند، همچنان به تولید شاخص‌های بین‌المللی برای پایش فعالیت‌های آموزشی در جهان ادامه می‌دهد. مؤسسه آمار یونسکو، علاوه بر گردآوری داده‌ها، به همراه شرکای خود برای تدوین شاخص‌ها، رویکردهای آماری و ابزارهای پایش آموزشی جدید نیز فعالیت خواهد کرد. هدف از انجام این کار، ارزیابی بهتر میزان پیشرفت در دستیابی به اهداف ویژه آموزشی تعریف شده در چارچوب رسالت‌های یونسکو است. در این راستا، مؤسسه آمار یونسکو با کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰، همکاری خواهد کرد و هماهنگ خواهد بود.

۱۰۱-

از این پس، گزارش جهانی پایش آموزش برای همه در قالب گزارش جهانی پایش آموزش ادامه خواهد یافت. این گزارش توسط یک گروه مستقل تهیه، و به وسیله یونسکو چاپ خواهد شد. مسئول گروه تهیه این گزارش، توسط مدیرکل یونسکو تعیین می‌شود.

اوان کودکی گرفته تا مهارت‌های مورد نیاز در دوران بزرگسالی- قادر به یافتن راه حل‌ها و کسب اجماع جهانی باشند. علاوه بر مواردی که بیان شد، کشورها باید برای بهبود کیفیت گزارش‌دهی و نیز ارائه به موقع گزارشات خود، تلاش کنند. دسترسی به داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز باید برای همه امکان‌پذیر باشد. داده‌های ملی، اطلاعات و نتایج آموزشی باید به طور آزادانه برای همه قابل دسترس باشند. داده‌های ملی، اطلاعات و نتایج به دست آمده از سازوکارهای موجود گزارش‌دهی به همراه منابع اطلاعاتی جدیدی که بنا بر ضرورت ایجاد می‌شوند، در بازبینی‌های منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۹۸-

به منظور ارزیابی و پایش بهتر کیفیت و عدالت و برابری در آموزش، دولت‌ها باید در زمینه ارتقای ظرفیت‌ها برای استخراج مناسب داده‌ها و استفاده مؤثر از آن‌ها در امور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی اقدام کنند. شرکای آموزشی در همکاری نزدیک با مؤسسه آمار یونسکو و بنابر ضرورت، در همکاری با سایر مؤسسات مرتبط، از کشورهای عضو به صورت مستقیم و هدفمند برای تقویت ظرفیت‌های سنجش و پایش آموزشی حمایت می‌کنند. مؤسسه آمار یونسکو، با هدف تقویت سامانه‌های اطلاعاتی کشوری، به ویژه برای کشورهای آفریقایی، کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، کشورهای کوچک جزیره‌ای در حال توسعه و کشورهای دارای درآمد متوسط، تسهیل و به اشتراک گذاری اقدامات بهینه را ممکن می‌سازد. به منظور افزودن چارچوب‌های کیفی در برنامه‌ریزی‌های ملی آموزشی و نیز ارتقای ظرفیت‌های کشورها در حوزه پایش برابری و فراگیری در آموزش و نتایج آموزشی، باید تلاش‌های بیشتری انجام شود.

۹۹-

پایش جهانی آموزش، مکمل تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تقویت ارزیابی آموزشی و مدیریت

در ترکیب هیئت مشاوران گزارش یاد شده، به رعایت تعادل در عضویت نماینده‌ها از مناطق مختلف جغرافیایی یونسکو توجه می‌شود. گزارش جهانی پایش آموزش، سازوکار پایش و گزارش‌دهی در مورد هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار و اهداف آموزشی ذکر شده در ذیل سایر اهداف توسعه پایدار خواهد بود. در این راستا، سازوکار جهانی که قرار است به منظور پایش و بررسی نحوه اجرای دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ایجاد شود نیز مورد توجه ویژه قرار خواهد گرفت. علاوه بر موارد یادشده، گزارش جهانی پایش آموزش، در مورد راهبردهای ملی و بین‌المللی اتخاذ شده برای ارزیابی میزان متعهد ماندن همه شرکا به تحقق آموزش ۲۰۳۰، در چارچوب کلی پیگیری و بررسی اجرای اهداف توسعه پایدار، گزارش می‌دهد.

۱۰۲-

تقویت هر چه بیشتر گردآوری، ارزیابی و استفاده از اطلاعات از طریق: ترغیب یک «انقلاب اطلاعاتی»، بر مبنای توصیه‌های گروه مشاوره مستقل کارشناسی

۱۰۳-

به علاوه، به منظور کسب آموزه‌هایی از سیاست‌ها و راهبردهای اجرا شده و استفاده مجدد و عملی از آن‌ها، به امر فرهنگ‌سازی در حوزه‌های پژوهش و ارزیابی در سطوح ملی و بین‌المللی نیازمند هستیم. در سطح ملی، کشورها باید اثر بخشی سیاست‌های آموزشی خود را بر اساس دستیابی به اهداف ویژه آموزش ۲۰۳۰ ارزیابی کنند. بدین منظور، می‌بایست از دستاورد پایش نتایج آموزشی و یافته‌های پژوهشی برای تضمین تصمیم‌گیری‌های مؤثر مبتنی بر شواهد و برنامه‌ریزی‌های آموزشی نتیجه محور استفاده نمایند. فرایند ارزیابی، با در نظر گرفتن همه اجزای یک نظام آموزشی انجام می‌شود و هدف آن، به اشتراک گذاشتن آموزه‌ها، فراهم آوردن امکان گفت‌وگو در مورد فعالیت‌های نتیجه بخش و ارائه نظرات سازنده است. اصول مهم در رویکرد ارزیابی عبارت‌اند از: محوریت موضوع کیفیت تدریس و یادگیری؛ اهمیت نقش راهبری مدارس؛ همه شمولی و برابری در آموزش به عنوان دو بُعد مهم آموزش؛ شفافیت؛ و حضور و مشارکت شرکا در همه سطوح آموزشی. به طور کلی، فعالیت‌های ارزیابی باید به تحقق پاسخگویی و تحقق اهداف توسعه منجر شوند. علاوه بر این‌ها، در سطح جهانی، آژانس‌های مشارکت کننده در اجرای آموزش ۲۰۳۰ می‌بایست به ارزیابی میزان اثربخشی سازوکارهای هماهنگی خود و نیز میزان حمایت برنامه‌هایشان از کشورها در اجرای آموزش ۲۰۳۰، متعهد گردند.

۱۶ توصیه‌های مهم گروه مشورتی عبارتند از: (۱) دستیابی به اجماعی جهانی در مورد اصول و معیارها (۲) به اشتراک‌گذاری فناوری و نوآوری به نفع همه (۳) تأمین منابع جدید برای ارتقای ظرفیت‌ها (۴) راهبری برای دستیابی به هماهنگی و بسیج (منابع و نیروها) و (۵) دستیابی به موفقیت‌های سریع در دسترسی به اطلاعات مفید برای تحقق اهداف توسعه پایدار

دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص انقلاب اطلاعاتی برای توسعه پایدار^{۱۶}. برای مقابله با شکافهای موجود اطلاعاتی، لازم است تا میان ارگان‌های مختلف هماهنگی ایجاد شود. این هماهنگی، در سایه تقویت گروه‌های بین سازمانی موجود و یا ایجاد گروه‌های جدید بین سازمانی امکان‌پذیر است. هدف از انجام این کار، تدوین روش‌های هماهنگ برای ارزیابی‌های مشترک بر مبنای اطلاعات در دسترس؛ در عین ایجاد منابع جدید برای استفاده از داده‌های تطبیقی است. کشورها و سازمان‌های مرتبط آموزشی می‌بایست درخصوص تقویت و هنجارسازی داده‌ها و اطلاعات مربوط به منابع ملی تأمین بودجه آموزشی و سایر منابع تأمین بودجه برای آموزش، از جمله مشارکت‌های انجام شده از سوی خانواده‌ها اقدام کنند. علاوه بر این، کشورها و نهادهای مرتبط آموزشی می‌بایست در سازوکارهای پیشنهادی مرتبط با توسعه معیارهای آموزشی، ارتقای ظرفیت‌ها، گردآوری اطلاعات مورد نیاز و به اشتراک گذاری داده‌ها مشارکت نمایند.

تأمین بودجه

۱۰۴-

اجلاس سران اسلو در زمینه آموزش (جولای ۲۰۱۵) و سومین نشست بین‌المللی تأمین بودجه برای توسعه (آدیس آبابا، جولای ۲۰۱۵)، تأکید کردند که برای تحقق هدف چهارم از اهداف توسعه پایدار، ضرورت دارد بودجه تخصیصی به آموزش، به شکل قابل توجه‌ای افزایش یابد. تحقق کامل دستورکار آموزش ۲۰۳۰، نیازمند تأمین بودجه آموزشی به گونه‌ای هدفمند، نوآورانه و پایدار و همچنین برنامه‌ریزی‌های مؤثر اجرایی؛ به‌ویژه در کشورهایی است که هنوز به آموزش باکیفیت برای همه در تمامی سطوح و در شرایط اضطراری دست نیافته‌اند. با عنایت به چالش‌های پیش‌رو در زمینه تأمین بودجه و منابع مالی، در اجلاس سران اسلو بر استقرار کمیسیونی عالی رتبه در زمینه تأمین مالی فرصت‌های جهانی برای آموزش تأکید شد. هدف از تشکیل این کمیسیون، برداشته شدن گام‌های مؤثری در تقویت و تحکیم سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و نیز مقابله با کمبود بودجه آموزشی - مشکلی که اکنون جامعه جهانی با آن روبه‌رو است - بود. تلاش برای کاهش شکاف مالی موجود می‌بایست با افزایش تأمین بودجه در سطح ملی آغاز شود؛ در عین حال، بودجه عمومی بین‌المللی در تقویت تلاش کشورها برای بسیج منابع مالی داخلی نقش مهمی دارد. این امر به‌خصوص برای فقیرترین و آسیب‌پذیرترین کشورها، که از نظر منابع مالی داخلی محدودیت دارند، بیش از همه دارای اهمیت است. علاوه بر موارد یادشده، به منظور تحقق آموزش ۲۰۳۰، اتخاذ رویکردهای جایگزین و نوآورانه تأمین بودجه نیز ضرورت دارد.

۱۰۵-

دستورکار اقدام آدیس آبابا، کشورها را به تعریف اهداف ملی مناسب در زمینه هزینه‌های آموزشی ترغیب می‌کند. واقعیت‌ها و شرایط ملی متفاوت هستند، اما معیارهای منطقه‌ای و بین‌المللی که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت، مراجع بسیار مهمی به شرح زیر می‌باشند:

- تخصیص حداقل ۴ تا ۶ درصد از تولید ناخالص ملی به آموزش، و یا؛
- اختصاص حداقل ۱۵ تا ۲۰ درصد از هزینه‌های عمومی به آموزش

در بیانیه اینچئون، بر رعایت معیارهای یادشده و ضرورت افزایش هزینه‌های عمومی در زمینه آموزش در راستای واقعیت‌ها و شرایط ملی کشورها تأکید شد. در سال ۲۰۱۲، کشورها به طور متوسط ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۱۳/۷ درصد از هزینه‌های عمومی خود را به آموزش اختصاص دادند. به منظور تحقق اهداف ویژه تعیین شده در آموزش ۲۰۳۰، کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی می‌بایست به بالاترین سطح معیارهای تعیین شده دست یابند. تحلیلی که در مورد هزینه دستیابی به آموزش جهانی پیش از دبستان، ابتدایی و راهنمایی تا سال ۲۰۳۰ در کشورهای دارای درآمد کم و متوسط انجام شده است نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ ضمن اینکه بر ضرورت افزایش بودجه آموزش از ۱۴۹ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۱۲ به ۳۴۰ میلیارد دلار آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۳۰ نیز صحنه می‌گذارد. افزایش هزینه کرد آموزشی به روش‌های مشروحه زیر امکان‌پذیر است:

۱۰۶-

افزایش بودجه ملی آموزش: از آنجا که منابع ملی مهم‌ترین منبع تأمین بودجه آموزشی به شمار می‌آیند، به منظور تحقق تدریجی حق آموزش، لازم است دولت‌ها بودجه آموزش را به شکلی عادلانه و متناسب با

اولویت‌ها، نیازها و ظرفیت‌های ملی آموزشی خود تأمین کنند. در این راستا، کشورها می‌بایست:

• بودجه عمومی تخصیص یافته به آموزش را

افزایش دهند: لازمه این کار، افزایش مبنای مالیاتی (به ویژه از طریق ازمیان برداشتن مشوق‌های مضر مالیاتی)، ممانعت از فرار مالیاتی و افزایش سهم بودجه ملی اختصاص یافته به آموزش است.

• در اولویت قرار دادن افراد نیازمند: با توجه به اینکه کودکان، جوانان، بزرگسالان، زنان و دختران محروم و افراد ساکن نواحی جنگ‌زده، علی‌القاعده بیشترین نیازهای آموزشی را دارند، بنابراین بیشترین بودجه آموزشی می‌بایست به آنان تعلق گیرد. بودجه تأمین شده باید با در نظر گرفتن نیازهای این اقشار و بر مبنای شواهد به دست آمده از راه‌کارهایی که در عمل قابل استفاده هستند، تعیین شود.

• افزایش کارآیی و مسئولیت‌پذیری: بهبود

حاکمیت آموزشی و مسئولیت‌پذیری می‌تواند به افزایش کارآمدی و استفاده مؤثر از منابع موجود، و همچنین تأمین بودجه کلاس‌های درس کمک کند.

-۱۰۷

افزایش و ارتقای تأمین بودجه از (منابع) خارجی:

جامعه جهانی در سال ۲۰۰۰ تأکید کرد که هیچ یک از کشورهای متعهد به تحقق آموزش برای همه، در راه دستیابی به این هدف با مشکل کمبود یا نبود منابع روبه رو نخواهند شد. کمبود منابع مالی نباید فرصت‌های آموزشی میلیاردی نفری را که نیازمند بهره‌مندی از آموزش باکیفیت هستند، به مخاطره اندازد. این تعهد در سند دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰، حتی مهم‌تر هم جلوه می‌نماید. مبلغ کل شکاف مالی موجود میان منابع مالی ملی (داخلی) و منابع مالی مورد نیاز برای تحقق اهداف جدید ویژه آموزشی در

کشورهای دارای درآمد پایین و متوسط، به طور سالیانه در حدود ۳۹ میلیارد دلار آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ تخمین زده شده است. این شکاف، در کشورهای کم درآمد بسیار بزرگ است؛ زیرا شکاف یادشده در این کشورها ۴۲ درصد از کل هزینه‌های سالیانه کشور را شامل می‌شود. مهم‌ترین مصرفی که منابع مالی خارجی از جمله کمک‌های رسمی برای توسعه دارند، تسهیل بسیج منابع مالی اضافی از سایر محل‌ها، از جمله از محل منابع خصوصی و دولتی است. بنابراین، اگر قرار باشد که اهداف ویژه آموزشی تحقق یابد، کمک‌های مالی همچنان به عنوان منبع مهمی برای تأمین هزینه‌های آموزشی طی ۱۵ سال آینده باقی خواهند ماند. مشارکت قابل ملاحظه کشورهای دارای درآمد متوسط در این راستا، تکمیل کننده فعالیت‌های تأمین مالی آموزش خواهد بود. از این رو مسئولیت شرکای آموزشی به شرح زیر می‌باشد:

• معکوس سازی روند کاهش کمک‌های مالی برای

آموزش: کاهش کمک‌های مالی آموزشی، که در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم باید جبران شود. لازم است کشورها هر تعهدی را مبنی بر پرداخت کمک‌های رسمی برای توسعه انجام دهند، که از آن جمله می‌توان به تعهد بسیاری از کشورهای توسعه یافته برای اختصاص ۷ درصد از درآمد ناخالص داخلی خود به ارائه کمک‌های رسمی برای توسعه به کشورهای در حال توسعه و اختصاص ۱۵ تا ۲ درصد از درآمد ناخالص داخلی خود به کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی اشاره کرد. علاوه بر این‌ها، حمایت مالی از کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی باید افزایش یابد. به علاوه، برای افزایش کمک‌های مالی برای آموزش باید نهضتی ایجاد شود و در این راستا، اولویت‌ها و نیازهای کشورها می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. میزان کمک‌های مالی برای آموزش می‌بایست قابل پیش بینی باشند.

آموزشی مورد نیاز تدوین کنند، که این راهبردها باید با همکاری کشورهای دریافت کننده کمک‌ها تدوین شوند.

• ترویج همکاری‌های جنوب - جنوب و

همکاری‌های مثلثی: همکاری‌های جنوب - جنوب از عوامل مهم دیگری در همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه محسوب می‌شوند. این نوع از همکاری‌ها، در واقع تکمیل‌کننده همکاری‌های شمال - جنوب هستند، نه جایگزین آن‌ها. با توجه به اهمیت رو به افزایش، تاریخچه و جزئیات متفاوت این نوع از همکاری‌ها، مشارکت‌های جنوب - جنوب را باید نوعی از مشارکت دانست که بیانگر وحدت و یکپارچگی میان مردم و کشورهای جنوبی جهان است که بر مبنای تجارب و اهداف مشترک آن‌ها شکل می‌گیرد. به منظور تأمین منابع مالی برای آموزش و به کار گرفتن تجارب و تخصص مرتبط در امر همکاری‌های انجام شده برای توسعه، مشارکت‌های مثلثی باید تقویت شوند. علاوه بر این، تأسیس بانک توسعه بریکس^{۳*} توسط کشورهای برزیل، چین، هند، فدراسیون روسیه و آفریقای جنوبی می‌تواند در ایجاد منابع جدید برای تأمین هزینه‌های آموزش و معکوس سازی کمک‌های رو به کاهش در آموزش، مفید و مؤثر واقع شود.

• افزایش میزان کمک‌های مالی در نظر گرفته

شده برای آموزش در شرایط بحران و جنگ:

در غیاب دسترسی کامل به کودکان، جوانان و بزرگسالانی که در شرایط آسیب‌پذیر قرار دارند و همچنین در صورت عدم دسترسی به افراد جنگ‌زده و کسانی که در معرض بلایای طبیعی بوده اند،

• **بهینه‌سازی تأثیرگذاری کمک‌های آموزشی از طریق ایجاد هماهنگی میان کشورها و نهادهای اهدا کننده:** اهدا کنندگان، کشورهای دارای درآمد متوسط و سایر شرکا می‌بایست با توجه به اولویت‌ها و نیازهای کشورها، از تأمین هزینه‌ها برای تحقق همه اهداف ویژه آموزش ۲۰۳۰ حمایت کنند و در این راستا، باید برای ارتقای منابع مالی داخلی و نیز کمک‌های خارجی، برای تحقق دستورکار مشترک جهانی آموزش ۲۰۳۰ تلاش نمایند. اهداکنندگان باید برای همسوسازی همکاری‌های انجام شده در زمینه توسعه با راهکارهای تعریف شده در جهت اثربخشی کمک‌های ارائه شده تلاش کنند، تا بدینوسیله از هماهنگی هر چه بیشتر این کمک‌ها و تقویت حس مالکیت کشورها و پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری آن‌ها در قبال شهروندان خود مطمئن شوند.

• رعایت بیشتر عدالت در ارائه کمک‌های مالی

خارجی: منابع مالی خارجی باید بیشتر به حمایت از زیربخش‌های^{۴*} نادیده گرفته شده و کشورهای کم درآمد و همچنین به اقشار آسیب‌پذیر و محروم در کشورهای دارای درآمد متوسط تعلق گیرد. در عین حال، لازم است که روند کاهش جریان کمک‌های رسمی برای توسعه به کشورهای دارای درآمد کمتر از متوسط نیز معکوس سازی شود. میزان اختصاص کمک‌های رسمی نباید تنها بر مبنای میزان سرانه درآمد تعیین گردد. در این راستا، لازم است تا به کشورهای آسیب‌پذیر؛ به ویژه کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه توجه بیشتری شود. اهداکنندگان چندجانبه و دوجانبه^{۵*} باید راهبردهایی را برای تعیین نوع، کانال و نحوه ارائه کمک‌های

* subsectors

* توضیح مترجم: اهدا کنندگان چند جانبه، ارگان‌هایی هستند که کمک مالی را از چند منبع تأمین می‌کنند و اهدا کننده دوجانبه، ارگانی است که انتقال کمک مالی را از یک دولت به دولت دیگر امکان‌پذیر می‌سازد.

فنی - حرفه ای و آموزش عالی نیز با هدف تضمین دسترسی برابر زنان و دختران و ترغیب مشارکت و حضورشان در حوزه‌های یادشده، تقویت شود. به علاوه، تعداد بورس‌های اعطا شده به دانشجویان در کشورهای در حال توسعه برای ثبت نام در دوره‌های آموزش عالی نیز افزایش داده شود. تأمین هزینه‌ها برای تهیه سوادآموزی برای جوانان و بزرگسالان و همچنین ارتقای فرصت‌های یادگیری، آموزش و پرورش بزرگسالان در چشم انداز یادگیری مادام‌العمر نیز به اندازه موارد فوق الذکر اهمیت دارد. پس از شناسایی نیازهای موجود در زمینه همه اهداف ویژه آموزشی، می‌بایست گزینه‌های دیگری را نیز برای تأمین هماهنگ منابع مالی آموزش جست‌وجو و پیشنهاد کرد.

نمی‌توان امکان دسترسی به آموزش را به طور کامل برای همه فراهم کرد. اکنون در جهان تنها ۰/۲ درصد از درخواست‌های کمک‌های فوری بشردوستانه به آموزش تعلق می‌گیرد. به منظور افزایش قابل توجه حمایت از آموزش در شرایطی که نیاز به کمک‌های بشردوستانه وجود دارد و نیز در شرایط طولانی‌شدن مدت بحران‌ها، با توجه ویژه به نیاز افراد در شرایط یادشده می‌بایست تلاش مضاعفی انجام شود. افزایش تلاش‌ها همچنین برای تضمین پاسخ‌گویی سریع به نیازهای آموزشی در شرایط جنگ و بحران نیز اهمیت دارد. ایجاد ارتباط و هم‌افزایی میان منابع مالی بشردوستانه و منابع کمک مالی برای توسعه و روش‌های ارائه این کمک‌ها می‌تواند به افزایش تأثیرگذاری هر دلار از پول سرمایه‌گذاری شده در فعالیت‌های بازسازی و بازیابی آموزشی و نیز در ارائه راه حل‌های منسجم و هماهنگ برای رفع نیازهای آموزشی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت مؤثر باشد؛ ضمن اینکه این اقدامات می‌توانند راهکاری برای کمک به کشورهای آسیب‌پذیر و جنگ‌زده برای یافتن راه حل‌های پایدار و بلند مدت برای رفع بحران‌های آموزشی باشند.

• ارتقا و تقویت مشارکت‌های ذی‌نفعان

چندگانه موجود: حمایت از اجرای کامل سند آموزش ۲۰۳۰، یک ضرورت است. ارتقای تدریجی سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های بین‌المللی و ذی‌نفعان چندگانه مانند برنامه «مشارکت جهانی برای آموزش» الزامی است، تا به این واسطه امکان تکمیل دوره‌های رایگان، برابر، فراگیر و باکیفیت آموزش در اوان کودکی و در دوره‌های ابتدایی و متوسطه برای همه کودکان فراهم شود. علاوه بر این، امکانات آموزشی به‌روزرسانی شوند و سرمایه‌گذاری در آموزش در حوزه‌های ریاضیات، مهندسی، فناوری و علوم و آموزش

۱۰۸-

نوآوری با تأکید بر مشارکت، شفافیت، انصاف و کارآمدی: لازمه تحقق این دستورکار آرمانی و بلندپروازانه در حوزه آموزش، استفاده از همه منابع بالقوه موجود در راستای حمایت و تحقق حق بهره‌مندی همه از آموزش است، که در این راستا، گاه باید از کارهای معمول کمی فراتر رویم و گاه بیشتر و یا حتی کمتر تلاش کنیم. برای دستیابی به این هدف، نیازمند فرایندی هستیم که متضمن تقویت یا توسعه دائمی نظام‌های آموزشی باشد. این فرایند شامل نوآوری، رهگیری و ارزیابی نتایج نوآوری‌های انجام شده و همچنین استفاده از شواهد جدید برای کسب و حفظ موفقیت و نیز در صورت لزوم، تغییر مسیر اقدام است. برای دستیابی به نتایج بهتر، لازم است که برای افزایش و استفاده از همه هزینه‌های موجود آموزشی، بیشتر تلاش کنیم. به همین دلیل است که حاکمیت و مشارکت‌های بهینه ضرورت پیدا می‌کنند، اما سایر نوآوری‌ها هم الزامی هستند:

• متمرکز کردن سرمایه‌گذاری‌ها بر برابری،

فراگیری و کیفیت آموزش: در اکثر نظام‌های آموزشی تأکید مصرانه بر برابری، فراگیری و کیفیت در آموزش، نوآوری به حساب می‌آید. همه سرمایه‌گذاری‌ها، اعم از جدید یا جاری باید بر مبنای یک معیار کلیدی سنجیده شوند؛ بدین ترتیب که آیا این سرمایه‌گذاری‌ها ضامن بهره‌مندی همه انسان‌ها از دانش، دیدگاه‌ها و مهارت‌های لازم برای زندگی و معیشت خود هستند یا خیر؟ این مطلب به خصوص در مورد اقشاری که از همه آسیب‌پذیرترند و بیش از همه به حاشیه رانده شده‌اند، اهمیت دارد و می‌بایست پیگیری شود.

• جهت دهی به منابع مالی خصوصی (غیر

دولتی): در کنار نقش مهمی که بر عهده بخش خصوصی نهاده شده، این بخش به عنوان یکی از شرکای اصلی در امر تأمین مالی آموزش ظهور

کرده است و جهت تأمین منابع مالی تکمیلی برای آموزش و نیز ارتقای همکاری‌ها با سایر ذی نفعان و بخش‌های مرتبط، دارای توان قابل ملاحظه‌ای است. باید اطمینان حاصل شود که هزینه‌های بخش خصوصی در زمینه آموزش، بیشتر متوجه کشورها و افراد نیازمندتر شود و اینکه این هزینه‌ها، به تقویت آموزش به عنوان یک کالای عمومی کمک کند. هماهنگی مؤثر و ایجاد سازوکارهای قانونی برای تضمین شفافیت و پاسخ‌گویی، لازمه مشارکت‌های موفق با بخش خصوصی است.

• **به چالش کشیدن و فاش کردن استفاده‌های ناصحیح از منابع مالی اختصاص یافته به آموزش:** مبالغ قابل توجهی از منابع اختصاص یافته به آموزش، به واسطه اختلاس و ناکارآمدی مسئولان از بین می‌رود. پایش مستقل و ردگیری مبالغ هزینه شده، می‌تواند در افزایش قابل ملاحظه منابع مالی دریافتی توسط مدارس مؤثر باشد.

• **ایجاد نظام‌های شفاف پایش و گزارش‌دهی:**

متعهد بودن به رویکردی هماهنگ و نظام مسئولیت‌پذیری متقابل، از جمله: نظامی شفاف برای پایش و گزارش‌دهی در مورد تأمین مالی آموزش ۲۰۳۰ الزامی است. از مقتضیات این پایبندی، توجه ویژه به این مطلب است که آیا منابع مالی تعیین شده برای آموزش، به دست اقشار بسیار آسیب‌پذیر و کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی می‌رسد یا خیر؟ ظرفیت سازی و کنار گذاشتن منابع کافی برای گردآوری داده برای تهیه گزارش مالی نیز از ملزومات چنین تعهدی است.

جمع‌بندی

۱۰۹-

ما، جامعه بین‌المللی آموزش، همگی با هم در مورد رویکردی جدید و جامع که ضامن دستیابی به آموزش برابر و باکیفیت برای همه کودکان، جوانان و بزرگسالان است، قویاً متحد شده‌ایم؛ ضمن اینکه به دنبال ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه نیز هستیم. ما به طور مشترک برای تحقق همه اهداف ویژه آموزش تلاش خواهیم کرد، که این خود به تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه آموزش، در میان جامعه جهانی آموزش منجر خواهد شد. ما به این مهم واقف هستیم که برای دستیابی به اهداف ویژه جدید، به تأمین منابع مالی تکمیلی قابل ملاحظه‌ای نیازمند هستیم و نیز می‌دانیم که برای پیشرفت در تحقق آموزش ۲۰۳۰ می‌بایست از منابع موجود، به بهترین شکل و روش ممکن استفاده کنیم. علاوه بر این، بر ضرورت حاکمیت خوب و همچنین مسئولیت‌پذیری شهروندان هم تأکید داریم. با آگاهی از اینکه آموزش ۲۰۳۰ به پیشرفتی تاریخی در آموزش می‌انجامد، ما خود را متعهد می‌دانیم که اقدامات متهورانه، نوآورانه و پایدار انجام دهیم؛ تا مطمئن شویم که آموزش به واقع در دگرگون ساختن زندگی‌ها در جهان مؤثر است. تحقق آموزش ۲۰۳۰ بیانگر آن است که موفقیت فردی، تنها در سایه تلاش برای موفقیت جمعی تحقق خواهد یافت.

ضمیمه ۱: شاخص‌های جهانی پیشنهادی (از جولای ۲۰۱۶)

یازده شاخص جهانی برای نظارت بر هدف چهارم توسعه پایدار، توسط «گروه کارشناسی بین نهادی در زمینه شاخص‌های اهداف توسعه پایدار» (IAEG-SDGs) تهیه شد و در چهل و هفتمین نشست کمیسیون آماری سازمان ملل متحد، در ماه مارس ۲۰۱۶ به تصویب رسید. بخش هماهنگی و مدیریت شورای اقتصادی و اجتماعی، از گزارش کمیسیون آماری یادداشتی تهیه کرد و گزارش مذکور برای بررسی، به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه شد. این یازده شاخص جهانی، بیانگر حداقل شاخص‌هایی است که برای نظارت جهانی بر اجرای اهداف ویژه آموزش ۲۰۳۰ (هدف چهارم توسعه پایدار)، به کشورها پیشنهاد شده است.

جدول ۱. چارچوب شاخص‌های جهانی

هدف: تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه

۴.۱	تضمین اینکه همه دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰، دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه را به شکل باکیفیت، عادلانه و بدون پرداخت هیچ گونه شهریه، به طور کامل و با دستیابی به نتایج مؤثر در یادگیری به پایان برسانند.
۴.۱.۱	نسبت کودکان و جوانان در: الف) پایه‌های دوم/ سوم، ب) پایان دوره ابتدایی، ج) پایان دوره اول متوسطه که بتوانند به حداقل سطح توانمندی در: ۱- خواندن، ۲- ریاضیات، به تفکیک جنسیت دست یابند.
۴.۲	تضمین دسترسی همه دختران و پسران به آموزش پیش دبستانی، و مراقبت و رشد کیفی در اوان کودکی، به منظور آماده سازی آن‌ها برای آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۳۰
۴.۲.۱	نسبت کودکان زیر پنج سالی که به طور مداوم در جریان بهداشت، یادگیری و سلامت اجتماعی- روانی قرار دارند، به تفکیک جنسیت
۴.۲.۲	نرخ مشارکت در یادگیری سازماندهی شده (یک سال پیش از سن رسمی ورود به دوره ابتدایی)، به تفکیک جنسیت

۴.۳	تضمین دسترسی برابر همهٔ زنان و مردان به آموزش عالی و دانشگاهی، و آموزش فنی و حرفه‌ای مقرون‌به‌صرفه و با کیفیت تا سال ۲۰۳۰
۴.۳.۱	نرخ مشارکت جوانان و بزرگسالان در آموزش رسمی و غیررسمی در ۱۲ ماه گذشته، به تفکیک جنسیت
۴.۴	افزایش چشمگیر تعداد جوانان و بزرگسالان دارای مهارت‌های مرتبط با اشتغال، مشاغل شایسته و کارآفرینی، از جمله مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تا سال ۲۰۳۰
۴.۴.۱	نسبت جوانان و بزرگسالان دارای مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، به تفکیک نوع مهارت
۴.۵	ریشه‌کنی نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و تضمین دسترسی برابر به همهٔ مقاطع آموزش و تربیت فنی و حرفه‌ای برای اقشار آسیب‌پذیر، از جمله معلولان، افراد بومی و کودکانی که در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند و یا خود، آسیب‌پذیر هستند، تا سال ۲۰۳۰
۴.۵.۱	۱،۵،۴: نمایه‌های برابری (زن/ مرد، روستایی/ دهک‌های درآمدی پائین/ بالا، و سایر افراد مانند معلولان، افراد بومی و متأثر از درگیری و نزاع، که اطلاعات آماری آن‌ها موجود است) برای همه شاخص‌های آموزشی مربوط به این فهرست که قابل تفکیک هستند.
۴.۶	تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همهٔ جوانان و تعداد قابل توجه‌ای از بزرگسالان، اعم از زن و مرد به سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن دست یابند.
۴.۶.۱	درصدی از جمعیت یک گروه سنی مفروض که می‌تواند حداقل به سطح مشخصی از توانمندی در مهارت‌های کاربردی: الف) خواندن و نوشتن، ب) حساب کردن دست یابد، به تفکیک جنسیت
۴.۷	تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰، همهٔ یادگیرندگان به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعهٔ پایدار؛ به‌ویژه از طریق: آموزش برای توسعهٔ پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگها در تحقق توسعهٔ پایدار دست یابند.
۴.۷.۱	میزان توجه به: ۱- آموزش شهروندی جهانی، ۲- آموزش برای توسعهٔ پایدار، از جمله تساوی جنسیتی و حقوق بشر در کلیهٔ سطوح: الف) سیاست‌های ملی در زمینهٔ آموزش، ب) برنامه‌های درسی، ج) تربیت معلم، د) ارزشیابی دانش‌آموزان و دانشجویان
۴. الف:	ایجاد و به‌روزرسانی امکانات آموزشی مناسب برای کودکان، معلولان و زنان و مردان، و تأمین فضاها و یادگیری مؤثر، فراگیر، به‌دور از خشونت و امن برای همه تا سال ۲۰۳۰

۴. الف. ۱	نسبت مدارس با قابلیت دسترسی به: برق، اینترنت برای اهداف آموزشی، کامپیوتر برای مقاصد آموزشی، وسائل و تأسیسات مناسب برای دانش‌آموزان معلول، آب شرب سالم، سرویس‌های بهداشتی سالم و مستقل برای دختران و پسران، و سرویس‌های دستشویی (مطابق با تعاریف شاخص شست و شو)
۴. ب	افزایش چشمگیر تعداد بورس‌های اعطا شده در جهان به کشورهای در حال توسعه؛ به‌ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و کشورهای آفریقایی، برای ثبت‌نام در مقطع آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته و در سایر کشورهای در حال توسعه، از جمله: در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشته‌های فنی، علمی و مهندسی تا سال ۲۰۲۰
۴. ب. ۱	حجم کمک‌های رسمی مربوط به توسعه برای بورس‌ها، به تفکیک حوزه و نوع مطالعه
۴. ج	افزایش قابل توجه معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق: تقویت همکاری‌های بین‌المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه؛ به‌ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰
۴. ج. ۱	نسبت معلمان در آموزش: پیش دبستان، ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم که حداقل آموزش سازمان‌دهی شده پیش از خدمت و ضمن خدمت مورد نیاز (به‌عنوان مثال: آموزش روش‌های آموزشی) را برای تدریس در سطح مربوطه در یک کشور مفروض، دریافت کرده‌اند.

ضمیمه ۲: چارچوب شاخص‌های موضوعی پیشنهادی (پیش‌نویس - در حال انجام - از جولای ۲۰۱۶)

مجموعه گسترده‌تری از شاخص‌های قابل قیاس در سطح بین‌المللی توسط «گروه مشاوره فنی در زمینه شاخص‌های آموزشی» (TAG) تهیه شد که در آینده، توسط مؤسسه آمار یونسکو با همکاری کشورها، شرکاء و ذی‌نفعان در «گروه همکاری فنی در زمینه شاخص‌های هدف چهارم توسعه پایدار- آموزش ۲۰۳۰» (TAG) نهایی و اجرا خواهد شد. مجموعه شاخص‌های موضوعی، به‌طور همه‌جانبه‌تری به ترسیم منحنی پیشرفت جهانی در زمینه آموزش و نظارت بر اهداف ویژه هدف چهارم توسعه پایدار در کشورها کمک می‌کند و امکان شناسایی چالش‌های مرتبط با مفاهیم اهداف ویژه را که توسط شاخص‌های جهانی به خوبی نشان داده نمی‌شوند، فراهم می‌سازد. چارچوب شاخص‌های موضوعی شامل: شاخص‌های جهانی، به‌عنوان یک زیر مجموعه و نیز مجموعه‌ای از شاخص‌های پیشنهادی دیگر است که کشورها می‌توانند براساس شرایط ملی، اولویت‌های سیاست‌گذاری، ظرفیت فنی و میزان دسترسی به اطلاعات، به‌منظور نظارت بر اجرای آموزش ۲۰۳۰، از آن‌ها استفاده کنند.

جدول ۲: چارچوب شاخص‌های موضوعی

هدف: تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه

مفهوم	شماره	شاخص	شاخص‌های جهانی پیشنهادی
هدف ۴.۱ تا ۴.۷			

۴.۱: تضمین اینکه همهٔ دختران و پسران تا سال ۲۰۳۰ دوره‌های آموزش ابتدایی و متوسطه را به شکل باکیفیت، عادلانه و بدون پرداخت هیچ گونه شهریه، به طور کامل و با دستیابی به نتایج مؤثر در یادگیری به پایان برسانند.

یادگیری	۱	نسبت کودکان و جوانان در: الف) پایه‌های دوم / سوم، ب) پایان دورهٔ ابتدایی، ج) پایان دورهٔ اول متوسطه که بتوانند به حداقل سطح توانمندی در: ۱- خواندن، ۲- ریاضیات دست یابند، به تفکیک جنسیت	بله
	۲	سنجش یادگیری در سطح ملی: ۱- طی دورهٔ ابتدایی، ۲- در پایان دورهٔ ابتدایی، ۳- در پایان دورهٔ اول متوسطه	
تکمیل دورهٔ تحصیلی	۳	نرخ ناخالص ورود به آخرین پایهٔ تحصیلی (ابتدایی، دوره اول متوسطه)	
	۴	نرخ به‌پایان رساندن تحصیلات (ابتدایی، دوره اول متوسطه، دوره دوم متوسطه)	
مشارکت	۵	نرخ بازماندگان از تحصیل (ابتدایی، دوره اول متوسطه، دوره دوم متوسطه)	
	۶	درصد کودکانی که سن آن‌ها بیش از پایه تحصیلی است (ابتدایی، دوره اول متوسطه)	
تمهیدات	۷	تعداد سال‌های آموزش ابتدایی و متوسطه که بر اساس چارچوب‌های قانونی: ۱- مجانی، و ۲- اجباری است	

مفهوم	شماره	شاخص	شاخص‌های جهانی پیشنهادی
-------	-------	------	----------------------------

۴.۲: تضمین دسترسی همهٔ دختران و پسران به آموزش پیش دبستانی، و مراقبت و رشد کیفی در اوان کودکی به منظور آماده سازی آن‌ها برای آموزش ابتدایی تا سال ۲۰۳۰

آمادگی	۸	نسبت کودکان زیر پنج سالی که به‌طور مداوم در جریان بهداشت، یادگیری و سلامت اجتماعی-روانی قرار دارند، به تفکیک جنسیت	بله
	۹	درصد کودکان زیر پنج سالی که محیط یادگیری مثبت و جذابی را در منزل تجربه می‌کنند	
مشارکت	۱۰	نرخ مشارکت در یادگیری سازماندهی شده (یک سال قبل از سن رسمی ورود به دورهٔ ابتدایی)، به تفکیک جنسیت	بله
	۱۱	نرخ ناخالص ثبت نام در دورهٔ پیش دبستان	
تمهیدات	۱۲	تعداد سال‌های آموزش پیش دبستان که بر اساس چارچوب‌های قانونی: ۱- مجانی، ۲- اجباری است	

۴.۳: تضمین دسترسی برابر همهٔ زنان و مردان به آموزش عالی و دانشگاهی، و آموزش فنی و حرفه‌ای مقرون به صرفه و با کیفیت تا سال ۲۰۳۰

مشارکت	۱۳	نرخ ناخالص ثبت‌نام برای آموزش عالی	
	۱۴	نرخ مشارکت در برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای (۱۵ تا ۲۴ ساله)	
	۱۵	نرخ مشارکت جوانان و بزرگسالان در آموزش رسمی و غیررسمی در ۱۲ ماه گذشته، به تفکیک جنسیت	بله

مفهوم	شماره	شاخص	شاخص‌های جهانی پیشنهادی
-------	-------	------	----------------------------

۴.۴: افزایش چشم‌گیر تعداد جوانان و بزرگسالان دارای مهارت‌های مرتبط با اشتغال، مشاغل شایسته و کارآفرینی، از جمله مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تا سال ۲۰۳۰

مهارت‌ها	۱۶.۱	درصد جوانان/ بزرگسالانی که به حداقل‌ترین سطح توانمندی در مهارت‌های سواد دیجیتال دست یافته‌اند.	بله
	۱۶.۲	نسبت جوانان و بزرگسالانی که دارای مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات هستند، به تفکیک نوع مهارت	
	۱۷	نرخ دسترسی جوانان/ بزرگسالان به آموزش به تفکیک گروه سنی، وضعیت فعالیت اقتصادی، سطوح آموزشی و برنامه‌های آموزشی	

۴.۵: ریشه‌کنی نابرابری‌های جنسیتی در آموزش و تضمین دسترسی برابر به همه مقاطع آموزش فنی و حرفه‌ای برای اقشار آسیب‌پذیر، از جمله معلولان، افراد بومی و کودکانی که در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند و یا خود، آسیب‌پذیر هستند، تا سال ۲۰۳۰

سیاست‌ها		نمایه‌های برابری (زن/ مرد، روستایی/ دهک‌های درآمدی پائین/ بالا، و سایر افراد مانند: معلولان، افراد بومی و متاثر از درگیری و نزاع، که اطلاعات آماری آن‌ها موجود است) برای همه شاخص‌های آموزشی مربوط به این فهرست که قابل تفکیک هستند.	اهداف ویژه مرتبط با تساوی
	۱۸	سایر شاخص‌ها، هر جا که ممکن باشد، به نسبت توزیع جمعیت‌شان ارائه خواهند شد.	
	۱۹	درصد دانش‌آموزان مقطع ابتدایی که زبان اول یا مادری آن‌ها همان زبانی است که با آن آموزش می‌بینند	
	۲۰	میزان منابع آموزشی که بر اساس سیاست‌های متقن، به جمعیت‌های محروم تعلق می‌گیرد	
	۲۱	هزینه‌های آموزشی برای هر نفر دانش‌آموز/ دانشجو به تفکیک سطح آموزش و منبع تامین مالی	
		درصد کل کمک‌هایی که برای آموزش به کشورهای کم‌درآمد اختصاص می‌یابد	

مفهوم	شماره	شاخص	شاخص‌های جهانی پیشنهادی
-------	-------	------	----------------------------

۴.۶: تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰ همهٔ جوانان و تعداد قابل توجهی از بزرگسالان، اعم از زن و مرد به سواد خواندن، نوشتن و حساب کردن دست یابند.

مهارت‌ها	۲۲	درصدی از جمعیت یک گروه سنی مفروض که می‌تواند حداقل به سطح مشخصی از توانمندی در مهارت‌های کاربردی: الف) خواندن و نوشتن، ب) حساب کردن، دست یابد، به تفکیک جنسیت	بله
	۲۳	نرخ سوادآموزی جوانان/ بزرگسالان	
تمهیدات	۲۴	نرخ مشارکت جوانان/ بزرگسالان در برنامه‌های سوادآموزی	

۴.۷: تضمین اینکه تا سال ۲۰۳۰، همهٔ یادگیرندگان به دانش و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعهٔ پایدار؛ به‌ویژه از طریق: آموزش برای توسعهٔ پایدار و سبک‌های زندگی پایدار، حقوق بشر، تساوی جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و نبود خشونت، شهروندی جهانی و احترام به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگ‌ها در تحقق توسعهٔ پایدار دست یابند.

تمهیدات	۲۵	میزان توجه به: ۱- آموزش شهروندی جهانی و ۲- آموزش برای توسعهٔ پایدار، از جمله تساوی جنسیتی و حقوق بشر در کلیه سطوح: الف) سیاست‌های ملی در زمینه آموزش ب) برنامه‌های درسی ج) تربیت معلم، د) ارزشیابی دانش‌آموزان و دانشجویان	بله
	۲۶	درصد دانش‌آموزان/ دانشجویان به تفکیک جنسیت (یا سطح آموزش) که درک مناسبی از موضوعات مرتبط با شهروندی جهانی و پایداری نشان می‌دهند	
تمهیدات	۲۷	درصد دانش‌آموزان ۱۵ ساله‌ای که در زمینه علوم زیست-محیطی و علوم زمین از دانش بسیار خوبی برخوردارند	
	۲۸	درصد مدرسی که در قالب مهارت‌های زندگی، آموزش مقابله با ایدز و آموزش‌های جنسی ارائه می‌دهند	
	۲۹	میزان اجرای چارچوب برنامهٔ جهانی آموزش حقوق بشر در سطح ملی (با توجه به قطعنامه ۵۹/۱۱۳ مجمع عمومی ملل متحد)	

مفهوم	شماره	شاخص	شاخص‌های جهانی پیشنهادی
ابزار اجرایی			
۴. الف تا ۴. ج			

۴. الف: ایجاد و به‌روزرسانی امکانات آموزشی مناسب برای کودکان، معلولان و زنان و مردان، و تأمین فضاهای یادگیری مؤثر، فراگیر، به‌دور از خشونت و امن برای همه، تا سال ۲۰۳۰

منابع	۳۰	نسبت مدارس با قابلیت دسترسی به: ۱- آب شرب سالم، ۲- سرویس‌های بهداشتی سالم و مستقل برای دختران و پسران، ۳- سرویس‌های دستشویی	بله
	۳۱	نسبت مدارس با قابلیت دسترسی به: ۱- برق، ۲- اینترنت برای اهداف آموزشی، ۳- کامپیوتر برای مقاصد آموزشی	بله
	۳۲	نسبت مدرسی که دارای وسائل و تاسیسات مناسب برای دانش‌آموزان معلول هستند	بله
محیط	۳۳	درصد دانش‌آموزانی که تهدید، تنبیهات بدنی، آزار و اذیت، خشونت، تبعیض و آزار جنسی را تجربه می‌کنند	
	۳۴	تعداد دفعات حمله به دانش‌آموزان، کارکنان و موسسات آموزشی	

۴. ب: افزایش چشمگیر تعداد بورس‌های اعطا شده در جهان به کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه کشورهای دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی، کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و کشورهای آفریقایی، برای ثبت‌نام در مقطع آموزش عالی در کشورهای توسعه‌یافته و در سایر کشورهای در حال توسعه، از جمله: در حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رشته‌های فنی، علمی و مهندسی، تا سال ۲۰۲۰

مفهوم	شماره	شاخص	شاخص های جهانی پیشنهادی
تعداد	۳۵	تعداد بورس های اعطا شده در مقطع آموزش عالی به تفکیک کشور ذی نفع	
	۳۶	حجم کمک های رسمی مربوط به توسعه برای بورس ها به تفکیک حوزه و نوع مطالعه	بله

۴.ج: افزایش قابل توجه معلمان واجد شرایط، از جمله از طریق: تقویت همکاری های بین المللی برای تربیت معلم در کشورهای در حال توسعه؛ به ویژه کشورهای دارای پایین ترین سطح توسعه یافتگی و کشورهای جزیره ای کوچک در حال توسعه تا سال ۲۰۳۰

واجد شرایط	۳۷	درصد معلمان واجد شرایط مطابق با معیارهای ملی، به تفکیک سطح آموزش و نوع موسسه	
	۳۸	نرخ معلم واجد شرایط / شاگرد به تفکیک سطح آموزش	
آموزش دیده	۳۹	نسبت معلمان در آموزش: الف) پیش دبستان، ب) ابتدایی، ج) متوسطه اول، د) متوسطه دوم که حداقل آموزش سازماندهی شده پیش از خدمت و ضمن خدمت مورد نیاز (به عنوان مثال: آموزش روش های آموزشی) برای تدریس در سطح مربوطه در یک کشور مغروض را دریافت کرده اند.	بله
	۴۰	نرخ معلم آموزش دیده / شاگرد، به تفکیک سطح آموزش	
با انگیزه	۴۱	متوسط حقوق و دستمزد معلمان نسبت به سایر حرفه هایی که نیازمند سطح کیفیت آموزشی قابل مقایسه با شغل معلمی هستند	
	۴۲	نرخ عدم انگیزه و پشیمانی معلمان به تفکیک سطح آموزش	

مترجم شاخصها: پیمان پورهادی

آموزش

۲۰۳۰


